



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# احکام جوانان



مطابق با فتاوی

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی  
آقای حاج شیخ محمد فاضل کنگرانی

ضمیمه با خلاصه‌ای از عقاید شیعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احکام جوانان مطابق با فتاوی آیت الله فاضل لنکرانی - همراه خلاصه ای از عقاید شیعه

نویسنده:

محمد فاضل لنکرانی

ناشر چاپی:

مهر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۵	احکام جوانان مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی - همراه خلاصه ای از عقاید شیعه
۱۵	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۲	خلاصه ای از عقاید شیعه
۲۲	دین
۲۲	چرا به دین نیازمندیم؟
۲۲	ضرورت دین
۲۴	فواید دین
۲۷	فواید اجتماعی دین
۳۰	باید به اصول دین یقین داشته باشیم
۳۱	چرا اصول دین تقلیدی نیست؟
۳۳	اعتقاد به خداوند یگانه
۳۹	اصول الدین
۳۹	توحید
۴۲	عدل
۴۵	نبوت
۴۵	اشاره
۴۶	خلاصه ای از زندگی پیغمبر صلی الله علیه و آله
۴۷	راه های شناخت پیامبر
۵۴	امامت
۵۴	اشاره
۵۸	امام اول
۶۶	مجموع روایات مربوط به حضرت حجت علیه السلام

۶۷	معاد
۷۱	احکام حیوانات
۷۱	اشاره
۷۳	اجتهاد و تقلید
۷۳	اشاره
۷۵	فرق بین احتیاط مستحب و احتیاط واجب
۷۶	نشانه بلوغ و سن تکلیف
۷۷	طهارت
۷۷	احکام نجاسات
۷۷	اشاره
۷۸	احکام مردار
۷۹	احکام خون
۸۰	نجس شدن چیزهای پاک
۸۰	مُطَهَّرَات (پاک کننده ها)
۸۰	اشاره
۸۱	آب
۸۱	احکام آبها
۸۱	اقسام آب مطلق
۸۱	اشاره
۸۲	آب قلیل
۸۲	آبهای کر، جاری و چاه
۸۳	چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم؟
۸۴	زمین
۸۵	آفتاب
۸۶	اسلام
۸۶	برطرف شدن عین نجاست

۸۷	وضو
۸۷	اشاره
۸۷	چگونه وضو بگیریم؟
۸۸	توضیح اعمال
۸۸	وضو شستن
۸۸	مسح
۹۰	شرایط وضو
۹۰	اشاره
۹۱	توضیح شرایط وضو
۹۴	وضوی جبیره ای
۹۶	چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت
۹۷	چیزهایی که وضو را باطل می کند
۹۹	غسل
۹۹	اشاره
۹۹	شیوه غسل کردن
۱۰۰	شرایط صحیح بودن غسل
۱۰۱	غسل های واجب
۱۰۱	اشاره
۱۰۱	غسل جنابت
۱۰۱	اشاره
۱۰۲	کارهایی که بر جنب حرام است
۱۰۳	غسل میت
۱۰۳	غسل مس میت
۱۰۳	غسلهای اختصاصی دخترها و بانوان
۱۰۳	اشاره
۱۰۴	غسل حیض (قاعدگی)

- ۱۰۵ ..... غسل استحاضه
- ۱۰۵ ..... غسل نفاس
- ۱۰۶ ..... تیمم
- ۱۰۶ ..... اشاره
- ۱۰۷ ..... کیفیت تیمم
- ۱۰۷ ..... چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است
- ۱۰۸ ..... احکام تیمم
- ۱۰۹ ..... نماز
- ۱۰۹ ..... اهمیت نماز
- ۱۱۰ ..... اقسام نماز
- ۱۱۰ ..... اشاره
- ۱۱۰ ..... نمازهای واجب روزانه
- ۱۱۰ ..... اشاره
- ۱۱۰ ..... وقت نمازهای روزانه
- ۱۱۰ ..... اشاره
- ۱۱۱ ..... ابتدای وقت نماز صبح
- ۱۱۱ ..... ابتدای وقت نماز ظهر
- ۱۱۲ ..... مغرب
- ۱۱۲ ..... نیمه شب
- ۱۱۲ ..... احکام وقت نماز
- ۱۱۳ ..... قبله
- ۱۱۴ ..... پوشاندن بدن در نماز
- ۱۱۶ ..... مکان نمازگزار
- ۱۱۶ ..... اشاره
- ۱۱۷ ..... احکام مسجد
- ۱۱۹ ..... آمادگی برای نماز



۱۱۹	.....	اشاره
۱۱۹	.....	اذان و اقامه
۱۱۹	.....	اشاره
۱۱۹	.....	اذان
۱۲۰	.....	اقامه
۱۲۱	.....	احکام اذان و اقامه
۱۲۲	.....	اعمال نماز
۱۲۲	.....	اشاره
۱۲۲	.....	فرق بین رُکن و غیر رُکن
۱۲۳	.....	احکام واجبات نماز
۱۲۳	.....	نیت
۱۲۳	.....	تکبیره الاحرام
۱۲۴	.....	قیام
۱۲۴	.....	قرائت
۱۲۴	.....	اشاره
۱۲۵	.....	تسبیحات اربعه:
۱۲۵	.....	احکام قرائت
۱۲۶	.....	رکوع
۱۲۷	.....	سجود
۱۲۷	.....	اشاره
۱۲۸	.....	وظیفه کسی که نمی تواند بطور معمول سجده کند
۱۲۹	.....	سجده واجب قرآن
۱۳۰	.....	تشهد
۱۳۰	.....	سلام
۱۳۰	.....	ترتیب
۱۳۱	.....	مُوالات

۱۳۱	بعضی از مستحبات نماز
۱۳۱	قنوت
۱۳۱	تعقیب نماز
۱۳۲	مُبطَلات نماز
۱۳۲	اشاره
۱۳۳	احکام مبطلات نماز
۱۳۳	سخن گفتن
۱۳۳	خندیدن و گریستن
۱۳۴	روی از قبله برگرداندن
۱۳۴	خوردن و آشامیدن
۱۳۴	برهم زدن صورت نماز
۱۳۶	ترجمه ذکرهای نماز
۱۳۶	ترجمه اذان و اقامه
۱۳۶	ترجمه نماز
۱۳۹	شکّیات نماز
۱۳۹	شک در نماز
۱۳۹	شک در اجزای نماز
۱۴۰	شکّهایی که نماز را باطل می کند
۱۴۱	نماز احتیاط
۱۴۲	کیفیت سجده سهو
۱۴۳	نماز مسافر
۱۴۳	اشاره
۱۴۵	وطن کجاست؟
۱۴۶	قصد ده روز
۱۴۸	نماز قضا
۱۴۸	اشاره

۱۴۹	.....	نماز قضای پدر و مادر
۱۵۰	.....	نماز جماعت
۱۵۰	.....	اشاره
۱۵۰	.....	اهمیت نماز جماعت
۱۵۱	.....	شرایط نماز جماعت
۱۵۲	.....	پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)
۱۵۴	.....	احکام نماز جماعت
۱۵۵	.....	نماز جمعه
۱۵۵	.....	اشاره
۱۵۵	.....	چگونگی نماز جمعه
۱۵۶	.....	شرایط نماز جمعه
۱۵۶	.....	وظیفه نمازگزاران جمعه
۱۵۷	.....	نماز آیات
۱۵۷	.....	اشاره
۱۵۷	.....	چگونگی نماز آیات
۱۵۸	.....	احکام نماز آیات
۱۵۹	.....	نمازهای مستحب
۱۵۹	.....	اشاره
۱۵۹	.....	نماز عید
۱۵۹	.....	اشاره
۱۵۹	.....	وقت نماز عید
۱۶۰	.....	چگونگی نماز عید
۱۶۱	.....	نافله های شبانه روزی
۱۶۱	.....	اشاره
۱۶۱	.....	نماز شب
۱۶۱	.....	اشاره

١٦١	وقت نماز شب
١٦٢	نماز غُفِيلَه
١٦٢	اشاره
١٦٢	كَيْفِيَّتِ نماز غفيله
١٦٣	روزه
١٦٣	اشاره
١٦٣	نَيْتِ روزه
١٦٤	مُبطلات روزه
١٦٤	اشاره
١٦٤	احكام مُبطلات روزه
١٦٤	قضا و كَفَّارَة روزه
١٦٤	اشاره
١٦٧	احكام قضا و كَفَّارَة روزه
١٦٨	روزه مسافر
١٦٩	زكات فِطْرَه
١٦٩	اشاره
١٦٩	مقدار زكات فِطْرَه
١٦٩	جنس زكات فِطْرَه
١٧٠	خُمْس
١٧٠	اشاره
١٧١	احكام خمس
١٧٢	مصرف خمس
١٧٣	زكات
١٧٣	اشاره
١٧٥	احكام زكات
١٧٥	مصرف زكات

۱۷۷	احکام خریدوفروش
۱۷۷	اشاره
۱۷۸	بهم زدن معامله
۱۷۹	قَرَض
۱۷۹	اشاره
۱۷۹	اقسام قرض
۱۸۰	احکام قرض
۱۸۰	امانتداری
۱۸۰	اشاره
۱۸۰	احکام امانتداری
۱۸۱	عاریه
۱۸۲	اشیاء پیدا شده یا گم شده
۱۸۵	عَصَب
۱۸۶	خوردن و آشامیدن
۱۸۶	اشاره
۱۸۷	آداب غذا خوردن
۱۸۸	آداب آب نوشیدن
۱۸۹	احکام سر بریدن حیوان
۱۸۹	اشاره
۱۸۹	شرایط سر بریدن حیوان
۱۹۰	شکار با اسلحه
۱۹۱	صید ماهی
۱۹۳	ازدواج
۱۹۳	نگاه کردن
۱۹۳	مَحْرَم و نامحرم
۱۹۵	احکام نگاه به دیگران

- ۱۹۶ ..... چند مسئله درباره ازدواج
- ۱۹۷ ..... احکام سلام کردن
- ۱۹۷ ..... اشاره
- ۱۹۸ ..... آداب سلام کردن
- ۱۹۸ ..... احکام قرآن
- ۱۹۸ ..... اشاره
- ۱۹۹ ..... لمس کردن خطوط قرآن
- ۲۰۰ ..... قسم خوردن
- ۲۰۱ ..... مسائل متفرقه
- ۲۰۳ ..... یادآوری
- ۲۰۵ ..... خلاصه ای از زندگینامه حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی
- ۲۰۵ ..... اشاره
- ۲۰۵ ..... ولادت
- ۲۰۵ ..... تحصیلات
- ۲۰۶ ..... اساتید
- ۲۰۶ ..... تدریس
- ۲۰۷ ..... مبارزات سیاسی علیه رژیم طاغوت
- ۲۰۷ ..... محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام
- ۲۰۸ ..... امامت جماعت
- ۲۰۸ ..... مرجعیت
- ۲۰۹ ..... تألیفات
- ۲۱۲ ..... درباره مرکز

## احکام جوانان مطابق با فتاویٰ حضرت آیت الله العظمیٰ فاضل لنکرانی - همراه خلاصه ای از عقاید شیعه

### مشخصات کتاب

سرشناسه: فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۱۰ - ۱۳۸۶.

عنوان و نام پدیدآور: احکام جوانان مطابق با فتاویٰ مرجع عالیقدر تشیع حضرت آیه الله العظمیٰ فاضل لنکرانی (دامت برکاته) همراه خلاصه ای از عقاید شیعه. / تالیف محمد فاضل لنکرانی.

مشخصات نشر: قم: مهر [چاپخانه]، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری: ۲۰۳ ص.؛ ۱۱/۵×۲۰ س م.

شابک: ۳۰۰۰ ریال؛ ۳۰۰۰ ریال (چاپ بیست و دوم)؛ ۳۰۰۰ ریال (چاپ بیست و هشتم)؛ ۳۰۰۰ ریال (چاپ بیست و نهم)؛ ۳۰۰۰ ریال (سی و چهارم)؛ ۳۰۰۰ ریال (چاپ سی و پنجم)

یادداشت: چاپ بیست و دوم: ۱۳۸۲.

یادداشت: چاپ بیست و هشتم: خرداد ۱۳۸۴.

یادداشت: چاپ بیست و نهم: ۱۳۸۴.

یادداشت: چاپ سی و چهارم: مهر ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ سی و پنجم: دی ماه ۱۳۸۵.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع: شیعه -- عقاید

رده بندی کنگره: BP۱۸۳/۹/ف۱۸الف۳۵ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۳۲۶۹







بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣



خلاصه ای از: عقاید شیعه

ص: ۵



#### چرا به دین نیازمندیم؟

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (سوره روم / ۳۰). (۱) دین در اصطلاح عبارت از مجموعه معارف، قوانین و دستوراتی است که خداوند توسط پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، برای راهنمایی و سعادت جامعه تشریح فرموده است، این قوانین شامل سه بخش است: ۱ - اعتقادات ۲ - اخلاقیات ۳ - وظائف و تکالیف عملی. موضوع سخن در این مقدمه بخش اعتقادات است و قبل از این که به بیان اجمالی این بخش پردازیم اشاره ای به ضرورت دین و فواید آن می کنیم.

#### ضرورت دین

انسان در این عالم بدون هدف آفریده نشده و خداوند

ص: ۷

---

۱- (۱) یعنی: رو به دین خالص آر به همان دینی که خدا مردم را بر آن آفرید.

حکیم از کار لغو و بیهوده منزّه است و از آیات و روایات استفاده می شود که هدف از خلقت انسان همانا تحصیل کمالات و فضایل نفسانی و کسب درجات و رسیدن به مقامات عالیه است و رسیدن به این اهداف عالیه بدون برنامه دقیق و احکام و قوانین کامل و جامع مقصور نیست بلکه برای رسیدن و دستیابی به این مقامات با ارزش به احکام و مقرراتی نیازمند است که حقوق فردی و اجتماعی او را حفظ کند، آزادی و آرامش او را برقرار و تأمین کند، راه تکامل و برنامه کسب کمالات و سعادت را به او بنمایاند و معلوم است که چنین برنامه ای با عقل محدود و فکر ناقص بشر انجام پذیر نیست، زیرا که انسان نیازهای گوناگون و فراوان خود را مانند آفریننده خود نمی شناسد و از راه های رسیدن به مقصود خویش آگاهی ندارد، از آنچه موجب سعادت دنیا و آخرت او بشود خبر ندارد، بلکه اکثراً خوشبختی و سعادت خود را در به دست آوردن نیازهای مادی و منافع دنیوی می دانند و از نیازهای معنوی و اخروی غافل می شوند بلکه غالباً مصالح و منافع خود و وابستگانشان را بر مصالح دیگران ترجیح داده، دست به هر کار می زنند. خلاصه از آنجا که سعادت بشر در دنیا و آخرت در گرو اعتقاد سالم و عمل به برنامه ها و دستورات اسلام و تطبیق برنامه های روز مرّه زندگی (فردی و اجتماعی) بر قوانین سعادت بخش اسلام می باشد، لذا ضرورت دین در جامعه قابل انکار نیست.

فواید دین بر دو نوع است: ۱ - فایده‌هایی که برای انسان از لحاظ فردی دارد ۲ - فایده‌هایی که برای انسان از لحاظ اجتماعی دارد. فواید دین برای انسان از لحاظ فردی بسیار است و عمده آنها که روشن و بدیهی است در سه جمله خلاصه می‌شود:

۱ - آرامش دل ۲ - قوت روح ۳ - حفظ و نگهداری شخص. ۱ - آرامش دل خدا در قرآن کریم فرموده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (سوره رعد / ۲۸). یعنی: کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌های آنها با یاد خدا آرام می‌گیرد، آری با یاد خدا دل‌ها آرام می‌شود. (۱)

بلی یکی از فواید مهم دین برای هر فرد آن است که او را خداشناس و معتقد به خدا - که حقیقت ثابت و تغییرناپذیر و مبدأ همه موجودات و عطاکننده کلیه نعمت‌ها است - می‌گرداند، خدایی که تمام خیرات و عزت و عمر و زندگی دست او است، و به این وسیله درون او آرام و خوش و خرسند و راضی و قانع و صابر می‌شود، آری آن که خدا را دارد همه چیز دارد، آن که خدا را بیابد نه ترس از نابودی و نه بیم از حوادث دارد و نه از پیش آمده‌ها نگران می‌شود.

ص: ۹



خوشا آنان که الله یارشان بی که حمد و قل هو الله کارشان بی

خوشا آنان که دائم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی قوت

۲ - روح دین انسان را قوی الاراده، با گذشت و مسلط بر تمایلات نفسانی می گردانند. خداوند درباره خاندان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام فرموده است: **يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا** (سوره دهر / ۷ تا ۹). یعنی: به نذر خود وفا می کنند و از روزی که سختی های آن پراکنده است می ترسند و غذای خود را با آن که دوست دارند به فقیر و یتیم و اسیر می دهند، ما شما را برای خدا غذا می دهیم نه از شما پاداش می خواهیم و نه انتظار سپاسگزاری داریم. آری این گونه صفات در روحی پیدا می شود که قوی و نیرومند و معتقد به قدرت لا یزال الهی باشد، روح ضعیف هرگز دارای این گونه صفات عالی نمی شود، روح قوی و وابسته به خدا است که می گوید اگر فرضاً خورشید را در کف راست و ماه را در کف چپ بگذارید دست از مقصد و هدف عالی ام بر نمی دارم.

ص: ۱۰

۳ - حفظ و نگهداری شخص سومین فایده دین نگهداری و حفظ و کنترل انسان از حالات و صفات و غرایز مخرب و نابودکننده است، دین، انسان مؤمن و معتقد به مبدأ و معاد را از هر گونه فساد، تباهی تجاوز به حقوق دیگران و ظلم و ستم بازداشته و حفظ می کند. امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرماید:

وَ اللَّهُ لَأَنَّ أَيْتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسِيَّهَدًا أَوْ أُجْرًا فِي الْأَغْلَالِ مُصَيِّفًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى وَ رَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَ غَاصِبًا لِشَيْءٍ مِنَ الْحُطَامِ... وَ اللَّهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتِ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أَعْصَى اللَّهَ فِي نَمَلِهِ أَشْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرِهِ مَا فَعَلْتُهُ» (نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۲۲۴). یعنی: سوگند به خدا اگر شب را بر روی خارهای سعدان بیدار به سر برم و یا در غل ها و زنجیرها بسته و کشیده شوم، برایم محبوب تر است از این که خدا و رسولش را روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال دنیا را غصب نموده باشم... به خدا سوگند اگر اقلیم های هفت گانه را با آنچه در زیر آسمان ها است به من بدهند که خداوند را با گرفتن پوست جویی از دهان مورچه ای نافرمانی کنم هرگز نخواهم کرد. بنابراین دین انسان را متوجه به خدا می کند و در نتیجه دلش را آرام و روحش را قوی می گرداند و او را از ناشایست ها

حفظ و نگهداری می کند. آری انسان اگر به دین صحیح پی ببرد و آن گونه که شایسته است از دین استفاده کند سعادت را که آرزو می کند به برکت دین به دست می آورد زیرا دین برایش هم فواید معنوی دارد و هم فواید مادی، دین به انسان اعتماد به نفس و قوت روح و آرامش و خرمی دل می دهد و او را از زشتی ها بازمی دارد و در نتیجه تنش سالم، مالش محفوظ، زندگی اش خوش، نامش نیک و عاقبتش به خیر می شود، خدا فرموده است: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (سوره نحل / ۹۷). یعنی: هر کس مرد یا زن - کار نیک کند و با ایمان باشد به او زندگانی پاکیزه می دهیم و چنین کسان را نیکوتر از آن چه که انجام داده اند پاداش می بخشیم.

### فواید اجتماعی دین

مردمی که با هم زندگی می کنند و در سود و زیان و عزت و ذلت و زندگی و مرگ با هم شریکند و در طرز فکر و احساسات به هم شبیه اند جامعه را تشکیل می دهند. جامعه درست همانند یک انسان است و حکم یک شخص را دارد و باید سه اصل اساسی در جامعه باشد تا جامعه سالم، قوی، با نشاط و قابل بقاء گشته و از زندگی حد اکثر بهره را ببرد: (۱) الفت و یگانگی و اتحاد و همدلی میان افراد و طبقات.

۲) خودداری افراد از شرارت و آزار نسبت به یکدیگر. ۳) تعاون و کمک کردن و هم صدا شدن بر خیر و حق. دین و اعتقاد به مبدأ و معاد به نحو احسن سه اصل نامبرده را در جامعه عملی می سازد. اولین فایده مهم دین برای جامعه ایجاد وحدت معنوی و اخوت و یگانگی میان افراد جامعه است و نیز مؤثرترین وسیله برای الفت دادن دل ها به یکدیگر است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا (سوره آل عمران/ ۱۰۳). یعنی: همه به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که شما با هم دشمن بودید خدا دل های شما را با هم الفت داد و به نعمت خدا با هم برادر شدید.

مؤمنان معدود لیک ایمان یکیجسمشان معدود و لیکن جان یکی

جان گرگان و سگان از هم جداست متحد جان های شیران خداست

فایده دوم دین برای جامعه این است که دین اذیت و آزار و شرارت مردم را از یکدیگر می گیرد یا لااقل کم می کند، نیت شر و فساد را که موجب بدبختی فرد و جامعه است محو و نابود

می کند، دین بر دست و پای اهریمنی که در باطن انسان در کمین است و همواره در تلاش است که بر آشوبید و فتنه ای برپا کند، زنجیر می زند و او را مهار می کند، دین از سرکشی و زورگویی و ارتکاب فحشاء نسبت به یکدیگر ممانعت و جلوگیری می کند، دین پیوستگی میان خویشاوندان را محکم و به آن امر می کند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ** (سوره نحل / ۹۰). یعنی: خدا به عدالت و نیکوکاری و محبت به خویشاوندان امر می کند و از کار زشت و ناپسند و ستم نهی می کند، خدا شما را پند می دهد، باشد که شما بپذیرید. فایده سوم دین برای جامعه آن است که عموم مردم را به معاونت و همکاری بر انجام کارهای خیر وامی دارد و آنها را از معاونت و هم دست شدن بر انجام و به وجود آمدن بدی و گناه باز می دارد، آنها را از عداوت و دشمنی با همدیگر نهی می کند، آنها را از دوزخ نمودن محیط برای هموعان خود منع می کند و آنان را از عذاب سخت بر حذر می دارد. خدا در قرآن فرموده است: **وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ** (سوره مائده / ۲) یعنی: یکدیگر را بر نیکی و پرهیزکاری کمک کنید و بر گناه و دشمنی کمک نکنید و از خدا بترسید که عذاب

خدا سخت است. خلاصه این که دین با قوانین و برنامه های انسان ساز خویش جامعه ای را تشکیل می دهد که روح آن جامعه خیر مطلق است و با چنین برنامه ای قوی و با نشاط و سربلند، افراد آن جامعه واجد سعادت دنیا و آخرت خواهند بود. ان شاء الله. اکنون که معنای دین، ضرورت و فواید آن به طور خلاصه روشن شد بر می گردیم به اصل سخن. گفته شد که دین دارای سه بخش است و موضوع بحث ما بخش اعتقادات است و قبل از ورود به این بحث به این مطلب توجه کنیم که:

### **باید به اصول دین یقین داشته باشیم**

همان گونه که در مسئله اول رساله توضیح المسائل آمده است، مسلمان باید به اصول دین یقین داشته باشد، یعنی تحصیل معرفت و اعتقاد راسخ و جزمی لازم است و نمی تواند به صرف این که دیگری گفته است اکتفا کند و خلاصه به حکم عقل و به حکم آیات شریفه و روایات معتبره، بر هر مسلمانی تحصیل ایمان و یقین و اعتقاد به اصول دین واجب است و تفصیر و مسامحه در این امر موجب عذاب ابدی خواهد شد، ولی ناگفته نماند آنچه که لازم است اصل تحقق یقین و اعتقاد جزمی است و این معنا از هر دلیل و طریقی حاصل شود کفایت می کند، بنابراین اکثر مردم که اصول دین خود را از تعلیمات و گفته علماء و مبلغین و معلمین و حتی از گفته والدین خود فرا گرفته و به خاطر کمال و ثوق و اعتماد به قول آنها و عدم احتمال

خلاف و کذب در آنان، یقین پیدا کرده اند، کفایت می کند گرچه نتوانند اقامه دلیل و برهان کنند و نتوانند پاسخ شبهات را بدهند.

### چرا اصول دین تقلیدی نیست ؟

علت این که فقهاء و مراجع عظام فرموده اند: محل تقلید و مورد آن احکام فرعیه عملیه است و در اصول دین تقلید جاری نمی شود<sup>(۱)</sup> و ادعای اجماع نیز بر آن شده است، این است که تقلید: عمل کردن به دستور مجتهد است (و به نظر برخی، پذیرفتن گفته غیر است تعبداً و بدون دلیل) هرچند یقین به واقع حاصل نشود، و حال این که آیات و روایات<sup>(۲)</sup> دلالت دارند بر این که در اصول دین ایمان و معرفت و یقین معتبر و لازم است و ایمان به معنای اطمینان و سکون

ص: ۱۶

---

۱- (۱) العروه الوثقی: التقليد: مسئله ۶۷: محلّ التقليد و موردہ هو الأحکام الفرعیہ العملیہ، فلا یجری فی اصول الدین.  
۲- (۲) قال اللہ تعالیٰ: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» (سورہ نحل / ۱۰۶). و قال: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (سورہ حجرات / ۱۴). و روى عن النبى صلى الله عليه و آله: - ما قيل بتواتره عن طريق الفريقين - : «من مات و لم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهليه» (راجع بحار الانوار ج ۲۳، ص ۷۶ إلى ۹۵). و نحوها غيرها من الآيات و الروايات الدالّة على لزوم تحصيل الإيمان باللّه و باليوم الآخر، و المراد بالإيمان الاطمئنان و سکون القلب، كما أنّ الروايات التي دلّت على لزوم تحصيل المعرفة بالإمام ظاهره في اعتبار الجزم و اليقين، و أنّ الظنّ لا يغني عن الحق شيئاً، و اللّٰه العالم.

قلب و باور باطنی است. و این معنا با تقلید حاصل نمی شود. به عبارت دیگر، آن چه انسان را به سعادت دنیا و آخرت می رساند و او را از عذاب و هلاکت نجات می دهد اعتقاد قلبی و ایمان جزمی است، آن چه انسان را از فواید دین (که قبلاً به آنها اشاره شد) بهره مند می کند تنها باور باطنی و یقین و اطمینان است و این حالت و این معنا جدای از عمل و تقلید است و به صرف گفته غیر حاصل نمی شود، لذا تقلید - که عمل کردن به دستور مجتهد، یا قبول قول غیر بدون دلیل و تعبدی است - در اینجا جا ندارد. بلکه باید گفت: ایمان و تحصیل علم و یقین به اصول دین از فضایل نفسانی است، معرفت و اعتقاد به خدا و صفات کمالیه او، شناخت حجج الهی و وسائط فیض و ولایه امر، کسب علم و یقین به معاد و رجوع الی الله، از کمالات انسانی و موجب خروج نفس از رذیله جهل و نادانی است و به حکم عقل تحصیل این امور مطلوب و پسندیده و لازم است.



اعتقاد به خداوند یگانه أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (سوره ابراهیم / ۱۰). یعنی: آیا در خداوند شکی هست که آفریننده آسمان ها و زمین است؟ علم و اقرار به وجود خداوند متعال بدیهی است و کفار هم به آن اقرار داشته اند چنان چه خدا فرموده است: وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَيَّحَرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (سوره عنکبوت / ۶۱). یعنی: و هرآینه اگر از آنها سؤال کنی، کیست که آسمان و زمین را آفریده و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟ می گویند البته خدا پس بگو به کجا به دروغ رانده می شوید؟ لذا رسول اکرم صلی الله علیه و آله که مبعوث گردید مردم را دعوت به توحید و یگانه پرستی کرد نه اقرار به وجود خدا. منشأ این اقرار و اعتراف، سرچشمه این دریافت و غریزه، همان فطرت و قوه درک و فهمی است که خداوند در نهاد و طبیعت هر انسانی قرار داده است فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (سوره روم / ۳۰). آری خداوند این حقیقت را در کمون و سرّ سوبدایی هر کس نهاده است و لذا انسان در اصل خلقت و ذات خود حسّ می کند که به خود واگذار نیست بلکه به یک مبدئی مربوط است که آن مبدأ او را نگهداری می کند و به او کمک می رساند و مراقب اندیشه ها و اعمال او است، همان مبدئی که

بر سراسر جهان حکم فرما است و همه موجودات به او برپاست. هر متفکری درک و باور دارد که همهٔ جهان مطیع نظم و قانون است و او در پرتو همین نظم و قانون از تمام ذرات عالم بهره مند است از هوا نفس می کشد، از آب می آشامد، از رویدنی ها می خورد، از اشعهٔ آفتاب استفاده می کند و می فهمد که همهٔ عالم به یک قوه و از یک مبدأ سرچشمه گرفته و تحت یک اراده اداره می شوند و به مقتضای همین فطرت و فهم و درک است که در هنگام حاجت به او استغاثه می کند، هنگام سختی به او پناه می برد، هنگام نعمت به او امیدوار می شود و معلوم است که این احساس و درک مربوط به ضعف و یا جهل و نادانی نیست، زیرا انسان از هر طبقه و گروهی که باشد، هرگاه خود را از تمام افکار علمی و عقاید و عادات و رسوم برهنه کند، و خود را موجودی فرض کند که همین ساعت به وجود آمده و هیچ کس را ندیده و هیچ سخنی نشنیده، آنگاه نظری به خود و نظری به جهان افکند چه خواهد دید؟ خود را موجودی خواهد دید دارای چشم، گوش، فهم و هوش که در گوشه ای از جهان بی پایان پیدا شده و به هر سو نظر می افکند نگاهش به آخر جهان نمی رسد، جهان را بسیار بزرگ و خود را بسیار کوچک می بیند زیر پای خود زمینی پر از عجایب و بالای سر خود فضایی پر از غرایب می یابد، در جهان آمد و شد و گردش و حرکت مشاهده می کند، می بیند که آفتاب و ماه طلوع و غروب می کنند، شب و روز منظمًا از پی

یکدیگر می آیند و می روند، ماه ها و فصل ها به نوبت و با نظم و حساب در گردش اند، هنگام شب فضای بالا- پر از ستارگان درخشان و زیبا می شود، در روی زمین گیاهان و درخت هایی می بیند که دانه بعضی از آنها در ابتدای امر به اندازه ای کوچک است که در لای انگشتان او گم می شود و پس از چندی درختی تنومند با شاخه های بلند و برگ ها و شکوفه های رنگارنگ و میوه های گوناگون، دارای طعم ها و بوهای جان پرور مشاهده می کند، جانورانی می بیند دارای شکل ها و حجم ها و طبیعت ها و غریزه های گوناگون، موجوداتی می بیند که پیدا می شوند و باز از میان می روند، زنده می شوند و می میرند، جریان حیات را از گیاه تا انسان مشاهده می کند. عظمت و ریزه کاری خلقت خود را می بیند، اندام خود، استخوان ها و رگ های بدن، عجایب استخوان سر، چشم و گوش و صورت و دستگاه گوارش و گردش خون و ضربان قلب و خلقت دست ها و انگشتان و کیفیت ترکیب اعضا و جوارح و چگونگی تغذیه و تأمین مواد لازم بدن، دستگاه تولید فرزند و نقش قوه عقل و شهوت و خیال و واهمه و سایر قوای نامرئی موجود در جسم خود را مدّ نظر می آورد و بی اختیار اعتراف می کند که:

ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده

زیرنشین علمت کائنات ما به تو قائم چو تو قائم به ذات

و با زبان بی زبانی می گوید:

ای ز وجود تو وجود همه پرتوی از بود تو بود همه

نیست کن و هست کن و هست و نیست غیر تو و صنع تو موجود نیست

آری در چنین حالی انسان با جان خود یک اراده، یک مشیت، یک حیات، یک قدرت، یک علم، یک هستی حقیقی را که دارای همه این صفات است و به منزله روح جهان است، به روشنی می بیند و او را محیط به همه موجودات و آگاه از همه آنها و توانا بر همه آنها و گرداننده تمام آنها می بیند و خویشتن را نیز با تمام وجود به او وابسته و مربوط می بیند اگر چه حقیقت او را نمی تواند دریابد و بر آفرینش جهان و سرّ خلقت خویش هم نمی تواند پی برد اما این اندازه می فهمد که جهان را صانعی باشد خدا نام و می فهمد که در فطرت همه موجودات همین ادراک و برداشت وجود دارد و همه با هستی خود به آن مبدأ یگانه مربوط و وابسته اند و همه با تمام وجود به وجود او اقرار و اعتراف دارند. و طبعاً در برابر عظمتش سر تسلیم فرود آورده او را سجده می کنند. *وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ* (سوره رعد/ ۱۶).

مگر می کرد درویشی نگاهبیر این دریای پردرّ الهی

ص: ۲۱

کواکب دید چون شمع شب افروز که شب از روی ایشان گشته چون روز

تو گویی اختران استاده اندی دهان با خاکیان بگشاده اندی

که هان ای غافلان بیدار باشید در این درگه دمی هشیار باشید

تو خوش خفتی و ما اندر ره او همی پوییم خاک درگه او

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (سوره آل عمران / ۱۸۸). یعنی: در آفرینش زمین و آسمان و آمد و شد شب و روز نشانه هایی برای صاحبان خرد است.

بلی در طبع هر داننده ای هست که با گردنده گرداننده ای هست

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر و رقص دفتری است معرفت کردگار

آری صاحب فهم و خرد با اندک توجهی احساس می کند که سراسر جهان هستی پر از حیات و شعور و بینایی و شنوایی است و هر یک از موجودات با زبان باطن با پدیدآورنده خود

در راز و نیاز است و به وجود او اقرار دارد و او را تسبیح و تقدیس می کند **يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ** (سوره جمعه / ۱). یعنی: کلیه موجودات که در آسمان ها و زمین اند خدا را به پاکی می ستایند، خدایی که مالک همه و منزله از همه و دانا به همه و توانا بر همه است. و اینجا است که انسان طبعاً متوجه آفریدگار خود و جویای او می شود و نمی تواند چنین نباشد، اینجا است که در مقام بندگی و اطاعت از او بر می آید اینجا است که هر چند شقی و ستم کار باشد باز رو به خدا و به درگاه او می نالد و تضرع می کند، اینجا است که باید باطن انسان ها را دید و نباید به ظاهرشان حکم کرد، که هر چه هم بد و طاغی باشیم اما:

در اندرون من خسته دل ندانم کیستکه من خموشم و او در خروش و در غوغا است

روز موسی پیش حق نالان شده نیمه شب فرعون هم گریان شده

اینجا است که دنبال رسول و پیام آور او می گردد و می خواهد طریقه بندگی و عبودیت او را از زبان پیغمبر فراگیرد و به او نزدیک شود به او تقرب جوید و در مقابل او انجام وظیفه کند و از مخالفتش پرهیز نماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید: »

وَحَدَّثْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلِّهِمْ فِي أَرْبَعٍ، أَوَّلُهَا: أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَالثَّانِي: أَنْ تَعْرِفَ مَا صَيَّرَكَ بِكَ، وَالثَّلَاثُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ، وَالرَّابِعُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ» (خصال شیخ صدوق رحمه الله باب الأربعة حديث ۸۷). یعنی: دانش همه مردم در چهار جمله است: ۱ - خداشناسی ۲ - خودشناسی ۳ - وظیفه شناسی ۴ - انحراف شناسی. و امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرماید: «خداوند پیامبران را فرستاد تا مردم را به مقتضای فطرتشان وادارند و نعمت الهی را به یاد آنها آورند و حجت خدا را به آنها برسانند و اسرار الهی را که در نفوس آنها پنهان است برانگیزند و آیات خدا را در زمین و آسمان به آنها نشان دهند». (نهج البلاغه، ذیل خطبه اول).

## اصول الدین

### توحید

توحید، اصل اول از اصول دین به شمار آمده است. توحید عبارت است از اعتقاد به این که خداوند عالم یگانه ای است که ترکیب از اجزاء و صفات در او راه ندارد، که به بعضی از ادلّه آن اشاره می کنیم: چنانچه انسان به دقت در موجودات عالم نظر کند می یابد که نظم خاصی در میان آنها برقرار است و با کمال تباین و تضادی که بین انواع موجودات می باشد و با این که در کم و کیف خلقت آنها اختلاف وجود دارد اما همه آنها مانند

ص: ۲۴

اعضای یک بدن به هم مربوط و با یک قانون ثابت و یک نظام واحدی اداره می شوند. و پیداست که این نظام واحد و ترتیب خاص جز به وحدت صانع صورت نمی پذیرد چنانچه خداوند در قرآن می فرماید:

وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ (سوره مؤمنون / ۹۱). خدای دیگری با خدا نیست، که اگر چنین می بود هر آینه هر خدایی با مخلوق خود به طرفی رفته (هر یک مخلوق خود را تدبیر و اداره می کرد) و هر یک بر دیگری برتری می جست.

(و به این جهت نظام عالم مختل و مضمحل می گشت). به عبارت دیگر، پدیده های عالم هستی اگر چه دارای شکل های مختلف و حقیقت های متفاوت هستند اما در عین حال همه آنها تابع نظمی واحد و هر یک در ظرف وجودی خود مسیر خاص خود را طی کرده و به این جهت از فساد و تباهی محفوظند و این مطلب جز با یگانه بودن پدیدآورنده و ناظم آنها ممکن نیست. خداوند در قرآن کریم به این دلیل اشاره کرده و فرموده است: لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا (سوره انبیاء / ۲۲). اگر در آسمان و زمین خدایان دیگری جز الله وجود داشت همانا خراب و فاسد می شدند. آری با اندک توجه به خود و به جانداران و کوه و صحرا، به جنگل و دریا، زمین و آسمان، خورشید و ستارگان، شب و روز، و فصل های سال و... و نظم حاکم بر اینها، یقین پیدا



می کنیم که جهان هستی با نظام هماهنگ و شکفت انگیزش مخلوق آفریننده ای یکتا و بی همتا است، چنانچه خود به یگانه بودن خویش گواهی داده است. شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (آل عمران / ۱۸). و خود، خویش را به وحدانیت و بی مانند بودن توصیف فرموده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ \* اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ \* وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. به نام خداوند بخشنده مهربان (ای رسول ما) بگو، خداوند، یکتا و یگانه است، خدایی که از همه عالم بی نیاز و همه عالم به او نیازمند است، نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی است، و برای او هیچ گاه شبیه و مانند و همتا نبوده است. امیر المؤمنین علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید:

ای پسر، بدان اگر پروردگارت شریکی داشت رسولان او نیز به سوی تو می آمدند، آثار ملک و قدرتش را می دیدی و افعال و صفاتش را می شناختی، اما او خداوندی است یکتا، همان گونه که خویش را توصیف کرده است. (۱) بلی، این جهان را آفریدگاری است یکتا، حکیم و توانا که هستی و بقا و گردش عالم هستی از اوست، هیچ موجودی از قدرت او خارج نیست، رحمان و رحیم و حلیم است. چیزی را

ص: ۲۶

---

۱- (۱) وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّهُ لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكٌ لَأَتَتْكَ رُسُلُهُ وَ لَرَأَيْتَ آثَارَ مُلْكِهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ لَعَرَفْتَ أَعْمَالَهُ وَ صِفَاتِهِ وَ لَكِنَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ... (نهج البلاغه صبحی صالح، ذیل نامه ۳۱).

بیهوده نیافریده و از قبیل جسم و ماده نیست، بی همتا و نامحدود است، به همه کس و همه چیز آگاه است، به همه عالم احاطه دارد، همیشه بوده است و خواهد بود و

به اندک التفاتی زنده دارد آفرینش را اگر نازی کند از هم فروریزند قالب ها

## عدل

یکی از اصول مذهب شیعه اعتقاد به عدالت خداوند است، زیرا عدل یک صفت کمال می باشد و خداوند تمام صفات کمال را دارا و از هر نقصی منزّه و مبرّا است، پس ظلم و بدی در کار خدا راه ندارد، چون ظلم و بدی و صفات و کردار ناشایست از نادانی و ناتوانی و نیاز سرچشمه می گیرد و خداوند به همه چیز دانا و به هر کاری تواناست و به هیچ چیز نیاز ندارد، بنابراین مسلمان باید معتقد باشد که خدا عادل است و در همه کارها رعایت عدالت را فرموده است. در قرآن کریم آمده است: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ (سوره آل عمران/ ۱۸). یعنی: خدا خود گواهی می دهد که جز ذات مقدّس او خدایی نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز این چنین گواهی می دهند در حالی که خدا به عدالت ایستاده است. (یعنی در عالم به عدالت حکم می کند). خلاصه به حکم عقل و از آیات و روایات به طور روشن استفاده می شود که خدا عادل است. و آنچه را آفریده با نظم و

اندازه و حساب معین آفریده و در سراسر جهان هستی تعادل و توازن برقرار است، رسول خدا فرمود: «آسمان و زمین به عدالت برپاست».

جهان چون خط و خال و چشم و ابروستکه هر چیزی بجای خویش نیکوست

البته ما از همه جهان آگاهی نداریم و همه موجودات را بررسی نکرده ایم و هرگز توان بررسی نداریم ولی بر هر قسمت از جهان که مطلع شده ایم در آن قسمت نظم و حساب و اعتدال را می بینیم و از اینجا یقین به عادل بودن جهان آفرین پیدا می کنیم. بنابراین خداوند هم در خلقت و هم در حسابرسی روز قیامت عادل است و هر پدیده و هر ثواب و عقاب را در جای خود بر اساس مصلحت و استحقاق آفریده و انجام می دهد و در حق هیچ موجودی ظلم نشده و نمی شود و آنچه گفته می شود از کاستی و زشتی و ضرر و بدی و امثال اینها، به لحاظ مقایسه این امور است با طرف مقابلشان از فزونی و زیبایی و نفع و خوبی و گرنه هر چیزی به جای خود و هر حالتی به موقع و در ظرف خود و در مجموعه عالم، به جا و خیر محض است.

پس بد مطلق نباشد در جهان بد به نسبت باشد این را هم بدان

خداوند هر کس را مختار آفریده و به او عقل و خرد داده تا خوب و بد را تشخیص دهد و پیامبران را فرستاده است تا او را

در تشخیص خوب و بد یاری و کمک نمایند و به سعادت و راه های خیر دعوت و از کارهای زشت و موجبات شقاوت نهی کنند و همه اینها به جا و به صلاح و خیر محض است و به این حساب چنانچه انسان راه خیر را پیش گرفت مستحق ثواب است و اگر بدی و شرارت را اختیار کرد مستحق عقوبت است و خداوند بر اساس عدالت در روز قیامت نیکوکار را پاداش نیک و بد کار را متناسب با بدی و گناهش کیفر می دهد و این عین عدالت است و ذره ای ظلم به حساب نمی آید. در قرآن مجید فرموده است: وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً (سوره انبیاء / ۴۷). یعنی: در روز قیامت برای پاداش مردم ترازوهای عدالت برپا می کنیم و به احدی هیچ گونه ستم نمی شود. و در کلمات بزرگان آمده است که خدا فرمود: «من ظالم هستم اگر از ظالم انتقام نکشم». پس ای انسان، ای مسلمان، ای معتقد به مبدأ و معاد و ای مؤمن به ثواب و عقاب:

راحت مردم طلب آزار چیست جز خجلی مایه این کار چیست

مال ضعیفان به کف آورده گیر نقل یتیمان به ستم خورده گیر

روز قیامت که بود داوری عذر بیاور که چه عذر آوری

از آنچه گذشت معلوم شد که انسان در فطرت و باطن خود، خدا جو و خداخواه است و در صدد تقرب به وی می باشد و لذا احساس می کند که به راهنما و هادی نیازمند است. از طرفی خداوند در طبیعت انسان ها گزینه ها و تمایلات گوناگون و چه بسا متضاد قرار داده که اگر به کمک راه نما تعدیل نشوند و اگر انسان ها به خود واگذار شوند، طبعاً، خود و جامعه را به فساد و تباهی سوق می دهند لذا لطف الهی هم ایجاب می کند برای هدایت آنها راهنمایی تعیین کند و روا نیست خداوند حکیم و مهربان که نیازهای مادی و معنوی بشر را می داند و راه سعادت و سلامت وی را می شناسد او را به حال خود رها کند، به این جهت راهنمایی از جنس خود انسان و از هر جهت دارای صلاحیت برای رساندن پیام الهی مبعوث فرموده تا واسطه میان خدا و مردم باشند و حقایق و پیام ها را از ناحیه خدا دریافت و به مردم ابلاغ فرمایند. و به همین منظور، طبق روایات وارده، یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر فرستاده که پنج نفر آنها به عنوان پیامبران اولوالعزم و دارای شریعت تازه شناخته شده اند: ۱ - حضرت نوح علیه السلام ۲ - حضرت ابراهیم علیه السلام ۳ - حضرت موسی علیه السلام

۴ - حضرت عیسیٰ علیه السلام ۵ - حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ما همه آنها را پذیرفته و به همه آنها احترام می گذاریم و آنان را از هر گونه گناه و لغزش و خطا مبرا و همه را معصوم می دانیم. ولی نظر بر این که حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران و کامل کننده ادیان پیشین است و آنچه از ادیان پیامبران قبل بوده مورد قبول آن حضرت است و از طرفی قوانین و راهنمایی های او بهترین و کامل ترین قوانین است، دستورات و وظایف خود را از آن بزرگوار گرفته و به آنها معتقد و طبق آن عمل می کنیم. ان شاء الله.

### **خلاصه ای از زندگی پیغمبر صلی الله علیه و آله**

حضرت محمد صلی الله علیه و آله از قبیله قریش و از خاندان هاشم است.

پدر آن حضرت، عبد الله پسر عبد المطلب و نوه هاشم است.

مادرش آمنه خاتون دختر وهب از خاندان بنی زهره، از قبیله قریش است. عبد الله پس از ازدواج به شام سفر کرد و در بازگشت از سفر شام در مدینه وفات یافت و همانجا دفن شد. خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله پس از چند ماه از وفات پدرش عبد الله در ماه ربیع الاول سال ۵۷۱ میلادی در مکه معظمه متولد و عالم را روشن ساخت. پس از ولادت، مادرش آن حضرت را به رسم بزرگان مکه به حلیمه سعدیه، از قبیله بنی سعد سپرد تا وی را شیر دهد. چهار سال نزد حلیمه، بود پس از آن مادرش او را

گرفت و همراه خود برای دیدار با بستگان پدرش به مدینه برد، در مراجعت از مدینه مادرش فوت کرد و در ابواء، یکی از منازل میان مدینه و مکه دفن شد، پس از آن جدش عبدالمطلب و بعد از او عمویش ابوطالب پیدر امیر المؤمنین علی علیه السلام کفالت او را به عهده گرفتند، در سن بیست و پنج سالگی با خدیجه که چهل ساله بود ازدواج فرمود و مدت بیست و پنج سال با او زندگی کرد تا آن که خدیجه در سن شصت و پنج سالگی وفات یافت. در سن چهل سالگی از جانب خدا به نبوت مبعوث شد و قرآن کریم که انس و جن از آوردن مثل آن عاجز و ناتوانند، بر او وحی شد و خدا او را خاتم پیغمبران خواند و به مکارم اخلاق ستود. مدت زندگانی آن حضرت در دنیا شصت و سه سال بود که می توان عمر مبارک آن حضرت را به سه قسمت تقسیم نمود:

چهل سال از اول عمرش تا بعثت، سیزده سال از زمان بعثتش تا هنگام هجرت به مدینه و ده سال پس از هجرت تا هنگام وفات که بنا بر مشهور در ماه صفر سال یازدهم هجرت در روز دوشنبه در شهر مدینه منوره به جوار رحمت حق شتافت صلوات الله و سلامه علیه.

### راه های شناخت پیامبر

به طور کلی نبوت هر پیغمبری منوط به سه امر است و از سه

راه ثابت و پذیرفته می شود: ۱ - ادعای نبوت ۲ - صلاحیت داشتن برای نبوت ۳ - معجزه داشتن. اول: ادعای نبوت بر احدی مخفی و پوشیده نیست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال ۶۱۱ میلادی، در زمانی که شرک و بت پرستی و آتش پرستی و غیره سراسر جهان را فرا گرفته بود، در مکه معظمه ادعای نبوت نمود و تا آخر عمر مردم را به دین اسلام دعوت فرمود و جمع کثیری دعوت او را پذیرفته به دین اسلام مشرف شدند. دوم: صلاحیت داشتن برای نبوت و آن به این است که مدعی نبوت باید جمیع اخلاق و صفات پسندیده را دارا و در تمام کمالات نفسانی از همه امت افضل و اکمل و اعلی و از جمیع صفات زشت و اخلاق و اعمال ناپسند میرا باشد و این امر نسبت به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به تواتر ثابت و مسلم است و دوست و دشمن آن حضرت را به خصال نیک ستوده و از صفات کمال و اعمال پسندیده آن بزرگوار خبر داده و او را از اخلاق و کردار زشت و سایر موانع نبوت میرا دانسته اند. به تواتر ثابت و مسلم است و دوست و دشمن مکارم اخلاق و صفات کمال آن حضرت را ستوده و از اعمال نیک آن بزرگوار خبر داده اند و او را از اخلاق زشت و ناپسند و سایر موانع نبوت میرا دانسته اند. خلاصه، مکارم اخلاق و محامد اوصاف و محاسن آداب



و همچنین تحولات و انقلاباتی که در عالم بشریت خصوصاً در مردم حجاز و جزیره العرب به وجود آورده، همچنین کلمات شریفه آن حضرت در توحید و صفات خدا و احکام و حلال و حرام و مواعظ و نصایح و اخلاقیات و غیر اینها که از آن بزرگوار بروز و ظهور و بازگو شده (۱) هر یک صلاحیت آن حضرت را برای منصب نبوت قطعی نموده و برای هر انسان منصفی جای هیچ گونه شک و تردید نگذاشته است. سوم: معجزه داشتن می توان معجزه را در پنج امر خلاصه کرد: ۱ - معجزه اخلاقی ۲ - علمی ۳ - عملی ۴ - اثر معنوی ۵ - اثر وجودی. و رسول اکرم صلی الله علیه و آله هر پنج قسم را به نحو اتم و اکمل دارا بود: اول: معجزه اخلاقی رسول اسلام صلی الله علیه و آله از زمان جوانی به صدق و امانت معروف و به صبر و شکیبایی و استقامت و کرم و بخشش موصوف بود، در حلم و تواضع نظیر نداشت، در خوش خلقی بی مانند بود إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ در عفو و گذشت یگانه بود، در مقابل ایذاء و سخریه مردم عرض می کرد:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ». همیشه خیر خواه و دلسوز مردم و نسبت به مؤمنین رؤف و مهربان بود. بِالْمُؤْمِنِينَ رُؤْفٌ رَحِيمٌ خوش رویی و خوش خویی را از صحابه هرگز دریغ نمی داشت و از آنها جستجو می نمود، نیکان خلق را نزد خو

ص: ۳۴

---

۱- (۱). لَمَّا نَفَدَتْ أَوْصَافُهُ وَ صِفَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَوْ كَانَتْ الْأَمْلاَكُ وَ النَّاسُ كُتُبًا

جای می داد، افضل خلق نزد او کسی بود که خیر خواهی او برای مسلمانان معروف بود و عزیزترین افراد در نظر او کسی بود که مواسات و معاونت او احسان او نسبت به مردم بیشتر بود، در مجلسی نمی نشست و بر نمی خاست مگر با یاد خدا و اکثراً رو به قبله می نشست و جای مخصوصی برای خود قرار نمی داد، با مردم چنان معاشرت می فرمود که هر کس را گمان آن بود که گرامی ترین خلق است نزد او، سخن بسیار نمی گفت، و سخن کسی را قطع نمی فرمود مگر آن که باطل گوید، کسی را مذمت نمی کرد، و احدی را سرزنش نمی نمود، لغزش های مردم را تفحص نمی فرمود، خلق عمیماً همه خلق را فرا گرفته بود، بر سوء ادب غریبان و اعرابیان صبر می فرمود، بر روی زمین می نشست، با فقرا و مساکین می نشست و با ایشان غذا می خورد، در خورش و پوشش بر مردم معمولی زیادتی نمی کرد، به هر که می رسید سلام می کرد و ابتدا به مصافحه می نمود، هرگز نمی گذاشت کسی در برابر او بایستد، صاحبان علم و صلاح و اخلاق حسنه را گرامی می داشت، از همه کس حکیم تر و داناتر و بردبارتر و عادل تر و شجاع تر و مهربان تر بود، پیران را توقیر، و خردسالان را عطوفت، و غریبان را رعایت می کرد، تا امکان داشت تنها چیزی نمی خورد، هنگامی که رحلت فرمود درهم و دیناری نگذاشت. شجاعت آن حضرت به حدی بود که حضرت علی علیه السلام می گفت: هرگاه جنگ شدت می یافت به آن حضرت پناه می بردیم.

عفو و گذشتش به مرتبه ای بود که چون مکه مکرمه را فتح فرمود در کعبه را گرفت و اهل مکه را مخاطب قرار داد و فرمود:

ما ذا تَقُولُونَ؟ و ما ذا تَنْظُنُونَ؟ در حق خویش چه می گوئید و چه گمان دارید؟ گفتند: سخن به خیر گوئیم و گمان به خیر داریم، برادر کریم و برادرزاده کریمی، بر ما قدرت یافته ای به هر چه خواهی می توانی، رسول خدا صلی الله علیه و آله را از این کلمات رقتی آمد و آب در چشم بگردانید اهل مکه چون این بدیدند صدای گریه شان بلند شد و زار زار بگریستند، آنگاه حضرت فرمود: من آن می گویم که برادرم یوسف گفت:

لا- تَشْرِيْبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (سوره یوسف / ۹۲). پس جنایت ایشان را معفو و از جرمشان درگذشت و فرمود: راه خویش بگیرید که شما آزادشدگانید.

«إِذْهَبُوا فَانْتُمُ الْطَّلَقَاءُ». دوم: معجزه علمی، با مراجعه به کتب مربوطه که به طور مفصل کلمات و خطابه ها و مواعظ و نصایح آن حضرت را ضبط و ثبت فرموده اند واضح و روشن می شود. سوم: معجزه عملی، باید گفت که اعمال و رفتار آن بزرگوار از بدو تولد تا هنگام وفات و رحلت همه معجزه است، و با اندک تأمل و تدبری در محیط زندگی و مردم حجاز و روحیات آنها خصوصاً مردم آن زمان، معجزه بودن اعمال او ثابت و آشکار می شود، آری گلی در خارستان روئید و نه تنها بوی آنها را نگرفت که آنها را تغییر داد، نه تنها تابع محیط و

زندگی آنها نشد که محیط و زندگی دیگران را تابع خود ساخت. در مدت بیست و سه سال با آن همه موانع و مشکلات، چهار کار بزرگ و اساسی انجام داد که هر یک از آنها به طور عادی سال های متمادی وقت لازم دارد تا صورت خارجی پابرجا پیدا کند، و آن چهار کار عبارتند از: ۱- بر خلاف ادیان رایج زمان خود، دین جدید و الهی تأسیس کرد و مردم را بدین خود مؤمن ساخت به طوری که تاکنون نفوذ روحانی او بر دل صدها میلیون پیروانش مسلط است، مطیع ساختن ظاهر مردم آسان است اما مسخر کردن بدون قید و شرط قلوب مردم، و آنها را از دل و جان فرمانبردار ساختن کار آسانی نیست، آن هم مردمی متعصب و جاهل. ۲- از قبیله های مختلف که دشمن و خونخواه یکدیگر بودند و دائماً شعله آتش جنگ در میان آنها برافروخته بود، یک ملت واحد به وجود آورد و بین آنها عقد اخوت و مساوات و حریت و وحدت کلمه به معنای حقیقی به وجود آورد و پس از چند سال از نژادهای مختلف یک امت به نام امت محمد صلی الله علیه و آله تشکیل داد و تا امروز همچنان باقی و رو به فزونی است. ۳- در میان همان قبایل متفرق که هر یک برای خود رئیسی داشتند و به خودسری عادت کرده بودند و سابقه قدرت و حکومت مرکزی نداشتند دولتی تأسیس کرد که حکومت آن بر اساس حریت و آزادی و استقلال کامل بود و از جهت قدرت و نفوذ و توان مندی به جایی رسید که بعد از یک قرن

یگانه دولت عالم و تنها حکومت مطلق جهان شد. خود حضرت در یک روز شش نامه برای پادشاهان زمان خود نوشت و همه را به اسلام دعوت کرد، پادشاهانی که خود را در اوج قدرت می دیدند و عرب را به هیچ می گرفتند. وقتی نامه حضرت به دست شاه ایران رسید و خواند که نام حضرت پیش از نام شاه نوشته شده بود برآشفته و به مأمورین خود دستور داد بروند مدینه و حضرت را نزد او ببرند. فردوسی از زبان شاه مغرور چنین سروده است:

ز شیر شتر خورده و سوسمار عرب را به جایی رسیدست کار

که تاج کیانی کند آرزو تفو بر تو ای چرخ گردون تفو

آری آنها فکر می کردند عرب ها همان ها هستند که در برابر لشکر کوچک حبشه کوچکترین عکس العملی نشان نداده شهر مکه و خانه و زندگی خود را گذاشتند و به کوه ها پناه بردند، اما نمی توانستند بفهمند که آنها دارای رهبری الهی و کتابی آسمانی شده و دیگر آن عرب های سابق نیستند. ۴ - در مدت بیست و سه سال قوانین و دستوراتی وضع و ارائه فرمود که تمام مصالح و حوایج انسان ها را در بردارد و تا به امروز و تا قیام قیامت برقرار و عمل به آنها موجب سعادت دنیا و آخرت بشر است و هرگز کهنه و بی رونق نخواهد شد که

«حلال محمد حلال أبداً إلى یوم القیامه، و حرامه حرام أبداً إلى یوم القیامه» (اصول کافی، ج ۱، ص ۵۸، ح ۱۹) و این قوانین

همچنان زنده و جاوید، در حوزه های علمیه و توسط فقهای بزرگ به عنوان فقه و فقاہت و تحت عنوان وظایف عملی و فروع دین، مورد بحث و تجزیه و تحلیل است. چهارم: معجزه جاوید آن حضرت قرآن کریم است که سند قطعی و معجزه جاوید آن بزرگوار است، قرآنی که در مدت بیست و سه سال بر آن حضرت نازل شد و از آن زمان تاکنون در جامعه گوناگون بشری از جهات مختلف مورد توجه و مطالعه قرار داشته و شگفتی دانشمندان را برانگیخته و همچنان در طول قرن‌ها استحکام و مقام ارجمند خود را حفظ کرده و از هر گونه تحریف و تغییر و کم و زیاد شدن محفوظ مانده است و صدها تفسیر و کتاب درباره معانی و الفاظ و حقایق آن نوشته شده و خداوند متعال حفظ آن را ضمانت فرموده است که: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (سوره حجر / ۹).

مصطفی را وعده داد الطاف حق گر بمیری تو نمیرد این سبق

من کتاب و معجزت را رافعم بیش و کم کن را ز قرآن مانعم

تا قیامت باقیش داریم ما تو مترس از نسخ دین ای مصطفی

هست قرآن مر تو را همچون عصا کفرها را در کشد چون ازدها

تو اگر در زیر خاکی خفته ای چون عصایش دان هر آنچه گفته ای

پنجم: یکی دیگر از معجزات پیامبر، ذریه پاک و اهل بیت معصوم آن حضرت است، بدین لحاظ که تنها مقام والای نبوت می باشد که می تواند آن گونه دختر و امامان معصوم تحویل جامعه بشری بدهد و انسان با انصاف همین که به علوم، زندگی، گفتار و اعمال اهل بیت علیهم السلام نگاه کند اقرار می کند که هر یک از آنان، همانند قرآن کریم، معجزه مستقل و دلیل جداگانه ای بر نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشند، به طوری که اگر فرضاً هیچ دلیلی بر نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله در دست نبود جز وجود مقدس چنین اهل بیتی، همین کفایت می کرد و حجت تمام بود البته بسط و توضیح این معجزه از حوصله این مقاله خارج، خصوصاً که حقیر هم کوچکتر از آنم که بتوانم حتی گوشه ای از این واقعیت را مجسم و ارائه نمایم:

**امامت**

**اشاره**

یکی دیگر از اصول اعتقادی که ویژه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام است مسئله امامت است. از آنچه در بحث نبوت گذشت معلوم گردید که وجود امام برای دین و اجتماع مانند وجود پیغمبر است و همانگونه که تعیین پیغمبر باید از طرف خدا باشد تعیین امام و خلیفه پیغمبر که حافظ و بیان کننده دین است باید از طرف خدا باشد و مردم را نمی رسد و نمی توانند و حق ندارند برای پیغمبر خلیفه تعیین کنند، از شئون مردم نیست که برای بیان احکام الهی و شریعت نبوی کسی را تعیین کنند و ادله آن بسیار است که به برخی از







آنها اشاره می کنیم: اول: چنانچه اشاره شد مرتبه امامت نظیر مرتبه نبوت و تالی تلو آن است بنابراین هر دلیلی بر لزوم ارسال رسل اقامه نمودیم بر لزوم تعیین امام نیز دلالت می کند و خلاصه امامت با همان ادله ثابت می شود. دوم: بر همه واضح و آشکار است که وجود امام برای دین و قرآن و امت متضمن مصالح بسیار و خالی از هر گونه مفسده است پس به مقتضای عدل و لطف بر خداوند حکیم تعیین آن حتم و لازم است، زیرا در تعیین نکردن آن علاوه بر فوت مصالح دین و مردم، مفسده حاصل و زحمات رسول خدا و دین و شریعت و قرآن مضمحل و همه به فراموشی سپرده می شود و این نقض غرض است و نقض غرض بر خدا روا نیست و محال است. سوم: همانگونه که در ادله امامت ذکر شده، امام باید معصوم و متصف به جمیع فضائل انسانی و منزّه از کلیه رذایل نفسانی و عالم به جمیع آنچه امت محتاجند و قادر بر دفع همه شبهات باشد و بالاخره از هر جهت باید کامل باشد و چون بیشتر این امور، امور باطنی است و کسی غیر از علام الغیوب به آنها احاطه ندارد، لذا تعیین چنین شخصی از عهده بشر خارج است. **اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ** (سوره انعام/ ۱۲۴) و مردم هرگز قدرت تعیین او را ندارند و حق دخالت هم ندارند. چنانچه خدا فرموده است: **وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ** (سوره قصص / ۶۸).

یعنی: پروردگار تو می آفریند آنچه را می خواهی و برمی گزیند هر که را می خواهی و برای ایشان اختیاری در این امر نیست. بنابراین تعیین امام و خلیفه پیغمبر شأن خدا است و از عهده مردم خارج است. بر این اساس ما شیعیان معتقدیم که به تعیین و دستور خدای متعال و از جانب رسول اکرم صلی الله علیه و آله دوازده معصوم برای رهبری و امامت معین شده اند و پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را با نام و مشخصات به مردم معرفی فرموده است:

## امام اول

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اولین جلسه ای که دعوت خود را اظهار و مردم را به اسلام فرا خواند امام و جانشین خویش را نیز معرفی و او را به مردم شناساند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا سال سوم بعثت مخفیانه دعوت به اسلام می فرمود، تا این که آیه شریفه *وَ أَنْذِرْ عَشِيْرَتَكَ الْأَقْرَبِيْنَ* (سوره شعراء/ ۲۱۴) نازل گردید. پیغمبر صلی الله علیه و آله بستگان نزدیکش را که حدود چهل نفر بودند دعوت کرد، پس از صرف غذا فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب به خدا سوگند هیچ جوانی را در عرب نمی شناسم که برای قومش چیزی بهتر از آنچه من آورده ام آورده باشد، من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام

«إِنِّي جئتكم بخير الدنيا والآخرة» و خداوند به من دستور داده است که شما را دعوت به این آیین کنم، کدام یک

از شما مرا در این کار یاری خواهید کرد تا برادر من و وصی و جانشین من باشید؟ حاضرین همگی سرباز زدند جز علی علیه السلام که از همه کوچکتر بود برخاست و عرض کرد: «ای پیامبر خدا، من در این راه یار و یاور توام». پیامبر صلی الله علیه و آله دست بر گردن علی علیه السلام نهاد و فرمود: «این برادر و وصی و جانشین من در شما است سخن او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید».

«إِنَّ هَذَا اخِي وَ وَصِيَّي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ اطِيعُوهُ». جمعیت از جا برخاستند در حالی که خنده تمسخر آمیزی بر لب داشتند و به ابو طالب می گفتند: به تو دستور می دهد که به فرمان پسرت گوش کنی و از وی اطاعت نمایی. این حدیث را جمع کثیری از دانشمندان اهل سنت، همچون، ابن جریر، ابن ابی حاتم، ابن مردویه، أبو نعیم، بیهقی، ثعلبی، طبری، ابن اثیر، أبو الفداء و گروهی دیگر، نقل کرده اند.

(به کتاب المراجعات و کتاب احقاق الحق جلد ۴ مراجعه شود). از این حدیث معلوم می شود که دعوت به نبوت و امامت همراه هم و در کنار هم صورت گرفته است، معلوم می شود همان عنایتی که رسول خدا به نبوت و پذیرش آن داشته به امامت نیز داشته است، معلوم می شود قبول نبوت بدون قبول امامت هدف و خواسته اسلام نیست و نظر رسول خدا را تأمین نمی کند.

پس از این قضیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در فرصت ها و مناسبت های مختلف و بیان های گوناگون امامت حضرت امیر علیه السلام را به اطلاع مردم می رساند و آیات زیادی نیز در این باره نازل گردید تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله در سال دهم هجرت به مکه معظمه عزیمت کرد و مراسم حج را انجام داد و این با آخرین سال عمر پیامبر صلی الله علیه و آله مصادف شد و از این جهت آن را حجه الوداع، نامیدند، افرادی که در آن سفر با حضرت بوده اند تا صد و بیست هزار نفر تخمین زده شده است. خلاصه جریان غدیر خم پس از پایان مراسم حج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راه مدینه را در پیش گرفت، وقتی به سرزمین «غدیر خم» نزدیک شد، جبرئیل امین نازل گردید و به رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان توقف داد و از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله به همراهان دستور توقف داده شد، کاروانیان از توقف ناگهانی در منطقه گرم و بی آب و گیاه شگفت زده شدند و با خود گفتند: حتماً از جانب خدا فرمان مهمی رسیده است، در این هنگام این آیه نازل گردید: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (سوره مائده / ۶۷). ای پیامبر آنچه از طرف پروردگار بر تو نازل شده است کاملاً [به مردم] برسان و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای و

خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم نگاه می دارد، و خداوند جمعیت کافران [لجوج] را هدایت نمی کند. مؤذن مردم را به نماز ظهر دعوت کرد، پس از نماز ظهر پیامبر صلی الله علیه و آله همه مردم را برای شنیدن پیام الهی فراخواند و منبری از جهاز شتران ترتیب داده شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر فراز آن قرار گرفت و بعد از حمد و سپاس پروردگار به مردم فرمود: «من به همین زودی از میان شما می روم، من مسئولم شما هم مسئول هستید... [تا آنکه فرمود] اکنون بنگرید با این دو چیز گرانقدر که در میان شما به یادگار می گذارم چه خواهید کرد». از میان جمعیت یک نفر صدا زد، کدام دو چیز گرانقدر یا رسول الله؟ حضرت فرمود: «ثقل اکبر کتاب خدا که یک سوی آن به دست پروردگار و سوی دیگرش در دست شما است، دست از آن بردارید تا گمراه نشوید، اما دومین یادگار گرانقدر من، خاندانم می باشند خداوند لطیف خبیر به من خبر داده که این دو هرگز از هم جدا نشوند، تا در بهشت به من بیوندند، از این دو پیشی نگیرید که هلاک می شوید و عقب نیفتید که باز هلاک خواهید شد». ناگهان مردم دیدند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اطراف خود نگاه کرد و همین که چشمش به علی علیه السلام افتاد خم شد و دست او را گرفت و بلند کرد، آن چنان که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و همه مردم او را دیدند و شناختند، در اینجا رسول اکرم صلی الله علیه و آله با صدای بلند و رسا فرمود: «چه کس از همه مردم نسبت به

مسلمانان از خود آنها سزاوارتر است؟». گفتند: خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله داناترند، پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا مولا- و رهبر من است و من مولا و رهبر مؤمنانم [سپس فرمود:] فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ؛ هر کس من مولا و رهبر او هستم علی علیه السلام مولا و رهبر او است». و این سخن را سه یا چهار مرتبه تکرار کرد. بعد فرمود:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ وَ ابْغِضْ مَنْ ابْغَضَهُ وَ انْصِرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ اِدِرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ مَا دَارَ». خداوندا دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار، دوست بدار هر کس او را دوست دارد و دشمن بدار آن کس که با او دشمنی کند، یارانش را یاری کن، کسانی را که یاریش نکنند یاریشان نکن و حق را همراه او بدار و او را از حق جد مکن» خطبه حضرت - که خلاصه ای از آن نقل شد - به پایان رسید و در همین هنگام این آیه نازل گردید: **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا** (سوره مائده/۳). امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین [جاودان] برایتان پذیرفتم. در این هنگام شور و غوغایی مردم را فرا گرفت و به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام تبریک گفتند و أبو بکر و عمر نیز در حضور مردم امیر المؤمنین علیه السلام را مخاطب قرار داده گفتند:

بِخُ لَكَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ اصْبَحْتَ وَ امْسَيْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَا كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؛ آفرین، آفرین بر تو باد، ای فرزند ابو طالب تو مولا و رهبر من و تمام مردان و زنان با ایمان شدی. نیز در پایان خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله، حسان بن ثابت با کسب اجازه از رسول خدا صلی الله علیه و آله اشعاری سرود که یکی از اشعارش این است:

فَقَالَ لَهُ قُمْ يَا عَلِيُّ فَإِنِّي رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي أَمَامًا وَ هَادِيًا

این بود خلاصه ای از حدیث غدیر خم که علاوه بر علمای شیعه جمع کثیری از اهل تسنن نیز آن را در کتب خود نقل کرده اند که به عنوان نمونه جمعی از آنها را نام می بریم. حافظ ابو سعید سجستانی، ابو نعیم اصفهانی، أبو الحسن واحدی نیشابوری، ابن عساکر شافعی، فخر رازی، حموینی، ابن صباغ مالکی، جلال الدین سیوطی، آلوسی، قندوزی، بدر الدین حنفی، شیخ محمد عبده مصری و جمع کثیری دیگر. (به الغدیر علامه امینی رحمه الله مراجعه شود). لازم به یادآوری است که این دانشمندان سنی با این که خود حدیث غدیر را نقل کرده اند اما یا از جهت ترس و محیط و موقعیت خویش یا از جهت تعصب حدیث را توجیه و یا کم اهمیت جلوه داده و از آن گذشته اند. حشرهم الله مع اولیائهم و حشرنا مع اولیائنا ان شاء الله تعالی. در عین حال چنانچه حدیث غدیر را هم توجیه و نادیده

بگیرند اما حدیث اولین روز دعوت علنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و حدیث ثقلین و احادیث دیگری که درباره امامت امیر المؤمنین علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام که خودشان نقل کرده اند، همه بر آنها حجت است و با توجه به کثرت این احادیث و تواتر آنها قابل توجه و تأویل و چشم پوشی نیست.

لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ (سوره انفال / ۴۲). اسامی مبارک سایر امامان معصوم علیهم السلام (که به جهت تلخیص حتی از اشاره اجمالی به شخصیت آنها صرف نظر کردیم) به ترتیب عبارتند از: ۱ - حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام ۲ - حضرت امام حسین علیه السلام ۳ - حضرت امام علی بن الحسین علیه السلام ۴ - حضرت امام محمد باقر علیه السلام ۵ - حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ۶ - حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام ۷ - حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ۸ - حضرت امام محمد بن علی الجواد علیه السلام ۹ - حضرت امام علی بن محمد الهادی علیه السلام ۱۰ - حضرت امام حسن بن علی العسکری علیه السلام ۱۱ - حضرت امام حجه بن الحسن المهدی علیه السلام که امام دوازدهم هم اکنون زنده و از نظرها غایب است (۱) و روزی به امر پروردگار ظهور می فرماید و حکومت عدل جهانی را برپا و دنیا را پر از عدل و داد می کند.

اللهم عجل فی فرجه الشریف.

ص: ۴۸

---

۱- (۱). خدایی کین جهان پاینده دارد تواند حجتی را زنده دارد



لازم به ذکر است که ما شیعیان همچنین معتقدیم که حضرت فاطمه علیها السلام دختر گرامی رسول خدا، همسر والای امیر مؤمنان حضرت علی علیهما السلام ام الائمه و محور امامت و ولایت بوده و سرور و سیده زنان در دو جهان است. آن حضرت اسوه همه انسان ها در همه زمان ها است و از آنجا که یکی از معصومین است قول و فعل و تقریر او حجت است. رضای او رضای خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و غضب و سخط او غضب و سخط خدا و پیامبر است. این عده ای را که نام بردیم اهل بیت و عترت رسول اکرم می باشند که دارای اوصاف آن حضرت هستند و رسول خدا بارها سفارش آنان را فرمود و آنها را قرین قرآن قرار داد و به مردم خطاب کرد و فرمود: من در میان شما دو چیز سنگین و نفیس به جا می گزارم، کتاب خدا و عترت و اهل بیت، مادام که به این دو متمسک شوید گمراه نشوید:

«إِنِّي مَخْلَفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كتاب الله و عترتی اهل بیتی، لن تضلّوا ما تمسّکتُم بهما». (بحار الأنوار، ج ۵، ص ۶۸، ح ۱). خداوند متعال دو مسئولیت مهم و بسیار سنگین به عهده آنان گذاشته است اول: هدایت و رهبری دینی مردم و آشنا نمودن آنان به معارف و اخلاق و قوانین دین و دنیا از متن قرآن و سنت رسول خدا و الهامات از جانب حق متعال. دوم: رهبری سیاسی و اداره نمودن جامعه و اجرای دقیق

احکام و مقررات حکومت اسلامی در تمام ابعادش.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعْزُبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، وَ تُنْدِلُ بِهَا النَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ، وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ» .

### مجموع روایات مربوط به حضرت حجت علیه السلام

در اینجا مناسب است فهرست روایاتی که از طریق شیعه و سنی درباره حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است بیاوریم: ۱- روایاتی که می گویند ائمه دوازده تن هستند و اول آنها علی و آخر آنها مهدی است. ۹۱ حدیث. ۲- روایاتی که می گویند مهدی از خاندان پیغمبر است.

۳۸۹ حدیث. ۳- روایاتی که می گویند مهدی از دودمان علی علیه السلام است. ۲۱۴ حدیث. ۴- روایاتی که او را از فرزندان فاطمه زهرا دانسته.

۱۹۲ حدیث. ۵- روایاتی که او را نهمین فرزند از اولاد امام حسین می داند. ۱۴۸ حدیث. ۶- روایاتی که او را فرزند امام سجاد دانسته. ۱۸۵ حدیث.

۷- روایاتی که او را پسر امام حسن عسکری می داند.

۱۴۸ حدیث. ۸- روایاتی که او را امام دوازدهم و آخرین امام می داند.

۱۳۶ حدیث. ۹- روایاتی که در مورد ولادت آن حضرت رسیده است.

۲۱۴ حدیث. ۱۰- روایاتی که در مورد عمر طولانی او رسیده است.

۳۱۸ حدیث. ۱۱- روایاتی که می گوید دارای غیبت طولانی است.

۹۱ حدیث. ۱۲- روایاتی که بشارت به ظهور آن حضرت داده است.

۶۵۷ حدیث. ۱۳- روایاتی که می گوید شخص مهدی جهان را پر از عدل و داد می کند. ۱۲۳ حدیث. ۱۴- روایاتی که می

گوید دین اسلام به وسیله او جهانگیر می شود. ۴۷ حدیث. مجموع اینها دو هزار و نهصد و پنجاه و سه روایت است.

(مهدی موعود صفحه ۵).

## معاد

یکی دیگر از اصول اعتقادی که مورد پذیرش و قبول همه ادیان الهی و کتاب های آسمانی است برگشتن روح به بدن و بازگشت به عالم آخرت است به این معنا که زندگی انسان به

ص: ۵۱

واسطه مرگ خاتمه نمی یابد بلکه پس از این جهان جهان دیگری هست که انسان ها در آنجا پاداش و سزای اعمال و کردار خویش را خواهند دید. خداوند در قرآن می فرماید: **يَوْمَئِذٍ يَصُدُّ النَّاسُ أَسْتَاتًا لِّئِيْرُوا أَعْمَالَهُمْ \* فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ** (سوره زلزله / ۵ تا ۸). یعنی: در آن روز مردم به صورت گروه های پراکنده (از قبرها) خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود، پس هر کس هم وزن ذره ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند و هر کس هم وزن ذره ای کار بد کرده آن را می بیند. آری تنها چیزی که نفس سرکش انسان را از شرارت و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران بازمی دارد اعتقاد به معاد است، تنها امری که بشر را از شهوترانی و فواحش و منکرات و بدی ها منع می کند پذیرفتن روز حساب و مجازات است، تنها پلیس مخفی که در آشکار و پنهان مراقب کردار و رفتار او می باشد همانا اعتقاد بروز جزا و دار مکافات است و در قرآن مجید هر جا وصف ایمان و مؤمنین را می نماید اساس و پایه ایمان را روی دو امر (اعتقاد به مبدأ و اعتقاد به معاد) استوار فرموده و پس از آن لوازم این ایمان که تقوا و عمل صالح است متذکر می شود. بلکه اعتقاد به معاد لازمه اعتقاد به مبدأ است و هر کس به مبدأ اعتراف و اقرار کند از اعتقاد به معاد ناگزیر است و بر این اساس همه ادیان الهی و همه کسانی که پیرو یکی از انبیاء

هستند معاد را پذیرفته اند. خلاصه، براهین عقلی و نقلی از آیات قرآن و روایات متواتره و ضرورت ادیان بر اثبات معاد قائم است و هر کس خدا را قبول دارد معاد، یعنی حشر و نشر و حساب و ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ را قبول دارد و همان طور که اشاره شد آیات و روایات ایمان به خدا را ملازم با ایمان به معاد قرار داده است، اعتقاد به مبدأ و اعتقاد به معاد را قرین هم و بر یک پایه استوار فرموده است. بنابراین همان ادله و براهینی که ما را ملزم به پذیرش چهار اصل دین نموده به طور قطع و یقین ما را ملزم به پذیرش معاد می کند و به حکم همان ادله و براهین معتقد به روز قیامت می شویم و آن را عین حکمت و عدالت پروردگار می دانیم. آنچه در این اوراق مورد بررسی قرار گرفت خلاصه ای از عقاید دینی، مذهبی بود و تفصیل بیشتر و آشنایی با سایر معارف دین را از کتاب های مفصل و استدلالی به دست آورید و بدانید که امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام فرموده است:

«أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ، وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ، وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ».

(نهج البلاغه، خ ۱). یعنی: سرآغاز دین معرفت او است و کمال معرفتش تصدیق ذات او، و کمال تصدیق ذاتش توحید و شهادت بر یگانگی او است و کمال توحید و شهادت بر یگانگی او است.

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَمْتُ عَنْ دِينِي». اللهم اجعل عواقب أمورنا خيرا بحق محمد وآله الطاهرين، و صل عليهم اجمعين. و العن اعداءهم الى يوم الدين.

بخش استفتاءات و پاسخ به سؤالات دفتر حضرت آیه الله العظمی فاضل لنکرانی مد ظله العالی علی عطائی ۱۳۸۱/۳/۱۷

احكام جوانان

اشاره

ص: ۵۵





انسان می تواند از روی «اجتهاد» یا «تقلید» به احکام دین عمل کند. اجتهاد: توانایی استنباط و استخراج احکام دین از منابع آن به ویژه قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام است که پس از آموختن علوم اسلامی و سعی و تلاش فراوان با عنایت الهی حاصل می شود. به کسی که دارای چنین توانایی علمی باشد «مُجتهد» می گویند. «تقلید» به معنای پیروی و دنباله روی است و در اینجا به معنای پیروی و عمل نمودن به فتوای مجتهد می باشد؛ یعنی انسان کارهای خود را مطابق فتوای مجتهد انجام دهد.

مسئله ۱۲: به مجتهدی که دیگران از او تقلید می کنند «مَرَجِع تَقْلید» و به کسی که از مجتهد تقلید می کند «مُقَلِّد» می گویند.

مسئله ۱۳: کسی که مجتهد نیست و نمی تواند احکام و

دستورهای الهی را از منابع آن بدست آورد، باید از مجتهد تقلید کند؛ یعنی کارهای خود را مطابق فتوای او انجام دهد.

مسئله ۱۴: وظیفه اکثر مردم در احکام دین، تقلید است؛ چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام، اجتهاد یا احتیاط کنند.

مسئله ۱۵: مجتهدی که انسان از او تقلید می کند باید دارای شرایط زیر باشد: \* عادل. \* زنده. \* مرد. \* بالغ. \* عاقل. \* حلال زاده. \* شیعه دوازده امامی. \* اعلم از دیگران.

مسئله ۱۶: انسان نمی تواند در آغاز از مجتهدی که از دنیا رفته است تقلید کند. لیکن اگر انسان از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود می تواند طبق مسئله بعد، از او تقلید کند.

مسئله ۱۷: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می کرد فوت شود و او اعلم از مجتهد زنده باشد، باید بر تقلید او باقی بماند و چنانچه مجتهد زنده اعلم از او باشد، باید به مجتهد زنده رجوع کند و اگر مساوی باشند یا اعلیت هیچ یک معلوم نباشد

می تواند باقی بر تقلید میّت باشد یا به مجتهد زنده رجوع کند.

مسئله ۱۸: مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت: \* خود انسان یقین یا اطمینان پیدا کند؛ مثل آن که از اهل علم و اهل خبره باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد. \* گواهی دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند. \* اعلم بودن او به گونه ای مشهور باشد که برای انسان اطمینان حاصل شود.

مسئله ۱۹: راه های بدست آوردن فتوای مجتهد به قرار ذیل است: \* شنیدن از خود مجتهد. \* شنیدن از دو نفر عادل. \* شنیدن از یک نفر عادل به گونه ای که از گفته او اطمینان حاصل می شود. \* دیدن در رساله مجتهد که درستی آن مورد اطمینان باشد.

مسئله ۲۰: اگر فتوای مجتهد در مسئله ای عوض شود، مقلد باید به فتوای جدید عمل کند و عمل کردن به فتوای گذشته جایز نیست، مگر آن که فتوای اول موافق احتیاط باشد.

مسئله ۲۱: واجب است انسان مسائلی را که غالباً به آنها احتیاج دارد، یاد بگیرد.

### فرق بین احتیاط مستحب و احتیاط واجب

مسئله ۲۲: «احتیاط مستحب» همیشه همراه با فتواست؛

ص: ۵۹

یعنی در آن مسئله، مجتهد علاوه بر اظهار نظر راه احتیاط را هم نشان داده است و مقلد می تواند در آن مسئله، به فتوا و یا به احتیاط عمل کند و نمی تواند به مجتهد دیگری رجوع کند؛ مانند این مسئله: «ظرف نجس را که یک مرتبه در آب کُر بشویند پاک می شود، گرچه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند». «احتیاط واجب» همراه با فتوا نمی باشد و مقلد می تواند به همان احتیاط عمل کند یا به فتوای مجتهد دیگر مراجعه کند، مانند این مسئله: «احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور، اگر تازه باشد سجده نکنند».

### نشانه بلوغ و سن تکلیف

بلوغ در پسر به یکی از امور زیر مشخص می شود: ۱ - رویدن موی خشن و زبر در زیر شکم (بالای عورت). ۲ - خروج منی چه در خواب و چه در بیداری. ۳ - کامل شدن ۱۵ سال قمری که ۱۶۳ روز و ۶ ساعت از ۱۵ سال شمسی کمتر است. بلوغ دختر به یکی از امور زیر مشخص می شود: ۱ - رویدن موی خشن و زبر در زیر شکم (بالای عورت). ۲ - بیرون آمدن منی چه در خواب و چه در بیداری. ۳ - تمام شدن ۹ سال قمری که ۹۷ روز و ۲۲ ساعت و ۴۸ دقیقه از ۹ سال شمسی کمتر است.

ص: ۶۰

طهارت و پاکی بدن و محیط زندگی، در اسلام دارای اهمیت بسیاری است. انسان باید از خوردن و آشامیدن چیزهای نجس دوری کرده و بدن و لباسش برای «نماز» که بهترین شیوه پرستش پروردگار عالم است، پاک باشد و بهتر است تمیزترین لباس را بپوشد. بنابراین شناختن چیزهای نجس و آموختن شیوه پاک کردن آنها نیز لازم است.

مسئله ۲۳: همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه بر اثر برخورد با اینها نجس شود.

مسئله ۲۴: چیزهای نجس عبارت است از: ۱- ادرار (بول). ۲- مدفوع (غائط). ۳- منی. ۴- مردار. ۵- خون. ۶- سگ.

۷ - خوک. ۸ - شراب. ۹ - آبجو. ۱۰ - کافر؛ که تمام اقسام آن نجس است، مگر اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) که پاک می باشند. ۱۱ - عرق شتر نجاست خوار.

مسئله ۲۵: ادرار و مدفوع انسان و حیوان های حرام گوشت که خون جهنده دارند، نجس است.

مسئله ۲۶: حیوان ها دو دسته اند، برخی خون جهنده دارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار از آن بیرون می آید و برخی دیگر خون جهنده ندارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار بیرون نمی آید.

مسئله ۲۷: ادرار و مدفوع حیوان های حلال گوشت؛ مانند گاو و گوسفند و حیواناتی که خون جهنده ندارند؛ مانند مار و ماهی، پاک است.

مسئله ۲۸: بول و غائط حیوانهایی که گوشت آنها مکروه است، پاک می باشد؛ مانند اسب و الاغ.

مسئله ۲۹: فضله (مدفوع) پرندگان حرام گوشت؛ مانند کلاغ، پاک است.

## احکام مردار

مسئله ۳۰: به حیوانی که برخلاف دستور اسلام کشته شود

ص: ۶۲

یا خودش مرده باشد، «مُردار» گویند. (۱)

مسئله ۳۱: مردار حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند ماهی، پاک است.

مسئله ۳۲: مردار حیوانی که خون جهنده دارد، اجزای بی روحش مانند مو و شاخ، پاک و اجزای روح دارش؛ مانند گوشت و پوست، نجس است.

مسئله ۳۳: تمام اجزای بدن سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کند، چه مرده و چه زنده آن نجس است.

مسئله ۳۴: انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزای بی روح او؛ مانند ناخن، مو و دندان) تمام بدنش نجس می باشد.

مسئله ۳۵: هرگاه غسل های سه گانه میت تمام شد، بدنش پاک می شود.

مسئله ۳۶: کسی که در راه خدا و برای حفظ اسلام می جنگد، اگر در میدان نبرد و معرکه درگیری کشته شود و همانجا از دنیا برود بدنش پاک است و نیاز به غسل و کفن ندارد.

### احکام خون

مسئله ۳۷: خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند مرغ و گوسفند، نجس است.

مسئله ۳۸: حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند ماهی و پشه، خونش پاک است.

ص: ۶۳

---

۱- (۱) برای آشنایی بیشتر با چگونگی ذبح حیوان، به مسئله ۴۳۹ مراجعه شود.

مسئله ۳۹: خونی که در تخم مرغ وجود دارد نجس نیست و احتیاط مستحب آن است که از آن اجتناب شود.

مسئله ۴۰: خونی که از لای دندان (لثه) می آید اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود، پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.

### نجس شدن چیزهای پاک

مسئله ۴۱: اگر چیز پاکی به نجسی برخورد کند و یکی از آن دو به گونه ای تر باشد که رطوبتش به دیگری برسد، چیز پاک نجس می شود.

مسئله ۴۲: هرگاه انسان نداند چیز پاکی نجس شده یا نه، پاک است. جستجو و واریسی هم لازم نیست، هر چند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد.

مسئله ۴۳: خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

### مُطَهَّرَات (پاک کننده ها)

#### اشاره

مسئله ۴۴: مطهّرات، یعنی چیزهایی که اشیاء نجس را پاک می کند. عمده پاک کننده ها عبارتند از: ۱ - آب. ۲ - زمین. ۳ - آفتاب. ۴ - اسلام. ۵ - برطرف شدن نجاست (به شرحی که خواهد آمد).

ص: ۶۴



## احکام آبها

«آب» اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای بهتر یاد گرفتن مسائل مربوط به آن، کمک می کند.

مسئله ۴۵: آب یا «مضاف» است یا «مطلق»: آب مضاف: آبی است که آن را از چیزی گرفته باشند؛ مانند آب سیب و هندوانه، و یا با چیزی به قدری مخلوط شده باشد که به آن «آب» گفته نشود؛ مانند شربت. آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد.

مسئله ۴۶: احکام آب مضاف: ممکن است آب مضاف چیز کثیفی را تمیز کند، ولی هرگز چیز نجس را پاک نمی کند (یعنی از مطهرات نمی باشد). اگر با نجاست برخورد کند، نجس می شود، هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه آب عوض نشود. وضو و غسل با آن باطل است.

## اقسام آب مطلق

### اشاره

مسئله ۴۷: آب، یا از زمین می جوشد یا از آسمان می بارد یا نه می جوشد و نه می بارد. آبی که از آسمان بیارد «باران» است. آبی که از زمین می جوشد، اگر جریان داشته باشد؛ مانند آب چشمه و قنات «آب جاری» است و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» است. و آبی که از زمین نمی جوشد و از آسمان نمی بارد، اگر به مقداری که در مسئله بعد خواهد آمد، باشد

«گر» و اگر کمتر از این مقدار باشد «قلیل» است.

مسئله ۴۸: مقدار آبی که ظرفی را با درازا، پهنا و گودی حد اقل سه وجب و نیم پر کند یا وزن آن ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم باشد، کر است.

### آب قلیل

مسئله ۴۹: آب قلیل به محض برخورد با نجاست، نجس می شود، مگر آن که با فشار به چیز نجس برسد که در این صورت فقط قسمتی که با نجس برخورد کرده و بعد از آن نجس می شود؛ مانند آب ظرفی که از بالا بر چیز نجس ریخته می شود، تنها آبهایی که به چیز نجس رسیده نجس می شود و آبهای بالا و داخل ظرف پاک است.

مسئله ۵۰: اگر آب قلیل نجس به آب کر یا جاری متصل شود پاک می گردد و احتیاط واجب آن است که آب کر یا جاری با آن مخلوط شود، مثلاً: اگر ظرف آب قلیلی را که نجس شده، زیر شیر آبی که به منبع کر متصل می باشد بگذارند و آب را بر آن باز کنند، پاک می شود. ولی اگر بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری با آن مخلوط شود که بو یا رنگ یا مزه نجاست از بین برود.

### آبهای کر، جاری و چاه

مسئله ۵۱: تمام اقسام آبهای مطلق، بجز آب قلیل تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است و هرگاه بر

اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می شود (بنابراین، آب جاری، چاه، کر و حتی باران در این حکم مشترک اند).

مسئله ۵۲: آب لوله های ساختمانها که متصل به منبع کر می باشد، در حکم آب کر است.

مسئله ۵۳: برخی از خصوصیات آب باران چنین است: اگر باران بر چیز نجسی که عین نجس (۱) در آن نیست، یک بار بیارد پاک می شود. اگر بر فرش و لباس نجس بیارد، فشار لازم ندارد و پاک می شود. اگر بر زمین نجس بیارد، پاک می شود. هرگاه آب باران در جایی جمع شود، اگر چه کمتر از کُر باشد، چنانچه چیز نجسی را در حالی که باران همچنان می بارد، در آن بشویند، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته، پاک است.

### چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم؟

مسئله ۵۴: برای پاک کردن چیزهای نجس، ابتدا باید نجاست را برطرف کرده، سپس طوری که در مسائل آینده خواهد آمد، آن را آب کشید.

مسئله ۵۵: ظرف نجس را، بعد از برطرف کردن نجاست،

ص: ۶۷

---

۱- (۱) «عین نجس» چیزی است که خودبخود نجس است؛ مانند بول و خون.

اگر یک مرتبه در آب کر بشویند کافی است، ولی با آب قلیل سه مرتبه باید شست.

مسئله ۵۶: ظرف نجس را می توان این گونه آب کشید: با آب کر: یک بار آن را در آب کُر برده و بیرون آورند. با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن ریخته و هر مرتبه آب را به طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.

مسئله ۵۷: فرش و لباس و چیزهایی مانند آن که آب را به خود می گیرد و قابل فشار دادن است چنانچه با آب قلیل تطهیر می کنند، باید بعد از هر بار شستن آن را فشار دهند تا آبهای داخل آن بیرون آید و یا به گونه ای دیگر آب آن گرفته شود، البته در آب کر و جاری نیز بنا بر احتیاط واجب فشار دادن لازم است.

### زمین

مسئله ۵۸: اگر کف پا یا ته کفش هنگام راه رفتن نجس شود، با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین پاک می شود به شرط آن که عین نجاست برطرف شود. و زمین باید: ۱ - پاک باشد. ۲ - خشک باشد. ۳ - خاک، شن، سنگ، آجر فرش و مانند اینها باشد.

مسئله ۵۹: اگر بر اثر راه رفتن یا مالیدن پا بر زمین، نجاست

ص: ۶۸

ته کفش یا کف پا برطرف شود، پاک می گردد، ولی بهتر است حد اقل پانزده قدم راه برود.

## آفتاب

مسئله ۶۰: آفتاب (با شرایطی که خواهد آمد) این چیزها را پاک می کند: \* زمین. \* ساختمان و چیزهایی که در آن بکار رفته است؛ مانند در و پنجره. \* درخت و گیاه.

مسئله ۶۱: آفتاب با این شرایط، پاک کننده است: ۱ - چیز نجس تر باشد به قدری که اگر چیزی به آن برسد تر شود. ۲ - با تابش آفتاب، چیز نجس خشک شود، ولی اگر مرطوب بماند، پاک نشده است. ۳ - چیزی؛ مانند ابر یا پرده مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آنکه رقیق و نازک باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند. ۴ - آفتاب به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً به کمک باد خشک نشود. ۵ - هنگام تابش آفتاب، نجاست در آن نباشد. پس اگر نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف کنند. ۶ - قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشک کند. پس اگر روی آن امروز خشک شود و درون آن فردا، تنها

ص: ۶۹

روی آن پاک می شود.

مسئله ۶۲: اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته باشد، می توان مقداری آب یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن بشود، بر آن ریخته و سپس آفتاب بتابد و آن را پاک کند.

## اسلام

مسئله ۶۳: کافر که نجس است اگر شهادتین را بگوید، مسلمان می شود؛ یعنی بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» و با اسلام، تمام بدن او پاک می گردد.

## برطرف شدن عین نجاست

مسئله ۶۴: در دو مورد با برطرف شدن نجاست، چیز نجس پاک می شود و نیازی به آب کشیدن ندارد. الف: بدن حیوان، مثلاً منقار مرغی که غذای نجس خورده است، هنگامی که نجاست از منقارش برطرف شود پاک است. ب: باطن بدن، مانند داخل دهان و بینی و گوش؛ مثلاً اگر هنگام مسواک کردن از لثه ها خون بیاید و در آب دهان از بین برود، داخل دهان پاک است و آب کشیدن آن لازم نیست.

ولی مسواک اگر با خون برخورد داشته باشد به احتیاط واجب، نجس می شود، هرچند داخل دهان باشد.

ص: ۷۰

نماز گزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند. در برخی از موارد علاوه بر وضو باید غسل هم انجام دهد؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هر گاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن عمل دیگری به نام «تیمم» انجام دهد که در این قسمت با احکام هر یک آشنا خواهید شد.

### چگونه وضو بگیریم؟

مسئله ۶۵: برای انجام وضو، انسان باید ابتدا صورت را و سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوید، آنگاه با رطوبتی که از آب وضو در کف دست مانده است، سر را مسح کند؛ یعنی دست را بر آن بکشد و سپس پای راست و در آخر پای چپ را مسح نماید.

### وضو شستن

مسئله ۶۶: در وضو انسان باید ابتدا صورت را از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه، از بالا به پایین بشوید و برای آنکه یقین کند مقدار واجب را شسته، باید کمی اطراف صورت را هم بشوید.

مسئله ۶۷: بعد از شستن صورت، باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.

مسئله ۶۸: برای آنکه یقین کند آرنج را کاملاً شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

مسئله ۶۹: کسی که پیش از شستن صورت، دست های خود را تا مچ شسته است، هنگام وضو باید تا سر انگشتان را بشوید، و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضویش باطل است.

### مسح

مسئله ۷۰: یک قسمت از چهار قسمت سر که بالای پیشانی است (جلوی سر) جای مسح می باشد.

مسئله ۷۱: مسح سر، باید به مقداری باشد که اگر کسی ببیند، بگوید مسح کرد.

مسئله ۷۲: احتیاط مستحب است سر را به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت مسح کند.

مسئله ۷۳: لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است. ولی کسی که موی جلوی سر



او به اندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند روی قسمتی از پیشانی بریزد یا به جاهای دیگر سر برسد، باید بیخ موها را مسح کند یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید. و اگر موهایی را که به صورت می ریزد یا به جاهای دیگر سر می رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید یا بر موی جاهای دیگر سر که جلوی آن آمده مسح کند، باطل است.

مسئله ۷۴: پس از مسح سر، باید با رطوبتی که از وضو بر کف دست باقیمانده است، روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند، و احتیاط واجب آن است که تا مفصل (جایی که پا خم می شود) را نیز مسح کند.

مسئله ۷۵: در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است.

ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.

مسئله ۷۶: اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو؛ مثلاً صورت، رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.

مسئله ۷۷: رطوبت دست باید به قدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.

مسئله ۷۸: محل مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست بر

آن نباشد، اشکالی ندارد.

مسئله ۷۹: بین دست و سر یا پاها باید چیزی مانند چادر و کلاه، یا جوراب و کفش فاصله نشود، هر چند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچاری).

مسئله ۸۰: اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهید جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است. و اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می خواهید بشوید یا مسح کند خشک شده باشد؛ مثلاً موقعی که می خواهید دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد، بهتر آن است که دوباره وضو را از سر بگیرد.

### شرایط وضو

### اشاره

مسئله ۸۱: با بودن شرایط زیر، وضو صحیح و با نبودن حتی یکی از آنها وضو باطل است: ۱- آب وضو پاک باشد (نجس نباشد). ۲- آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد). ۳- آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد). ۴- ظرف آب وضو مباح باشد (به شرحی که خواهد آمد). ۵- ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد (به شرحی که

ص: ۷۴

خواهد آمد). ۶- اعضای وضو پاک باشد. ۷- مانعی از رسیدن آب به اعضای وضو نباشد. ۸- با قصد قربت و بدون ریا وضو بگیرد. ۹- ترتیب را رعایت کند. (به همان صورت که در اعمال وضو گذشت). ۱۰- موالمت را رعایت کند. (بین اعمال وضو فاصله نیفتد). ۱۱- در کارهای وضو از دیگری کمک نگیرد. ۱۲- استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد. ۱۳- برای وضو گرفتن وقت باشد.

### توضیح شرایط وضو

مسئله ۸۲: وضو با آب نجس و مضاف باطل است، خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند و یا فراموش کرده باشد.

مسئله ۸۳: آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است: \* وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست. \* آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه. \* آبی که وقف افراد خاصی است، برای غیر آن افراد؛ مانند حوض برخی از مدارس که وقف محصلین همان مدرسه است و وضوخانه بعضی از مساجد که وقف کسانی است که در آنجا نماز می خوانند.

ص: ۷۵

مسئله ۸۴: وضو گرفتن از نهرهای بزرگ، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه اشکال ندارد. اما اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که با آب آنها وضو نگیرد.

مسئله ۸۵: اگر آب در ظرف غضبی باشد و آب دیگری نباشد، باید تیمم کرد و اگر کسی با آن آب وضو بگیرد، وضویش باطل است.

مسئله ۸۶: اعضای وضو؛ یعنی صورت، دستها و پاها در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.

مسئله ۸۷: اگر چیزی بر صورت یا دستها باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، برای وضو باید برطرف شود.

مسئله ۸۸: اگر چیزی بر اعضای مسح (جلوی سر و روی پاها) باشد هرچند از رسیدن آب جلوگیری نکند، باید برطرف شود، زیرا بین دست و محل مسح نباید چیزی فاصله شود.

مسئله ۸۹: خط قلم خودکار و لکه های رنگ و چربی و کِرِم در صورتی که رنگ بدون جرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جرم دارد و روی پوست را گرفته باشد، باید برطرف شود.

مسئله ۹۰: اگر می داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده ولی نمی داند که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند.

مسئله ۹۱: کارهای وضو باید بدین ترتیب انجام شود: اول صورت، بعد دست راست و سپس دست چپ را بشوید و بعد

از آن سر و بعد پاها را مسح کند و بنا بر احتیاط واجب باید پای راست را پیش از پای چپ، مسح کند اگر به این ترتیب وضو نگیرد، باطل است.

مسئله ۹۲: موالات؛ یعنی پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

مسئله ۹۳: اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است.

مسئله ۹۴: کسی که می تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید و یا مسح او را انجام دهد، وضو باطل است.

مسئله ۹۵: کسی که نمی تواند وضو بگیرد، باید به کمک شخص دیگر وضو بگیرد ولی خود او و کسی که او را وضو می دهد، هر دو باید نیت وضو کنند.

مسئله ۹۶: کسی که می داند اگر وضو بگیرد مریض می شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه می ماند، بنا بر احتیاط واجب نباید وضو بگیرد. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد، وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با آن وضو نماز نخواند و تیمم کند و چنانچه با آن وضو نماز خواند، احتیاط آن است که دوباره آن را اعاده نماید.

مسئله ۹۷: وضو باید به قصد قربت انجام شود؛ یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد و لازم نیست نیت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذراند، بلکه همین مقدار که می داند وضو می گیرد کافی است، به طوری که اگر از او پرسند:

چه می کنی؟ بگوید: وضو می گیرم.

مسئله ۹۸: هرگاه وقت نماز به قدری تنگ است که اگر انسان بخواهد وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند. لیکن اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.

### وضوی جبیره ای

دوایی که بر زخم و مانند آن می گذارند یا چیزی که با آن زخم و شکستگی را می بندند، «جبیره» نام دارد.

مسئله ۹۹: شخصی که بر اعضای وضویش زخم یا شکستگی است، اگر بتواند بطور معمول وضو بگیرد، باید چنین کند؛ مثلاً روی زخم باز است و آب برایش ضرر ندارد و یا روی زخم بسته است، ولی باز کردن آن امکان دارد و آب برای آن ضرر ندارد.

مسئله ۱۰۰: چنانچه زخم بر صورت یا دست است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، باید اطراف آن را بشوید و اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، دست تر بر آن بکشد.

مسئله ۱۰۱: در وضوی جبیره ای باید جاهایی که شستن یا

مسح آن امکان دارد بطور معمول بشوید یا مسح کند و جاهایی که امکان ندارد، دستِ تر بر جبیره بکشد.

مسئله ۱۰۲: اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها (محل مسح) است و روی آن باز می باشد، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکِ رویش بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده، مسح کند.

مسئله ۱۰۳: اگر در صورت و دستها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره ها در سر یا روی پاها باشد، باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره هست، باید به شیوه ای که در جبیره بیان شد عمل کند.

مسئله ۱۰۴: کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، می تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

مسئله ۱۰۵: اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها را فرا گرفته باشد نیز احکام جبیره را دارد و وضوی جبیره ای کافی است و تیمم لازم نیست.

مسئله ۱۰۶: اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته، ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی که باز است روی پا را و جایی که جبیره است روی جبیره را مسح کند.

مسئله ۱۰۷: اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جبیره عمل کند و

بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بکند و اگر برداشتن جیره ممکن است، باید آن را بردارد.

مسئله ۱۰۸: اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده باشد که برداشتن آن ممکن نیست یا به قدری مشقت دارد که نمی توان تحمل کرد، باید به دستور جیره عمل کند.

مسئله ۱۰۹: اگر جیره نجس است یا نمی شود روی آن دست تر کشید؛ مثلاً دوایی است که به دست می چسبد، پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد.

مسئله ۱۱۰: غسل جیره ای مانند وضوی جیره ای است، ولی بنا بر احتیاط واجب باید به طور ترتیبی بجا آورده شود نه ارتماسی و حتماً باید با دست تر روی جیره کشیده شود و شستن آن کفایت نمی کند.

### **چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت**

مسئله ۱۱۱: برای این کارها انسان باید وضو بگیرد: \* برای نماز واجب (به جز نماز میت). \* برای طواف واجب کعبه. \* برای رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن.

مسئله ۱۱۲: اگر نماز یا طواف بدون وضو انجام شود، باطل است.

مسئله ۱۱۳: کسی که وضو ندارد نباید جایی از بدن خود را به نوشته قرآن برساند، ولی ترجمه آن اشکال ندارد.

مسئله ۱۱۴: کسی که وضو ندارد خوب است جایی از بدن را



به اسم خداوند به هر زبانی نوشته شده باشد، مانند: «خدا» GOD «نرساند».

مسئله ۱۱۵: برای این کارها وضو گرفتن مستحب است: \* رفتن به مسجد و حرم امامان. \* خواندن قرآن. \* همراه داشتن قرآن. \* رساندن جایی از بدن به جلد یا حاشیه قرآن. \* زیارت اهل قبور.

### چیزهایی که وضو را باطل می کند

مسئله ۱۱۶: چیزهایی که وضو را باطل می کند عبارت است از: \* خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد معده و روده از انسان. \* خواب، به طوری که گوش نشنود و چشم نبیند. \* چیزهایی که عقل را از بین می برد؛ مانند دیوانگی، مستی و بیهوشی. \* استحاضه زنان. (۱) \* آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مس میت.

ص: ۸۱

---

۱- (۱) این مسئله مربوط به بانوان است، برای توضیح بیشتر به مسئله ۱۳۶ به بعد مراجعه کنند.



گاهی برای نماز و سایر کارهایی که باید با وضو انجام داد، غسل واجب می شود.

### شیوه غسل کردن

مسئله ۱۱۷: در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد، مانند جنابت و یا مستحب، مانند غسل جمعه. به عبارت دیگر، تمام غسلها در انجام فرقی ندارند مگر در نیت.

مسئله ۱۱۸: غسل را به دو صورت می توان انجام داد:

«ترتیبی» و «ارتماسی». در غسل ترتیبی، ابتدا سر و گردن شسته می شود، سپس نیمه راست بدن و بعد از آن نیمه چپ. در غسل ارتماسی، تمام بدن یکباره در آب قرار می گیرد.

پس برای انجام غسل ارتماسی باید آب به قدری باشد که انسان بتواند تمام بدن را زیر آب ببرد.

مسئله ۱۱۹: تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد (۱)، در صحیح بودن غسل هم شرط است، بجز موالات. همچنین لازم نیست بدن را از بالا به پائین بشوید.

مسئله ۱۲۰: کسی که چند غسل بر او واجب است، می تواند به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد.

مسئله ۱۲۱: کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، بلکه با غسل های واجب دیگر غیر از غسل استحاضه متوسطه نیز می تواند بدون وضو نماز بخواند، اگر چه بهتر است وضو هم بگیرد.

مسئله ۱۲۲: در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، بنابراین اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت آب بکشد، کافی است.

مسئله ۱۲۳: غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است. (۲)

مسئله ۱۲۴: کسی که روزه واجب گرفته، نمی تواند در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه دار نباید تمام سر را در آب فرو برد. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است.

مسئله ۱۲۵: در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود و چنانچه با نیت غسل آب را به تمام بدن برساند، کافی است.

ص: ۸۴

---

۱- (۱) شرایط وضو در مسئله ۷۰ بیان شد.

۲- (۲) احکام وضوی جبیره ای در مسئله ۸۸ به بعد بیان شد.

### اشاره

مسئله ۱۲۶: غسل های واجب هفت غسل است: ۱ - جنابت ۲ - میّت ۳ - مس میت ۴ - حیض ۵ - استحاضه ۶ - نفاس ۷ - و غسلی که به سبب نذر یا قسم و مانند اینها واجب می شود.

### غسل جنابت

#### اشاره

مسئله ۱۲۷: اگر از انسان منی (۱) بیرون آید، هر چند در خواب باشد یا آمیزش کند، جُنُب می شود و باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل جنابت انجام دهد.

مسئله ۱۲۸: اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید سبب جنابت نمی شود.

مسئله ۱۲۹: کسی که می داند منی از او خارج شده است و یا می داند آنچه بیرون آمده منی می باشد، جنب است و باید غسل کند.

مسئله ۱۳۰: اگر از انسان رطوبتی خارج شود که نداند بول است یا منی یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده، آن رطوبت منی

ص: ۸۵

---

۱- (۱) منی، مایعی است که از غدد تناسلی به سبب آمیزش یا احتلام از مجرای بول خارج می شود.

است. ولی اگر تمام این نشانه ها یا برخی از آنها وجود نداشته باشد، آن رطوبت منی نمی باشد.

مسئله ۱۳۱: مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبتِ دیگر، حکم منی دارد.

### کارهایی که بر جنب حرام است

مسئله ۱۳۲: از زمانی که انسان جنب می شود تا وقتی که غسل کند و یا اگر نمی تواند غسل کند تا زمانی که تیمم نماید، این کارها بر او حرام است: \* رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب اسامی پیامبران و امامان علیهم السلام. \* رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله هر چند از یک در وارد شود و از در دیگر بیرون رود. \* توقف در مساجد. ولی اگر از یک در برود و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود، مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان علیهم السلام نیز توقف نکند. \* گذاشتن چیزی در مسجد. \* خواندن سوره هایی از قرآن که سجده واجب دارد حتی یک حرف از آن؛ یعنی سوره های: سجده فُصِّلَتْ نَجْمَ عَلَّقَ

مسئله ۱۳۳: اگر شخصی در خانه اش مکانی را برای نماز

قرار دهد (و همچنین در مؤسسه یا اداره ای) حکم مسجد ندارد.

مسئله ۱۳۴: توقف در حرم امامزاده ها در حال جنابت اشکال ندارد، ولی توقف در مساجدی که معمولاً کنار حرم ها ساخته اند، حرام است.

### غسل میت

مسئله ۱۳۵: هرگاه مسلمانی از دنیا برود، باید او را غسل دهند، کفن کنند و بر او نماز بخوانند، سپس دفن کنند. (۱)

### غسل مس میت

مسئله ۱۳۶: اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده ای که سرد شده و غسلش نداده اند برساند، باید غسل مس میت کند.

### غسلهای اختصاصی دخترها و بانوان

#### اشاره

مسئله ۱۳۷: سه غسل از غسلهای واجب؛ یعنی غسل حیض، استحاضه و نفاس، تنها بر دخترها و بانوان واجب می شود و سبب این غسلها خونی است که از رحم بیرون می آید و هر یک احکام خاصی دارد.

ص: ۸۷

---

۱- (۱) برای آشنایی با احکام اموات می توانید به رساله توضیح المسائل، مسئله ۵۴۱ به بعد مراجعه کنید.

## غسل حیض (قاعدگی)

مسئله ۱۳۸: زمانی که خونریزی قاعدگی (رگل) قطع شود، زن باید برای نماز و سایر کارهایی که نیاز به طهارت دارد غسل کند.

مسئله ۱۳۹: خونریزی قاعدگی قبل از بلوغ اتفاق نمی افتد و اگر دختری قبل از بالغ شدن خونی ببیند، حکم حیض ندارد.

مسئله ۱۴۰: دوره قاعدگی کمتر از سه روز نیست، پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود حکم حیض ندارد.

مسئله ۱۴۱: دوره قاعدگی بیش از ده روز طول نمی کشد و چنانچه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد، تمام آن حکم حیض را ندارد.

مسئله ۱۴۲: خون حیض معمولاً غلیظ، گرم و پررنگ است و با فشار و کمی سوزش می آید.

مسئله ۱۴۳: در مدت قاعدگی این کارها بر زن حرام است: نماز و طواف کعبه. کارهایی که بر جنب حرام است، مانند توقف در مسجد. (۱)

مسئله ۱۴۴: در ایام قاعدگی نماز و روزه واجب نیست و نمازها قضا ندارد ولی قضای روزه ها را باید بجا آورد.

مسئله ۱۴۵: غسل حیض با غسل جنابت تفاوتی ندارد

ص: ۸۸

---

۱- (۱) برخی از کارهای دیگر نیز حرام است که برای آشنایی با آنها می توانید به رساله توضیح المسائل، مسئله ۴۵۱ مراجعه کنید، همچنین کارهایی که بر جنب حرام است در مسئله ۱۲۱ همین رساله بیان شد.



مگر در نیت.

مسئله ۱۴۶: با غسل حیض می توان نماز خواند، هر چند بهتر است علاوه بر غسل، وضو هم بگیرد.

### غسل استحاضه

مسئله ۱۴۷: یکی دیگر از خونهایی که گاهی اوقات از رحم دختر یا زن بیرون می آید «استحاضه» است.

مسئله ۱۴۸: خون استحاضه معمولاً زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و غلیظ نیست، ولی ممکن است گاهی اوقات پررنگ و گرم و غلیظ باشد و با فشار بیرون آید.

مسئله ۱۴۹: خون استحاضه بر اساس کمی و زیادی آن به سه دسته تقسیم می شود: اگر بسیار کم باشد غسل ندارد ولی وضو را باطل می کند و اگر کم نباشد غسل نیز واجب می شود که جهت آشنایی با موارد آن و احکام هر یک، دخترها باید به رساله توضیح المسائل، مسئله ۳۹۴ به بعد مراجعه کنند.

### غسل نفاس

مسئله ۱۵۰: غسل نفاس مربوط به ولادت فرزند است و در زمان دیگری دیده نمی شود زن پس از خون ریزی زایمان باید این غسل را انجام دهد (۱).

ص: ۸۹

---

۱- (۱) برای آشنایی بیشتر به مسئله ۵۰۸ به بعد از رساله توضیح المسائل مراجعه کنید.

مسئله ۱۵۱: در این موارد باید بجای وضو و غسل، تیمم کرد: \* آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد. \* آب برای انسان ضرر داشته باشد؛ مثلاً به سبب استعمال آب مرضی در او پیدا می شود یا بیماریش شدت می یابد و یا دیر خوب می شود. \* اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برسانند، خودش یا همسرش یا فرزندانش یا رفیقش یا کسانی که به او مربوطند و یا هر کسی که حفظ جاننش بر او واجب است از تشنگی بمیرند یا مریض شوند و یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن سخت است (حتی حیوانی که در اختیار اوست). \* بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر و شستن آن ندارد و لباس دیگری هم ندارد. \* وقت به قدری تنگ باشد که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود.

مسئله ۱۵۲: در تیمم پنج چیز واجب است: ۱ - نیت. ۲ - زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است. ۳ - کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می روید تا روی ابروها و بالای بینی. ۴ - کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست. ۵ - کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ (انگشتان هم جزو کف دست می باشند).

مسئله ۱۵۳: برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از میچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

مسئله ۱۵۴: انسان باید برای تیمم، انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر مانع دیگری نیز در پیشانی یا دستها وجود دارد، برطرف کند.

مسئله ۱۵۵: تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت دستور خداوند انجام شود و همچنین باید معلوم کند که تیمم بجای وضو است یا غسل. و این همان نیت تیمم است.

**چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است**

مسئله ۱۵۶: تیمم بر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ و گل پخته مثل آجر، اگر پاک باشد صحیح است.

مسئله ۱۵۷: تیممی که بجای وضو است با تیممی که به جای غسل است، فرقی ندارد.

مسئله ۱۵۸: کسی که بجای وضو تیمم کرده است، اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می کند از او سر بزند، تیممش باطل می شود.

مسئله ۱۵۹: کسی که به جای غسل، تیمم کرده، هرگاه یکی از چیزهایی که غسل را باطل می کند، برای او پیش آید تیممش باطل می شود؛ مثلاً اگر به جای غسل جنابت تیمم کرده، اگر دوباره جنب شود تیممش باطل می شود.

مسئله ۱۶۰: تیمم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، بنابراین اگر بدون عذر تیمم کند، صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلاً آب نداشته و آب پیدا کند، تیمم او باطل می شود.

مسئله ۱۶۱: اگر به جای غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست، برای نماز وضو بگیرد. ولی اگر به جای غسل های دیگر تیمم کند، با آن تیمم نمی تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد.

نماز مهم ترین اعمال دینی است که اگر مورد قبول در گاه خداوند عالم واقع شود، عبادت‌های دیگر نیز قبول می گردد و اگر نماز پذیرفته نشود، اعمال دیگر نیز قبول نخواهد شد. همان طور که اگر انسان در شبانه روز پنج نوبت خود را در نهر آبی شستشو دهد، چرکی در بدنش نمی ماند، نمازهای پنج گانه هم انسان را از گناهان پاک می کند. سزاوار است انسان نماز را در اوّل وقت بخواند. کسی که نماز را سبک بشمارد، مانند کسی است که نماز نمی خواند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک بشمارد، سزاوار عذاب آخرت است». شایسته است نماز گزار کارهایی که ثواب نماز را کم می کند بجا نیاورد؛ مثلاً با حالت خواب آلودگی نماز نخواند و در

نماز به آسمان نگاه نکند، بلکه کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند بجا آورد؛ مثلاً لباس پاکیزه بپوشد، خود را خوشبو کند، دندانهایش را مسواک بزند و موهایش را شانه کند.

## اقسام نماز

### اشاره

برای آشنایی با مسائل و احکام نماز، ابتدا یادآور می شویم که نماز یا واجب است و یا مستحب. نمازهای واجب هم دو دسته اند؛ برخی از آنها تکلیف هر روز می باشد که باید در هر شبانه روز و در زمانهای خاصی بجا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی اوقات به سبب خاص واجب می شود و برنامه همیشه و هر روز نمی باشد.

### نمازهای واجب روزانه

### اشاره

مسئله ۱۶۲: نمازهای هر روز، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است. نماز صبح: دو رکعت. نماز ظهر: چهار رکعت. نماز عصر: چهار رکعت. نماز مغرب: سه رکعت. نماز عشاء: چهار رکعت.

### وقت نمازهای روزانه

### اشاره

ص: ۹۴

مسئله ۱۶۳: وقت نماز صبح از اذان صبح تا طلوع آفتاب است که در این مدت باید خوانده شود و هرچه به اذان صبح نزدیک تر باشد بهتر است. وقت نماز ظهر و عصر از ظهر شرعی تا مغرب است که به اندازه خواندن یک نماز چهار رکعتی در اول وقت مخصوص نماز ظهر و به همین مقدار که به مغرب مانده باشد، مخصوص نماز عصر است. وقت نماز مغرب و عشاء از مغرب تا نصف شب است که به اندازه خواندن یک نماز سه رکعتی بعد از مغرب مخصوص نماز مغرب و به اندازه یک نماز چهار رکعتی که به نصف شب مانده است، مخصوص نماز عشا می باشد.

### **ابتدای وقت نماز صبح**

مسئله ۱۶۴: نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را «فجر اول» گویند، هنگامی که آن سفیده پهن شد، «فجر دوم» و ابتدای وقت نماز صبح است.

### **ابتدای وقت نماز ظهر**

مسئله ۱۶۵: اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، صبح که خورشید طلوع می کند سایه آن به طرف مغرب می افتد و هرچه آفتاب بالا می آید سایه کم می شود، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش

گذاشت «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است. (۱)

### مغرب

مسئله ۱۶۶: مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود، از بالای سر بگذرد.

### نیمه شب

مسئله ۱۶۷: برای محاسبه نیمه شب که پایان وقت نماز عشا به دست می آید، احتیاط واجب آن است که فاصله بین غروب تا اذان صبح را دو نیم کنیم. (۲)

### احکام وقت نماز

مسئله ۱۶۸: نمازهای غیر روزانه دارای وقت مشخصی نمی باشد و بستگی به زمانی دارد که به علتی آن نماز واجب شود؛ مثلاً نماز آیات بستگی به زلزله یا کسوف یا خسوف و یا حادثه ای دارد که پیش آمده است و نماز میت، زمانی واجب می شود که مسلمانی از دنیا برود.

مسئله ۱۶۹: اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود و یا عمداً

ص: ۹۶

---

۱- (۱) در برخی از شهرها از جمله مکه، گاهی اوقات موقع ظهر سایه از بین می رود، بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد، معلوم می شود ظهر شده است.

۲- (۲) تقریباً یازده ساعت و ربع که از ظهر شرعی بگذرد آخر وقت نماز مغرب و عشا است؛ مثلاً اگر ظهر شرعی ساعت ۱۲/۱۵ باشد، نیمه شب ساعت ۱۱/۳۰ می باشد.



نماز را قبل از وقت شروع کند، باطل است. [اگر نماز در وقت خودش خوانده شود، در اصطلاح می گویند: نماز «آداء» است و اگر نماز بعد از گذشتن وقت خوانده شود، در اصطلاح می گویند: نماز «قضاء» شده است.]

مسئله ۱۷۰: انسان باید نماز را در وقت معین آن بخواند و اگر عمداً در آن وقت نخواند، گناهکار است.

مسئله ۱۷۱: مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد؛ مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

مسئله ۱۷۲: اگر وقت نماز تنگ باشد، به طوری که اگر بخواهد مستحبات نماز را بجا آورد، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می شود، باید مستحبات را بجا نیاورد؛ مثلاً اگر بخواهد قنوت بخواند، وقت می گذرد، باید قنوت نخواند.

مسئله ۱۷۳: انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند، باطل است.

## قبله

مسئله ۱۷۴: خانه کعبه که در شهر مکه و در مسجد الحرام قرار دارد، «قبله» است و نماز گزار باید رو به آن نماز بخواند.

مسئله ۱۷۵: کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است، اگر

طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند، کافی است.

## پوشاندن بدن در نماز

مسئله ۱۷۶: پسرها و مردان در نماز، باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.

مسئله ۱۷۷: دخترها و زنان باید تمام بدن را بپوشانند، ولی پوشاندن دستها و پاها تا مچ و صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود، لازم نیست گرچه پوشاندن آن نیز اشکال ندارد. هر چند زنان و دختران می توانند در نماز تا مچ پاها را بپوشانند ولی در مقابل نامحرم باید آن را نیز بپوشانند.

مسئله ۱۷۸: لباس نماز گزار باید این شرایط را داشته باشد: \* پاک باشد (نجس نباشد). \* مباح باشد (غصبی نباشد). \* از اجزاء مردار نباشد؛ مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام ذبح نشده است تهیه نشده باشد، حتی کمر بند و کلاه و بند ساعت. \* از حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلاً از پوست پلنگ یا روباه تهیه نشده باشد. \* اگر نماز گزار مرد است لباس او طلا باف یا ابریشم خالص نباشد.

مسئله ۱۷۹: علاوه بر لباس، بدن نماز گزار نیز باید پاک باشد.

مسئله ۱۸۰: اگر انسان بدانند بدن یا لباسش نجس است، ولی

هنگام نماز فراموش کند و با آن نماز بخواند نمازش باطل است.

مسئله ۱۸۱: در این موارد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، صحیح است: \* نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود. \* به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است. \* لباس یا بدن نماز گزار به خون نجس شده است، ولی مقدار آلودگی کمتر از دِرْهَم (تقریباً به اندازه یک سکه دوریالی) است. (۱) \* ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند؛ مثلاً آب برای آب کشیدن آن ندارد (به شرحی که در رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۱۹ آمده است).

مسئله ۱۸۲: اگر لباس های کوچک نماز گزار؛ مثل دست کش و جوراب نجس باشد، و یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزاء مردار یا حرام گوشت نباشد، اشکال ندارد.

مسئله ۱۸۳: پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه ترین لباس ها و خوش بو کردن خود و دست کردن انگشتری عقیق در نماز، مستحب است.

مسئله ۱۸۴: پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که

ص: ۹۹

---

۱- (۱) این مسئله چند مورد استثناء دارد که برای آشنایی می توانید به رساله توضیح المسائل مسئله ۸۶۷ مراجعه کنید.

نقش صورت دارد و باز بودن دکمه های لباس در نماز مکروه است.

## مکان نماز گزار

### اشاره

مسئله ۱۸۵: مکانی که انسان بر آن نماز می خواند، باید دارای شرایط زیر باشد: ۱ - مباح باشد (غصبی نباشد). ۲ - بی حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد). ۳ - جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد، تا بتواند قیام و رکوع و سجود را بطور صحیح انجام دهد. ۴ - جایی که پیشانی را می گذارد (در حال سجده) پاک باشد. ۵ - مکان نماز گزار اگر نجس است طوری تر نباشد که به بدن یا لباس وی سرایت کند. ۶ - جایی که پیشانی را می گذارد (در حال سجده) از جای قدم های او بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلند تر نباشد، ولی اگر شیب زمین کم باشد، اشکال ندارد. (۱)

مسئله ۱۸۶: نماز خواندن در وسائل نقلیه ای که موجب حرکت و تکان خوردن انسان نمی شود و انسان در آن وسایل آرامش دارد مثل کشتی، هواپیما، قطار با رعایت شرایط نماز،

ص: ۱۰۰

---

۱- (۱) در رساله توضیح المسائل، شرایط دیگری نیز آمده است که برای آشنایی بیشتر می توانید به مسئله ۹۰۵ به بعد از آن رساله مراجعه کنید.

مثل قبله اشکال ندارد. ولی اگر به طور معمول با استقرار و آرامش منافات داشته باشد، مثل قایق و ماشین سواری صحیح نیست، مگر در حال ضرورت و تنگی وقت.

مسئله ۱۸۷: بودن مرد با زن نامحرم در جای خلوت که دیگری نمی تواند به آنجا وارد شود، خلاف احتیاط است و احتیاطاً در آنجا نماز نخوانند، ولی اگر یکی از آنها مشغول نماز باشد و دیگری وارد شود نماز او اشکال ندارد.

مسئله ۱۸۸: نماز خواندن در محلی که مجلس گناه است؛ مثلاً در آنجا شراب می نوشند یا قمار می کنند و یا تار و مانند آن می زنند، خلاف احتیاط است.

مسئله ۱۸۹: انسان باید ادب را رعایت کند و جلوتر از قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام نماز نخواند و چنانچه نماز خواندن بی احترامی باشد باشد، حرام است و نماز هم باطل است.

مسئله ۱۹۰: مستحب است انسان نمازهای واجب را در مسجد بخواند، و در اسلام بر این مسئله سفارش بسیار شده است.

### احکام مسجد

مسئله ۱۹۱: از مسائلی که خواهد آمد، به اهمیت حضور در مسجد و نماز خواندن در آن پی می بریم: \* زیاد رفتن به مسجد مستحب است. \* رفتن به مسجدی که نماز گزار ندارد، مستحب است. \* همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد، مکروه است در

ص: ۱۰۱

غیر مسجد نماز بخواند. \* مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

مسئله ۱۹۲: این کارها در رابطه با مسجد، حرام است: \* زینت کردن مسجد با طلا. \* فروختن مسجد، هر چند خراب شده باشد. \* نقاشی کردن [تصویر] انسان و حیوان. \* نجس کردن مسجد، و چنانچه نجس شود باید فوراً تطهیر کنند.

مسئله ۱۹۳: این کارها در رابطه با مسجد، مستحب است: \* زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن. \* چراغ مسجد را روشن کردن. \* تمیز کردن مسجد. \* هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن. \* هنگام بیرون آمدن از مسجد، اول پای چپ را بیرون گذاشتن. \* خواندن دو رکعت نماز مستحبی تَحِیَّت و احترام مسجد. \* خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباسهای خود برای رفتن به مسجد.

مسئله ۱۹۴: این کارها در رابطه با مسجد، مکروه است: \* عبور از مسجد به عنوان محل عبور، بدون آنکه در آنجا

نماز بخواند. \* انداختن آب دهان و بینی در مسجد. \* خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری. \* فریاد زدن در مسجد و صدا را بلند کردن، مگر برای اذان. \* خرید و فروش در مسجد. \* سخن گفتن از امور دنیا در آن. \* رفتن به مسجد برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش مردم را آزار می دهد.

## آمادگی برای نماز

### اشاره

اکنون، پس از فراگرفتن مسائل وضو، غسل، تیمم، وقت نماز، پوشش و مکان نماز گزار آماده شروع نماز می شویم.

### اذان و اقامه

### اشاره

مسئله ۱۹۵: مستحب است نماز گزار قبل از نمازهای یومیه، ابتدا اذان و بعد از آن اقامه بگوید، و سپس نماز را شروع کند.

### اذان

اللَّهُ أَكْبَرُ ۴ مرتبه. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۲ مرتبه. أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ۲ مرتبه. أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ ۲ مرتبه.

ص: ۱۰۳

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ۲ مرتبه. حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ۲ مرتبه. حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ ۲ مرتبه. اللَّهُ أَكْبَرُ ۲ مرتبه. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۲ مرتبه.

## اقامه

اللَّهُ أَكْبَرُ ۲ مرتبه. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۲ مرتبه. أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ۲ مرتبه. أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ ۲ مرتبه. حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ۲ مرتبه. حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ۲ مرتبه. حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ ۲ مرتبه. قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ ۲ مرتبه. اللَّهُ أَكْبَرُ ۲ مرتبه. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۱ مرتبه.

مسئله ۱۹۶: جمله «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» به قصد قربت گفته شود.

ص: ۱۰۴



مسئله ۱۹۷: اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقتِ نماز گفته شود و اگر قبل از وقت گفته شود، باطل است.

مسئله ۱۹۸: اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان گفته شود، صحیح نیست.

مسئله ۱۹۹: بین جمله های اذان و اقامه باید زیاد فاصله نشود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.

مسئله ۲۰۰: اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

مسئله ۲۰۱: اگر انسان برای خواندن نماز جماعت به مسجد برود و ببیند نماز جماعت تمام شده و برای نماز جماعت اذان و اقامه گفته شده باشد، تا وقتی که صف ها بهم نخورده و جمعیت متفرق نشده، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

مسئله ۲۰۲: نماز مستحبی اذان و اقامه ندارد.

مسئله ۲۰۳: مستحب است در روز اولی که بچه به دنیا می آید، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

مسئله ۲۰۴: مستحب است کسی که برای گفتن اذان معین می کنند، عادل و وقت شناس و صدایش بلند باشد.

مسئله ۲۰۵: نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» شروع می شود و با «سلام» به پایان می رسد.

مسئله ۲۰۶: آنچه در نماز انجام می شود یا واجب است و یا مستحب.

مسئله ۲۰۷: واجبات نماز یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیر رکن است. واجبات نماز عبارتند از: \* نیت، \* قیام، \* تکبیره الاحرام، \* رکوع، \* سجود، \* قرائت، \* ذکر، \* تشهد، \* سلام، \* ترتیب، \* موالات رکن های نماز عبارتند از: ۱ - نیت، ۲ - تکبیره الاحرام، ۳ - قیام (ایستادن) هنگام تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع؛ یعنی ایستادن پیش از رکوع، ۴ - رکوع، ۵ - سجود

### فرق بین رکن و غیر رکن

مسئله ۲۰۸: ارکان نماز، اجزاء اساسی آن به شمار می آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود و یا اضافه شود، هر چند اشتباهاً هم باشد، نماز باطل است. واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است، ولی چنانچه اشتباهاً کم یا زیاد شود

نماز باطل نیست. ولی اگر عمداً ترک شود یا زیاد شود، نماز باطل است.

## احکام واجبات نماز

### نیت

مسئله ۲۰۹: نماز گزار از آغاز تا پایان نماز باید بدانند چه نمازی می خوانند و باید آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.

مسئله ۲۱۰: به زبان آوردن نیت لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگویید، اشکال ندارد.

مسئله ۲۱۱: نماز باید از هر گونه ریا و خودنمایی به دور باشد؛ یعنی نماز را تنها برای انجام دستور خداوند بجا آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن برای غیر خدا باشد، باطل است.

### تکبیره الاحرام

مسئله ۲۱۲: همانگونه که گذشت، نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» آغاز می شود و به آن «تَكْبِيرَةُ الْاِحْرَامِ» می گویند. [چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بوده، بر نماز گزار حرام می شود، مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن]. مسئله ۲۱۳: مستحب است نماز گزار موقع گفتن تکبیره الاحرام و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.

ص: ۱۰۷

مسئله ۲۱۴: قیام یعنی ایستادن. نماز گزار باید تکبیره الاحرام و قرائت را در حال قیام و آرامش بخواند.

مسئله ۲۱۵: اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره به نیت سجده خم شود و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود. و اگر بدون این که بایستد به حال خمیدگی به رکوع برود، چون قیام متصل به رکوع را به جا نیاورده، نماز او باطل است.

مسئله ۲۱۶: نماز گزار باید موقع ایستادن هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.

مسئله ۲۱۷: کسی که به هیچ وجه حتی با تکیه کردن بر عصا یا دیوار نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته و رو به قبله نماز بخواند و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند.

مسئله ۲۱۸: واجب است بعد از رکوع بطور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود، نماز باطل است.

**قرائت****اشاره**

مسئله ۲۱۹: در رکعت اول و دوم نمازهای روزانه، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره کامل قرآن (مثلاً سوره توحید) را بخواند.

ص: ۱۰۸

سوره حمد: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ \* الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ \* الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ \* مَا لَیْكَ یَوْمَ الدِّیْنِ \* اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاكَ  
نَسْتَعِیْنُ \* اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ \* صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَیْهِمْ وَ لَا الضَّالِّیْنَ. سوره توحید: بِسْمِ اللّٰهِ  
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ \* قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ \* اللّٰهُ الصَّمِدُ \* لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ \* وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ وَ در ركعت سوم و چهارم نماز  
باید فقط سوره حمد یا تسیحات اربعه خوانده شود و احتیاط واجب آن است كه تسیحات را سه مرتبه بخواند.

### تسیحات اربعه:

«سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ».

### احكام قرائت

مسئله ۲۲۰: در ركعت سوم و چهارم نماز، باید حمد یا تسیحات آهسته خوانده شود.

مسئله ۲۲۱: در نماز ظهر و عصر قرائت ركعت اول و دوم نیز باید آهسته خوانده شود.

مسئله ۲۲۲: پسرها و مردان در نماز صبح، مغرب و عشا باید حمد و سوره را در ركعت اول و دوم بلند بخوانند، ولی دخترها

و بانوان اگر نامحرم صدایشان را نمی شنود، می توانند بلند بخوانند، وگرنه بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخوانند.

مسئله ۲۲۳: اگر در جائی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جائی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، صحیح است.

مسئله ۲۲۴: اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است؛ مثلاً می بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده، لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.

مسئله ۲۲۵: انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می تواند بخواند و احتیاط مستحب است که نماز را به جماعت بجا آورد.

## رکوع

مسئله ۲۲۶: در هر رکعت بعد از قرائت حمد و سوره، نماز گزار باید به اندازه ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد، این عمل را «رکوع» می گویند و واجب است در حال رکوع ذکر بگوید.

مسئله ۲۲۷: در رکوع، هر ذکری گفته شود کافی است، به شرط آن که از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

مسئله ۲۲۸: در حال ذکر رکوع باید بدن آرام باشد.

مسئله ۲۲۹: اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.

مسئله ۲۳۰: اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است.

## سجود

## اشاره

مسئله ۲۳۱: نماز گزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده بجا آورد.

مسئله ۲۳۲: سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد و در حال سجده واجب است ذکر بگوید.

مسئله ۲۳۳: در سجده هر ذکر بگوید کافی است، به شرط آنکه مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

مسئله ۲۳۴: در حال ذکر سجده باید بدن آرام باشد.

مسئله ۲۳۵: اگر کسی پیش از آنکه پیشانی اش به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر سجده را بگوید، نمازش باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.

مسئله ۲۳۶: نماز گزار باید بعد از تمام شدن ذکر سجده اول بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

مسئله ۲۳۷: اگر نماز گزار پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است.

مسئله ۲۳۸: اگر موقعی که ذکر سجده را می گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می شود. ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر از پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.

مسئله ۲۳۹: اگر همراه با انگشتان شست پا انگشتان دیگر هم بر زمین باشد، مانع ندارد.

مسئله ۲۴۰: نمازگزار باید در سجده پیشانی را بر زمین و یا آنچه از زمین می روید ولی خوراکی و پوشاکی نیست؛ مانند چوب و برگ درخت، قرار دهد.

مسئله ۲۴۱: سجده بر چیزهای معدنی؛ مانند طلا، نقره، عقیق و فیروزه صحیح نیست.

مسئله ۲۴۲: سجده بر چیزهایی که از زمین می روید و خوراک حیوان است، مثل علف و کاه صحیح است.

مسئله ۲۴۳: سجده بر کاغذ اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، صحیح است.

مسئله ۲۴۴: برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام می باشد و بعد از آن بدین ترتیب: \* خاک \* سنگ \* گیاه

**وظیفه کسی که نمی تواند بطور معمول سجده کند**

مسئله ۲۴۵: کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند،



باید به قدری که می تواند خم شود و مهر را برجای بلندی بگذارد و سجده کند، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را بطور معمول بر زمین یا روی میز بگذارد.

مسئله ۲۴۶: اگر نمی تواند خم شود، باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که به قدری مهر را بلند کند که پیشانی را بر آن بگذارد.

### سجده واجب قرآن

مسئله ۲۴۷: در چهار سوره قرآن، آیه سجده است که اگر انسان آن آیه را بخواند یا وقتی که دیگری آن را می خواند به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند.

مسئله ۲۴۸: سوره هایی که آیه سجده دارد: \* سوره «سجده» ۳۲، آیه ۱۵. \* سوره «فصلت» ۴۱، آیه ۳۷. \* سوره «نجم» ۵۳، آیه ۶۲. \* سوره «علق» ۹۶، آیه ۱۹.

مسئله ۲۴۹: اگر سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد، باید سجده کند.

مسئله ۲۵۰: اگر آیه سجده را از رادیو و ضبط صوت و مانند آن بشنود، بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.

مسئله ۲۵۱: اگر آیه سجده را از مثل بلندگو که صدای انسان را می رساند بشنود، واجب است سجده کند.

مسئله ۲۵۲: گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، اما مستحب می باشد.

مسئله ۲۵۳: در رکعت دوم و در رکعت آخر نمازهای واجب، نماز گزار باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند؛ یعنی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

نماز

مسئله ۲۵۴: در رکعت آخر نماز، پس از تشهد در حالی که نشسته و بدن آرام است، باید سلام دهد و نماز را به پایان ببرد؛ مستحب است اول بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». و واجب است که بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». و یا بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ». «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

مسئله ۲۵۵: نماز باید بدین ترتیب انجام شود: نیت تکبیره الاحرام، قرائت، رکوع، سجود و در رکعت دوم پس از

سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر پس از تشهد، سلام دهد.

## مُوالات

مسئله ۲۵۶: موالات، یعنی پشت سرهم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.

مسئله ۲۵۷: اگر کسی به قدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.

مسئله ۲۵۸: طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را بهم نمی زند.

## بعضی از مستحبات نماز

### قنوت

مسئله ۲۵۹: مستحب است در رکعت دوم نماز، بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند؛ یعنی دستها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکر بخواند.

مسئله ۲۶۰: در قنوت هر ذکر بگوید اگر چه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد، کافی است و می تواند این دعا را بخواند: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

### تعقیب نماز

تعقیب، یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام نماز.

مسئله ۲۶۱: بهتر است انسان در حال تعقیب رو به قبله باشد.

مسئله ۲۶۲: لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده اند، بخواند.

مسئله ۲۶۳: از چیزهایی که برای تعقیب نماز زیاد سفارش شده، تسبیح حضرت زهرا (س) است؛ یعنی گفتن: ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ».

## مُبَطَّلَاتِ نَمَاز

### اشاره

مسئله ۲۶۴: دوازده چیز نماز را باطل می کند و آنها را مبطلات می گویند: اول: آنکه در بین نماز یکی از شرطهای آن از بین برود؛ مثلاً در بین نماز لباس یا بدن او نجس شود. دوم: آنکه در بین نماز عمدتاً یا سهواً و یا از روی ناچاری چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند، پیش آید؛ مثلاً بول از او بیرون آید. ولی کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر در بین نماز بول یا غائط از او خارج شود، چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شده (۱) رفتار نماید، نمازش باطل نمی شود و نیز اگر در بین نماز از زن مستحاضه خون خارج شود در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد، نمازش صحیح است. سوم: سخن گفتن. چهارم: خندیدن با صدا.

ص: ۱۱۶

---

۱- (۱) مسئله ۳۱۰ به بعد از رساله توضیح المسائل.

پنجم: گریستن. ششم: رو برگردان از قبله. هفتم و هشتم: خوردن و آشامیدن. نهم: انجام دادن کاری که صورت نماز را برهم بزند. دهم: کم یا زیاد کردن ارکان نماز. یازدهم: دست بر روی هم گذاشتن. دوازدهم: آمین گفتن بعد از حمد.

## احکام مبطلات نماز

### سخن گفتن

مسئله ۲۶۵: اگر نماز گزار عمداً کلمه ای بگوید که دارای معنی باشد خواه یک حرف باشد یا بیشتر، و بخواهد با آن معنایی را برساند، نمازش باطل می شود.

مسئله ۲۶۶: اگر از روی فراموشی سخن بگوید؛ یعنی متوجه نبود که در حال نماز است، نماز باطل نمی شود.

مسئله ۲۶۷: سرفه کردن و عطسه کردن نماز را باطل نمی کند.

مسئله ۲۶۸: در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نماز گزار سلام کند، واجب است جواب او را بدهد، و باید در جواب، سلام را مقدم دارد؛ مثلاً بگوید «سلام علیکم» و نباید «علیکم السلام» بگوید.

### خندیدن و گریستن

مسئله ۲۶۹: اگر نماز گزار عمداً خنده با صدا کند یا برای کار

دنیایی عمداً با صدا گریه کند نمازش باطل می شود ولی اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است.

مسئله ۲۷۰: لبخند زدن نماز را باطل نمی کند.

### **روی از قبله برگرداندن**

مسئله ۲۷۱: اگر عمداً به قدری روی خود را از قبله برگرداند که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل است.

مسئله ۲۷۲: اگر عمداً یا سهواً پشت به قبله کند یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد، نمازش باطل است.

### **خوردن و آشامیدن**

مسئله ۲۷۳: اگر نماز گزار چیزی بخورد یا بیاشامد به طوری که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.

مسئله ۲۷۴: اگر نماز گزار چیزی بخورد یا بیاشامد هر چند صورت نماز بهم نخورد، بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل می شود.

### **برهم زدن صورت نماز**

مسئله ۲۷۵: اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را برهم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می شود.

مسئله ۲۷۶: اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که از

صورت نماز خارج شود، نمازش باطل می شود.

مسئله ۲۷۷: رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است، مگر در حال ناچاری، مانند این موارد: حفظ جان، حفظ مال و جلوگیری از ضرر مالی و بدنی.

مسئله ۲۷۸: شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم با این شرایط اشکال ندارد: ۱ - در بین نماز نمی تواند بدهی را بپردازد. ۲ - طلبکار، طلب خود را می خواهد. ۳ - وقت نماز تنگ نیست، یعنی می تواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقت آن بخواند.

مسئله ۲۷۹: شکستن نماز برای حفظ مالی که اهمیت ندارد، مکروه است.

مسئله ۲۸۰: برخی از چیزهایی که در نماز مکروه است، عبارتند از: ۱ - برهم گذاشتن چشمها. ۲ - بازی کردن با انگشتان و دستها. ۳ - سکوت کردن در هنگام خواندن حمد یا سوره و یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی. ۴ - هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد. ۵ - برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون مقدار زیاد آن نماز را باطل می کند).

ص: ۱۱۹

ترجمه اذان و اقامه

\* «اللَّهُ أَكْبَرُ». خدا از همه چیز و همه کس بزرگتر است. \* «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان خدایی نیست. \* «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر خدا است. \* «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ». گواهی می‌دهم که علی بن ابی طالب ولی و حجت خدا بعد از پیامبر است. \* «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ». بشتابید به سوی نماز. \* «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ». بشتابید به سوی رستگاری. \* «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ». بشتابید به سوی بهترین کارها. \* «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ». نماز برپا شد. \* «اللَّهُ أَكْبَرُ». خدا از همه بزرگتر است. \* «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

ترجمه نماز

تکبیره الاحرام: «اللَّهُ أَكْبَرُ». خداوند از هر کس و هر چیز بزرگتر است.



حمد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». بنام خداوند بخشنده مهربان. \* «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». ستایش، مخصوص خدا، پروردگار جهانیان است. \* «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». خدای بخشنده مهربان. \* «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ». صاحب روز پاداش (قیامت). \* «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم. \* «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ». ما را به راه راست هدایت فرما. \* «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ». راه آنان که به آنها نعمت دادی. \* «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ». نه راه کسانی که بر آنها خشم شده و نه گمراهان. سوره: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». بنام خداوند بخشنده مهربان. \* «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ». بگو اوست خدای یکتا. \* «اللَّهُ الصَّمَدُ». خدای بی نیاز. \* «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ».

خدایی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست. \* «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ». و هیچ کسی، همتای او نیست. ذکر رکوع: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ». خدای بزرگِ خود را منزّه می دانم و می ستایم. ذکر سجود: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ». خداوندِ خود را که از همه بالا-تر است، می ستایم و پیراسته می شمرم. تسیحات اربعه: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». منزّه است خدا، ستایش مخصوص خدا است، جز آفریدگار جهان خدایی نیست و خدا از همه بزرگتر است. تشهد و سلام: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ». گواهی می دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست و یکتا و بی همتاست و شریک ندارد. \* «وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». و گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده خداوند است. \* «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». خداوندا! بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او درود فرست. \* «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». درود و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر. \* «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

درود بر ما (نماز گزاران) و بر بندگان صالح خدا. \* «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». درود بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما.

## شکایات نماز

### شک در نماز

گاهی ممکن است نماز گزار در انجام جزئی از نماز شک کند؛ مثلاً نمی داند تشهد را خوانده است یا نه و یا نمی داند یک سجده بجا آورده است یا دو سجده و گاهی در تعداد رکعاتی که خوانده است شک می کند، مثلاً نمی داند که مشغول رکعت سوم است یا چهارم. برای شک در نماز، احکام خاصی است که بیان تمام موارد آن از حد این نوشته خارج است، ولی بطور مختصر به بیان اقسام شک و احکام هر کدام می پردازیم.

### شک در اجزای نماز

مسئله ۲۸۱: اگر نماز گزار در انجام جزئی از اجزای نماز شک کند؛ یعنی نمی داند آن جزء را بجا آورده است یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده؛ یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است، باید آن را بجا آورد. ولی اگر بعد از داخل شدن در جزء بعدی شک پیش آمده؛ یعنی از محل آن گذشته است، به چنین شکی اعتناء نمی شود و نماز را ادامه می دهد و صحیح است.

مسئله ۲۸۲: اگر بعد از انجام جزئی از نماز در صحت آن

شک کند؛ یعنی نمی داند جزئی را که بجا آورده، صحیح انجام شده است یا نه، در این صورت به شک خود اعتناء نمی کند؛ یعنی بنا می گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می دهد و صحیح است.

### شکهایی که نماز را باطل می کند

مسئله ۲۸۳: اگر در نماز دو رکعتی مثل نماز صبح یا در نماز مغرب شک در شماره رکعت ها پیش آید، نماز باطل است.

مسئله ۲۸۴: اگر بین یک و بیشتر از یک رکعت شک کند؛ مثلاً یک و دو یا یک و سه، نماز باطل است.

مسئله ۲۸۵: اگر در نماز نداند چند رکعت خوانده، نماز باطل است.

مسئله ۲۸۶: هرگاه یکی از شک هایی که نماز را باطل می کند پیش آید، باید مقداری فکر کند و چنانچه چیزی یادش نیامد و شک باقی ماند، نماز را به هم می زند و دوباره شروع می کند.

مسئله ۲۸۷: شک هایی که نباید به آنها اعتنا کرد: \* شک در نماز مستحبی. \* شک در نماز جماعت. \* شک پس از سلام نماز. \* شک بعد از گذشت وقت نماز.

مسئله ۲۸۸: چنانچه طرف بیشتر شک، نماز را باطل می کند، باید بنا را بر کمتر بگذارد؛ مثلاً اگر در نافله صبح شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، باید بنا بگذارد که دو رکعت

خوانده و اگر طرف بیشتر شک نماز را باطل نمی کند؛ مثلاً شک کند که دو رکعت خوانده یا یک رکعت، به هر طرف شک عمل کند، نمازش صحیح است.

مسئله ۲۸۹: در نماز جماعت، اگر امام جماعت در شماره رکعت های نماز شک کند، ولی مأوم شک نداشته باشد و به امام بفهماند که رکعت چندم است، امام جماعت نباید به شک خود اعتناء کند. و همچنین اگر مأوم شک کند ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همانگونه که امام جماعت نماز را انجام می دهد، او هم عمل می کند و نمازش صحیح است.

مسئله ۲۹۰: اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه؛ مثلاً شک کند رکوع کرده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت به شک خود اعتنا نکند، ولی اگر هر دو طرف شک او باطل باشد؛ مثلاً بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.

مسئله ۲۹۱: اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست.

ولی اگر پیش از گذشتن وقت شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، باید آن نماز را بخواند، بلکه اگر گمان کند که خوانده، باید آن را بجا آورد.

## نماز احتیاط

مسئله ۲۹۲: در مواردی که نماز احتیاط واجب می شود مثل

شک بین سه و چهار، باید بعد از سلام نماز، بدون آنکه صورت نماز را بهم بزند و یا یکی از مبطلات نماز را انجام دهد برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.

مسئله ۲۹۳: فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر: \* نیت آن را نباید به زبان آورد. \* سوره و قنوت ندارد (هر چند دو رکعتی باشد). \* آهسته خوانده می شود و احتیاط واجب آن است که «بسم الله» را نیز آهسته بگوید.

مسئله ۲۹۴: اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد، پس از سجده ها تشهد می خواند و سلام می دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیره الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم تشهد بخواند و سلام دهد.

### کیفیت سجده سهو

مسئله ۲۹۵: در مواردی که سجده سهو واجب می شود، مانند شک بین چهار و پنج در حالت نشسته، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» ولی بهتر است بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»، بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید سپس بنشیند و تشهد و سلام را بخواند.

مسئله ۲۹۶: انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی شکسته) بجا آورد، به شرط آنکه مسافرتش از هشت فرسخ کمتر نباشد [هشت فرسخ شرعی در حدود ۴۵ کیلومتر است].

مسئله ۲۹۷: اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است؛ مثل وطن، حد اقل چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، نمازش در این سفر هم شکسته است.

مسئله ۲۹۸: کسی که به مسافرت می رود، زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حد اقل به مقداری دور شود که اذان آنجا را نشنود و دیوارهای آنجا را نبیند و چنانچه قبل از آنکه به این مقدار دور شود، بخواند نماز بخواند، باید تمام بخواند.

مسئله ۲۹۹: اگر به جایی می رود که دو راه دارد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید نماز را چهار رکعتی بخواند؛ مثلاً اگر از وطن به روستایی می رود که دو راه دارد؛ یک راه چهار فرسخ است و راه دیگر سه فرسخ، اگر از راه اول (چهار فرسخ) برود و از همان راه برگردد، نمازش در بین راه و در آن روستا شکسته است. ولی اگر از این

راه برود و از راه دیگر (سه فرسخ) برگردد و یا از راه دؤم (سه فرسخ) برود و از همان راه برگردد چون مجموع سفر کمتر از هشت فرسخ می باشد، نماز در بین راه و در آن روستا تمام است.

مسئله ۳۰۰: در این موارد در سفر نماز تمام است: ۱- قبل از آنکه هشت فرسخ برود، از وطن خود می گذرد و یا در جایی ده روز می ماند. ۲- از اول قصد نداشته است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را پیمود؛ مثل کسی که به دنبال گمشده ای می گردد. ۳- در بین راه از قصد سفر برگردد؛ یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ از رفتن منصرف شود. ۴- کسی که شغل او مسافرت است، مثل راننده قطار و ماشینهای برون شهری، خلبان، ملوان (در سفری که شغل اوست). ۵- کسی که به سفر حرام می رود؛ مانند سفری که موجب اذیت پدر و مادر باشد.

مسئله ۳۰۱: اشخاصی که شغلشان در سفر است؛ مانند دانشجویانی که جهت تحصیل به شهر دیگر می روند و معمولاً جمعه ها به وطن خود بر می گردند یا معلمان و کارمندان و کارگران که همه روزه از وطنشان برای کار و شغل به اندازه مسافت شرعی می روند و شب برمی گردند، بنا بر احتیاط



نمازشان شکسته است و روزه آنها صحیح نیست، مگر اینکه در محل کار قصد ده روز کنند.

مسئله ۳۰۲: در این مکانها نماز تمام است: در وطن. در جایی که بنا دارد ده روز بماند. در جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده که می ماند یا می رود و تا سی روز به همین حالت مانده و جایی هم نرفته است، در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.

### **وطن کجاست؟**

مسئله ۳۰۳: وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده است.

مسئله ۳۰۴: فرزند تا زمانی که مستقل نشده است، اگر همراه پدر و مادر در وطن آنها زندگی می کند وطن پدر و مادر وطن او نیز می باشد، هرچند در آنجا به دنیا نیامده باشد و پس از آنکه در زندگی مستقل شد، اگر جای دیگری را برای زندگی همیشگی اختیار کرد، آنجا وطن او می شود. بنابراین به عنوان مثال پدر و مادری که اهل اصفهان هستند، و فرزند آنها که در اصفهان همراه آنها زندگی می کند چون اصفهان وطن پدر و مادر می باشد، اصفهان برای او نیز حکم وطن را دارد و اگر به

اصفهان برود باید در آنجا نماز را تمام بخواند. بلی اگر فرزند آنها در شهر دیگری زندگی کند و اصلاً همراه پدر و مادر در اصفهان زندگی نکرده آنجا وطن فرزند نمی شود.

مسئله ۳۰۵: تا انسان قصد ماندنِ همیشگی در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او حساب نمی شود.

مسئله ۳۰۶: اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگری برود، آنجا وطن او حساب نمی شود؛ مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در شهری می ماند.

مسئله ۳۰۷: اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی و بدون قصد رفتن در جایی آن قدر بماند که مردم او را اهل آنجا بدانند، آنجا حکم وطن او را دارد.

مسئله ۳۰۸: اگر به جایی برود که قبلاً وطن او بوده ولی هم اکنون از آنجا اعراض کرده است؛ یعنی بنا گذاشته که دیگر برای سکونت به آنجا برنگردد، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.

مسئله ۳۰۹: مسافری که به وطنش برمی گردد، وقتی به جایی برسد که دیوار وطن خود را ببینند و صدای اذان را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.

### **قصد ده روز**

مسئله ۳۱۰: مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند تا وقتی مسافرت نکرده

است، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصدِ ماندن ده روز کند.

مسئله ۳۱۱: اگر مسافر از قصد ده روز برگردد: الف: قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ باید نماز را شکسته بخواند. ب: بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ تا وقتی که در آنجا هست، باید نماز را تمام بخواند.

ص: ۱۳۱

نماز قضا، نمازی را گویند که بعد از وقت خوانده شود.

مسئله ۳۱۲: انسان باید نمازهای واجب را در وقت معین آن بخواند و چنانچه بدون عذر نمازی از او قضا شود، گناهکار است و باید توبه کرده و قضای آن را هم بجا آورد.

مسئله ۳۱۳: در دو مورد بجا آوردن قضای نماز واجب است: الف: نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد. ب: بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده باطل بوده است.

مسئله ۳۱۴: کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد.

مسئله ۳۱۵: قضای نمازهای روزانه کسی که ترتیب قضا شدن خود را می داند، بنا بر احتیاط واجب باید به ترتیب خوانده شود؛ مثلاً کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز صبح را نخوانده، باید اول نماز عصر و بعد از آن نماز صبح را قضا کند. کسی که نمازی از او قضا می شود به احتیاط واجب قبل از نماز واجب بعدی باید قضای آن را بخواند و در این مورد رعایت ترتیب لازم نیست.

مسئله ۳۱۶: کسی که می داند نماز قضا دارد، ولی تعداد آنها را نمی داند؛ مثلاً نمی داند چهار تا بوده یا پنج تا، چنانچه کمتر را بخواند کافی است.

مسئله ۳۱۷: اگر تعداد آنها را می دانسته، ولی فراموش کرده

است، احتیاط واجب آن است که مقدار بیشتر را بخواند.

مسئله ۳۱۸: نماز قضا را با جماعت می توان خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند؛ مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند، اشکال ندارد.

مسئله ۳۱۹: اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشاء از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگر چه در غیر سفر بخواهد قضای آن را بجا آورد.

مسئله ۳۲۰: در سفر نمی توان روزه گرفت حتی اگر روزه قضا باشد، ولی نماز قضا می توان بجا آورد.

مسئله ۳۲۱: اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده است بجا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشا را چهار رکعتی قضا کند.

مسئله ۳۲۲: نماز قضا را در هر وقتی می توان بجا آورد؛ یعنی قضای نماز صبح را می توان ظهر یا شب خواند.

### **نماز قضای پدر و مادر**

مسئله ۳۲۳: تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد، دیگری نمی تواند نمازهای او را قضا کند.

مسئله ۳۲۴: پس از مرگ پدر، نماز و روزه هایی را که بجا نیاورده باشد، بر پسر بزرگتر او واجب است آن نماز و روزه ها را قضا کند.

مسئله ۳۲۵: احتیاط واجب آن است که پسر بزرگتر نماز و روزه قضا شده مادر را نیز بجا آورد.

وحدت امت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام به آن اهمیت بسیاری داده است و برای حفظ و ادامه آن برنامه های ویژه ای دارد؛ یکی از آنها نماز جماعت است. در نماز جماعت، یکی از نماز گزاران که دارای ویژگی خاصی است پیشاپیش جمعیت می ایستد و دیگران در صفوفی منظم، پشت سر او و هماهنگ با او نماز را بجا می آورند. کسی که در این نماز دسته جمعی پیشاپیش جمعیت می ایستد، «امام جماعت» است و کسی که پشت سر او در نماز از او پیروی می کند، «مأموم» است.

### اهمیت نماز جماعت

گذشته از آن که در روایات زیادی برای نماز جماعت اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقت در برخی از مسائل احکام به اهمیت این عبادت پی می بریم. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم.

مسئله ۳۲۶: شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است، به ویژه برای همسایه مسجد.

مسئله ۳۲۷: مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

مسئله ۳۲۸: نماز جماعت هر چند اول وقت خوانده نشود، از نماز فرادای (۱) اول وقت بهتر است.

مسئله ۳۲۹: نماز جماعتی که مختصر خوانده می شود، از نماز فرادایی که آن را طول بدهد بهتر است.

مسئله ۳۳۰: سزاوار نیست انسان بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند.

مسئله ۳۳۱: حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنایی به آن جایز نیست.

### شرایط نماز جماعت

مسئله ۳۳۲: هنگام برپایی نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود: ۱ - مأموم از امام جلوتر نایستد، بلکه احتیاط واجب آن است که کمی عقب تر بایستد. ۲ - جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین بالاتر نباشد. ۳ - فاصله امام و مأموم و فاصله صف ها زیاد نباشد و احتیاط آن است که فاصله بیش از یک گام نباشد. ۴ - بین امام و مأموم و همچنین بین صف ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده و مانند آن بین صف

ص: ۱۳۵

---

۱- (۱) نمازی که به تنهایی خوانده شود و به جماعت خوانده نشود «نماز فرادا» نام دارد.

مردها و زنها اشکال ندارد.

مسئله ۳۳۳: امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را بطور صحیح بخواند.

### پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)

مسئله ۳۳۴: در هر رکعت، تنها در بین قرائت و در رکوع می توان به «امام» اقتدا کرد. پس اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند و اگر تنها به رکوع امام جماعت هم برسد، یک رکعت به حساب می آید.

مسئله ۳۳۵: حالت های مختلف پیوستن به نماز جماعت: در رکعت اول ۱ - در ابتدای نماز یا در حین قرائت به امام جماعت اقتدا کند: مأموم حمد و سوره را نمی خواند و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می آورد. ۲ - در رکوع: رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است. در رکعت دوم ۱ - از اول رکعت دوم یا در حین قرائت: مأموم حمد و سوره را نمی خواند و با امام قنوت و رکوع و سجده را بجا می آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به صورت نیم خیز، بنشیند (۱) و اگر نماز دو رکعتی است،

ص: ۱۳۶

---

۱- (۱) به این عمل «تجافی» گفته می شود.



یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند. و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوم که امام جماعت در رکعت سوم می باشد، حمد و سوره را بخواند (هر چند امام جماعت تسیحات بخواند) و آنگاه که امام جماعت رکعت سوم را تمام کرد و برای رکعت چهارم برمی خیزد، مأوم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند و برای خواندن رکعت سوم برخیزد و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می برد، یک رکعت دیگر می خواند. ۲ - در رکوع: رکوع را با امام جماعت بجا می آورد و بقیه نماز را همانگونه که گفته شد، انجام می دهد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است. در رکعت سوم ۱ - در حین قرائت: زمانی که می داند اگر اقتدا کند، برای خواندن حمد و سوره و یا حمد تنها وقت دارد، می تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا فقط حمد را بخواند. و اگر می داند فرصت ندارد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند. ۲ - در رکوع: چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام بجا می آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است و بقیه نماز را همانگونه که قبلاً بیان شد، بجا می آورد. در رکعت چهارم ۱ - در حین قرائت: حکم اقتدا در رکعت سوم را دارد و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام

می نشیند، مأموم می تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد و می تواند بطور نیم خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد. ۲- در رکوع: رکوع و سجده ها را با امام بجا می آورد، (در حالی که رکعت چهارم امام و رکعت اول مأموم است) و بقیه نماز را همانگونه که گذشت، انجام می دهد.

## احکام نماز جماعت

مسئله ۳۳۶: اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیّه را می خواند، هر کدام از نمازهای یومیّه را می توان به او اقتدا کرد.

بنابراین اگر امام نماز عصر را می خواند، مأموم می تواند، نماز ظهر را به او اقتدا کند. و اگر مأموم پس از آنکه نماز ظهر را خواند، جماعت برپا شود، می تواند نماز عصر را به ظهر امام جماعت اقتدا کند.

مسئله ۳۳۷: مأموم می تواند نماز قضای خود را به نماز ادای امام اقتدا کند، هر چند قضای نمازهای دیگر یومیّه باشد؛ مثلاً امام جماعت نماز ظهر را می خواند و او قضای نماز صبح را.

مسئله ۳۳۸: نماز جماعت حدّ اقل با دو نفر برپا می شود؛ یعنی یک نفر امام و یک نفر هم مأموم، مگر در نماز جمعه و عید فطر و عید قربان.

مسئله ۳۳۹: نمازهای مستحبی را نمی توان به جماعت خواند، مگر نماز طلب باران. (۱)

ص: ۱۳۸

---

۱- (۱) به این نماز «استسقاء» گفته می شود.

مسئله ۳۴۰: مأموم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه تا تکبیر امام تمام نشده، نباید تکبیر بگوید.

مسئله ۳۴۱: مأموم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را نیز بخواند.

## نماز جمعه

### اشاره

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان «نماز جمعه» است، نماز گزاران در روز جمعه می توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند که برتر از نماز ظهر است. در فضیلت این نماز، همین بس که سوره ای در قرآن به این نام آمده و در آنجا صریحاً مؤمنان را به حضور در نماز جمعه دعوت فرموده است.

### چگونگی نماز جمعه

مسئله ۳۴۲: نماز جمعه دو رکعت است، مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز ایراد می شود.

مسئله ۳۴۳: مستحب است امام جمعه حمد و سوره را بلند بخواند.

مسئله ۳۴۴: در نماز جمعه مستحب است در رکعت اول پس از سوره حمد سوره «جمعه» و در رکعت دوم پس از حمد سوره «منافقون» خوانده شود.

ص: ۱۳۹

مسئله ۳۴۵: در نماز جمعه دو قنوت مستحب است، یکی در رکعت اول پیش از رکوع و دیگری در رکعت دوم، پس از رکوع.

### شرایط نماز جمعه

مسئله ۳۴۶: در نماز جمعه شرایط زیر باید مراعات شود: \* تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است. \* باید به جماعت برگزار شود و فردا صحیح نیست. \* حد اقل تعداد افراد برای برپایی نماز جمعه پنج نفر می باشد؛ یعنی یک نفر امام و چهار نفر مأوم. \* بین دو نماز جمعه، حد اقل باید یک فرسخ فاصله باشد.

### وظیفه نمازگزاران جمعه

مسئله ۳۴۷: احتیاط واجب است که مأومین به خطبه ها گوش دهند.

مسئله ۳۴۸: احتیاط مستحب است که مأومین هنگام خطبه ها ساکت باشند و از سخن گفتن بپرهیزند.

مسئله ۳۴۹: احتیاط مستحب است که شنوندگان هنگام ایراد خطبه ها رو به امام جمعه بنشینند و به این طرف و آن طرف نگاه نکنند.

مسئله ۳۵۰: اگر انسان به رکعت اول نماز جمعه نرسد، در صورتی که خود را به رکعت دوم، هر چند در رکوع برساند، صحیح است و رکعت دوم را خودش می خواند. (به شرط آنکه

بداند وقت به اندازه ای هست که رکعت دوّم او هم در وقت واقع می شود).

## نماز آیات

### اشاره

مسئله ۳۵۱: یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب پیش آمدن این حوادث واجب می شود: زلزله، خسوف (ماه گرفتگی)، کسوف (خورشید گرفتگی)، و نیز رعد و برق و وزیدن بادهای زرد و سرخ در صورتی که بیشتر مردم بترسند.

### چگونگی نماز آیات

مسئله ۳۵۲: نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت آن پنج رکوع دارد. قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می شود؛ یعنی در دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می شود، ولی می توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می شود. در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات را بیان می کنیم: \* رکعت اوّل پس از تکبیره الاحرام، سوره حمد را بخواند و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگوید و به رکوع رود.

ص: ۱۴۱

سپس بایستد و بگوید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و به رکوع رود. بار دیگر بایستد و بگوید: «اللَّهُ الصَّمَدُ» و به رکوع رود. باز از رکوع سر بردارد و بگوید: «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ» و به رکوع رود. و باز از رکوع سر بردارد و بگوید: «وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» و به رکوع رود. و بعد از سر برداشتن از رکوع به سجده رود و پس از انجام دو سجده برای رکعت دوّم برخیزد. \* رکعت دوّم رکعت دوّم را نیز مانند رکعت اوّل بجا می آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز را به پایان می برد.

## احکام نماز آیات

مسئله ۳۵۳: اگر یکی از سبب های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.

مسئله ۳۵۴: اگر در یک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند، صحیح است.

مسئله ۳۵۵: مستحب است پیش از رکوع دوّم، چهارم، ششم، هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر تنها یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند، کافی است.

مسئله ۳۵۶: هر یک از رکوع های نماز آیات رکن است،

پس اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

مسئله ۳۵۷: نماز آیات را می توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره ها را تنها امام جماعت می خواند.

## نمازهای مستحب

### اشاره

مسئله ۳۵۸: نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد، اما برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد، می آوریم:

### نماز عید

### اشاره

مسئله ۳۵۹: در دو عید «فطر» و «قربان» خواندن نماز مخصوص عید، مستحب است.

### وقت نماز عید

مسئله ۳۶۰: وقت نماز عید از طلوع آفتاب است تا ظهر.

مسئله ۳۶۱: مستحب است در عید فطر بعد از بلند شدن آفتاب، افطار کنند و زکات فطره (۱) را هم بدهند، سپس نماز عید را بخوانند.

ص: ۱۴۳

---

۱- (۲) زکات فطره یکی از واجب های مالی است که روز عید فطر باید پرداخت شود. (به مسئله ۳۸۲ مراجعه کنید).

مسئله ۳۶۲: نماز عید دو رکعت با نه قنوت است و این گونه خوانده می شود: \* در رکعت اول نماز پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری گفته می شود و سپس رکوع و دو سجده به جا آورده می شود. \* در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم تکبیر دیگری گفته می شود و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام به جا آورده می شود. \* در قنوت های نماز عید هر دعا و ذکر بخوانند، کافی است، ولی بهتر است این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، وَ اَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ، وَ اَهْلَ الْعُفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَ اَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا، وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ذُخْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَامَةً وَ مَزِيدًا، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صِلْوَاتِكَ عَلَيَّ وَ عَلِيهِمْ، اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ اَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ».



### اشاره

نافله های شبانه روزی در غیر روز جمعه ۳۴ رکعت است که از جمله آنها یازده رکعت «نافله شب» و دو رکعت «نافله صبح» و دو رکعت «نافله عشا» می باشد که ثواب بسیار دارد. (۱)

### نماز شب

#### اشاره

مسئله ۳۶۳: نماز شب ۱۱ رکعت است که بدین ترتیب خوانده می شود: چهار تا دو رکعتی: به نیت نافله شب. دو رکعت: به نیت نافله شب. یک رکعت: به نیت نافله و تُر.

#### وقت نماز شب

مسئله ۳۶۴: وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

مسئله ۳۶۵: مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می تواند آن را در اول شب بجا آورد.

ص: ۱۴۵

---

۱- (۱) برای آشنایی بیشتر با نافله های شبانه روزی به رساله توضیح المسائل مسئله ۷۶۴ مراجعه کنید.

مسئله ۳۶۶: یکی دیگر از نمازهای مستحبی، نماز «غُفِيلَه» است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود.

### کیفیت نماز غفیله

مسئله ۳۶۷: نماز غفیله دو رکعت است، که در رکعت اول پس از حمد، باید این آیه خوانده شود: وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (سوره انبیاء / ۸۷) و در رکعت دوم پس از حمد، این آیه خوانده شود: وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تُسْقِطُ مِنْ رِيقِهِ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبِّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (سوره انعام / ۵۹) و در قنوت آن، این دعا خوانده می شود: «اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا. (۱) اللَّهُمَّ اَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي، وَ الْقَادِرُ عَلَيَّ طَلَبْتِي، تَعَلَّمْ حَاجَتِي، فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي».

ص: ۱۴۶

۱- (۱) به جای کلمه «کذا و کذا» می تواند حاجت های خود را از خدا بخواهد.

یکی دیگر از کارهای واجب و برنامه های اسلام برای خودسازی انسانها «روزه» است، روزه آن است که انسان از اذان صبح تا مغرب برای اطاعت فرمان خداوند از برخی کارها که شرح آنها خواهد آمد، بپرهیزد.

### نیت روزه

مسئله ۳۶۸: روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند بجا آورده شود و این همان «نیت» روزه است.

مسئله ۳۶۹: انسان می تواند در هر شبی از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه همه ماه را بنماید.

مسئله ۳۷۰: لازم نیست نیت روزه را به زبان بگویند، بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد، کافی است.

اشاره

مسئله ۳۷۱: روزه دار باید از اذان صبح تا مغرب از برخی کارها بپرهیزد و اگر یکی از آنها را انجام دهد، روزه اش باطل می شود. به مجموعه این کارها «مُبطلاتِ روزه» می گویند، که از جمله آنهاست: \* خوردن و آشامیدن. \* رساندن غبار غلیظ به حلق. \* فرو بردن تمام سر در آب. \* قی کردن. \* دروغ بستن به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام. \* باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح. \* استمنا. بجز آنچه گفته شد، کارهای دیگری نیز روزه را باطل می کند که برای آشنایی با آنها می توانید به رساله توضیح المسائل، مسئله ۱۶۴۵ صفحه ۳۲۳ مراجعه کنید.

احکامِ مُبطلاتِ روزه

خوردن و آشامیدن

مسئله ۳۷۲: اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل می شود.

مسئله ۳۷۳: اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده

ص: ۱۴۸

است فرو برد، روزه اش باطل می شود.

مسئله ۳۷۴: فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی کند، هر چند زیاد باشد.

مسئله ۳۷۵: اگر روزه دار به سبب فراموشی (یادش نیست که روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.

مسئله ۳۷۶: انسان نمی تواند بخاطر ضعف روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد. تزریق آمپول

مسئله ۳۷۷: روزه دار باید از تزریق سرم و آمپولی که به جای غذا به کار می رود خودداری کند، ولی سایر آمپولها اشکال ندارد. رساندن غبار غلیظ به حلق

مسئله ۳۷۸: اگر روزه دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه اش باطل می شود چه غبار خوراکی ها باشد مانند آرد یا غیر خوراکی مانند خاک.

مسئله ۳۷۹: بخار غلیظ و دود سیگار و تنباکو بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می کند. فرو بردن تمام سر در آب

مسئله ۳۸۰: اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد،

بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل می شود.

مسئله ۳۸۱: اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد یا فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو برد روزه او باطل نمی شود، ولی همین که فهمید باید فوراً سر را از آب بیرون آورد. قی کردن

مسئله ۳۸۲: هرگاه روزه دار عمداً قی کند، هر چند به سبب بیماری باشد، روزه اش باطل می شود.

مسئله ۳۸۳: اگر روزه دار نداند روزه است یا بی اختیار قی کند، روزه اش باطل نمی شود.

## قضا و کفاره روزه

### اشاره

روزه قضا

مسئله ۳۸۴: اگر کسی روزه ماه رمضان را به واسطه عذری (بیماری، سفر و...) نگیرد، باید بعد از ماه رمضان قضای آن را بجا آورد. کفاره روزه

مسئله ۳۸۵: کسی که بدون عذر روزه خود را با یکی از مبطلات روزه باطل کند، باید قضای آن را بجا آورده و یکی از این کارها را نیز انجام دهد، و این همان کفاره روزه است: \* آزاد کردن یک برده.

ص: ۱۵۰

\* دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد. \* سیر کردن شصت فقیر یا دادن یک مِدّ طعام (۱) به هر یک از آنها. کسی که کفّاره بر او واجب می شود، باید یکی از کارهای فوق را انجام دهد، و چون امروزه «برده» به معنای فقهی آن یافت نمی شود، مورد دوّم یا سوّم را انجام می دهد و اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست، باید یا ۱۸ روز روزه بگیرد و یا چند مِدّ طعام (به مقداری که می تواند) به فقیر بدهد. و اگر هیچ کدام را نتواند انجام دهد، هر قدر از این دو را که می تواند عمل کند و اگر آن را هم نتواند انجام دهد، باید استغفار کند البته احتیاط واجب آن است که اگر بعداً بتواند، کفّاره را بدهد.

### احکام قضا و کفّاره روزه

مسئله ۳۸۶: لازم نیست قضای روزه را فوراً بجا آورد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید تا رمضان سال بعد، انجام دهد.

مسئله ۳۸۷: انسان نباید در بجا آوردن کفّاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد و اگر چند سال بر آن بگذرد چیزی بر آن اضافه نمی شود.

مسئله ۳۸۸: اگر به سبب عذری مانند سفر، روزه نگرفته و پس از رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان سال بعد عمداً

ص: ۱۵۱

---

۱- (۱) مِدّ طعام تقریباً ده سیر (۷۵۰ گرم) گندم یا جو و مانند اینهاست.

قضای آن را بجا نیاورد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد و اگر با عذر قضای آن را بجا نیاورد بنا بر احتیاط واجب، علاوه بر قضا باید یک مُدّ طعام هم به فقیر بدهد.

مسئله ۳۸۹: اگر به سبب بیماری نتواند روزه بگیرد و آن بیماری تا رمضان سال بعد طول بکشد قضای آن ساقط می شود، ولی باید برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.

### روزه مسافر

مسئله ۳۹۰: مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نمی تواند در آن سفر روزه بگیرد، ولی باید قضای آن را بجا آورد. و مسافری که نمازش را تمام می خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.

مسئله ۳۹۱: اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت کند، باید روزه خود را تمام کند و صحیح است.

مسئله ۳۹۲: اگر روزه دار پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به «حدّ ترخص» برسد؛ یعنی به جایی برسد که صدای اذان شهر را نشنود و دیوارهای آن را نبیند، باید روزه خود را باطل کند و اگر پیش از آن روزه را باطل کند، علاوه بر قضا، بنا بر احتیاط واجب کفّاره هم دارد.

مسئله ۳۹۳: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است.



مسئله ۳۹۴: اگر مسافر، پیش از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه تا آن وقت، کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده، باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده، روزه آن روز واجب نیست و بعداً باید قضای آن را بجا آورد.

مسئله ۳۹۵: اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز بماند برسد، نباید آن روز را روزه بگیرد.

## زکات فطره

### اشاره

مسئله ۳۹۶: پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان؛ یعنی در روز عید فطر، باید مقداری از مال خود را به عنوان زکات فطره به فقیر داد.

### مقدار زکات فطره

مسئله ۳۹۷: مقدار زکات فطره برای خود انسان و کسانی که نان خور او هستند؛ مانند همسر و فرزند، هر نفر یک صاع (تقریباً سه کیلو) می باشد.

### جنس زکات فطره

مسئله ۳۹۸: جنس زکات فطره، گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت و مانند اینهاست، و اگر پول یکی از اینها داده شود کافی است.

ص: ۱۵۳

یکی از وظایف اقتصادی مسلمانان، پرداختن «خُمس» است که در برخی از چیزها باید ۱۵ آنها را برای مصارف مشخصی به مرجع تقلید خود بپردازند.

مسئله ۳۹۹: در هفت چیز، خُمس واجب است: ۱- در آمد کسب. ۲- معدن. ۳- گنج. ۴- غنائم جنگی. ۵- جواهری که با فرو رفتن در دریا به دست آید. ۶- مال حلال مخلوط به حرام. ۷- زمینی که کافر ذمّی (۱) از مسلمانی بخرد.

ص: ۱۵۴

---

۱- (۱) مسیحیان و یهودیان و زردشتیانی که با حاکم اسلامی پیمان بسته اند تا مالیات معینی را بپردازند و شرایط خاصی که در کتاب های مفصل فقهی آمده، پذیرفته اند و در عوض، جان و مال آنها در امان است «کافر ذمّی» می باشند.

مسئله ۴۰۰: پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفتگانه را داشته باشند، باید به آن عمل کنند. یکی از آن موارد که اکثر افراد جامعه را در بر می گیرد «خمس چیزی است که از خرج سال انسان و خانواده اش زیاد بیاید». [اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را بر پرداخت خمس مقدم داشته است، بنابراین هر کس در طول سال می تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال اگر چیزی برایش اضافه نیامد، پرداخت خمس بر او واجب نیست، ولی پس از آنکه بطور متعارف و در حد نیاز خود، زندگی را گذرانند؛ یعنی نه در مصرف، زیاده روی کرد و نه بر خود تنگ گرفت، اگر در پایان هم چیزی اضافه آمد، ۱۵ آنچه را که اضافه آمده است باید برای مصارف مشخصی بپردازد و ۴۵ آن را برای خود نگه می دارد.

### احکام خمس

مسئله ۴۰۱: تا خمس مال را ندهد، نمی تواند در آن تصرف کند؛ یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده، نمی تواند چیزی بخرد.

مسئله ۴۰۲: آذوقه ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۴۰۳: اگر کودک غیر بالغ سرمایه ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، ولی (پدر و جد پدری) او به احتیاط واجب باید خمس آن را بپردازد.

### مصرف خمس

مسئله ۴۰۴: خمس مال را باید دو قسمت کرد، نصف آن که سهم امام زمان علیه السلام است باید به مرجع تقلید خود یا نماینده او بپردازند و نصف دیگر را بنا بر احتیاط واجب باید با اجازه مرجع تقلید به سید فقیر یا سید یتیم و یا سیدی که در سفر درمانده است، بدهند.

ص: ۱۵۶

یکی دیگر از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان، پرداخت زکات است. از اهمیت زکات همین بس که در قرآن مجید بارها پس از نماز آمده و نشانه ایمان و عامل رستگاری دانسته شده است. در روایات متعددی که از معصومین علیهم السلام نقل شده آمده است: «کسی که از پرداخت زکات امتناع ورزد، از دین خارج است». زکات هم مانند خمس موارد معینی دارد، یک قسم از آن هر سال در روز عید فطر پرداخته می شود و تنها بر کسانی که قدرت پرداخت آن را (از نظر مالی) دارند واجب است، مسائل این نوع از زکات در پایان بحث روزه گذشت. قسم دیگر، زکات اموال است، ولی چنین نیست که تمام اموال مردم مشمول این قانون باشد، بلکه تنها نه چیز است که زکات دارد.

مسئله ۴۰۵: اموالی که پرداخت زکات آنها واجب می باشد

عبارت است از: گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره.

مسئله ۴۰۶: زکات در صورتی واجب می شود که مورد زکات به حدّ نصاب برسد. نصاب هر یک و مقدار زکات آنها در جدول زیر آمده است:

یادآوری: شتر، گاو و گوسفند، نصابهای دیگری نیز دارد که برای آشنایی با آنها می توانید به رساله توضیح المسائل، مسئله ۱۹۷۸ به بعد مراجعه کنید.

ص: ۱۵۸

مسئله ۴۰۷: اگر حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد، زکات آن واجب است. پس اگر در تمام سال یا مدتی از آن، از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد، زکات ندارد.

مسئله ۴۰۸: زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه ای باشد که معامله با آن رواج دارد، بنابراین آنچه امروزه بانوان به عنوان زیور استفاده می کنند، زکات ندارد.

مسئله ۴۰۹: پرداخت زکات از عبادات است و باید آنچه می پردازد به نیت زکات و با قصد قربت باشد.

## مصرف زکات

مسئله ۴۱۰: مصرف زکات هشت مورد است که می توان آن را در تمام یا برخی موارد آن مصرف کرد و بعضی از آن موارد بدین قرار است: فقیر و مسکین. بدهکاری که نمی تواند قرض خود را بدهد. غیر مسلمانانی که اگر به آنها زکات داده شود، به دین اسلام مایل می شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می کنند. در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم مسلمانان می رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد؛ مانند ساختن جاده، پل و مسجد. (۱)

ص: ۱۵۹

---

۱- (۱) برای آشنایی با سایر موارد مصرف زکات می توانید به رساله توضیح المسائل مسئله ۱۹۹۳ مراجعه کنید.





مسئله ۴۱۱: یاد گرفتن احکام معامله به مقداری که مورد احتیاج می باشد، واجب است.

مسئله ۴۱۲: خرید و فروش آلات لهو که فقط در حرام استفاده می شود، حرام است.

مسئله ۴۱۳: اگر چیزی را که می توان استفاده حلال از آن بُرد به این شرط بفروشد که در حرام مصرف کنند؛ مثلاً انگور را به این قصد بفروشد که از آن شراب تهیه نمایند، معامله آن حرام و بنا بر احتیاط واجب باطل است.

مسئله ۴۱۴: خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتاب های گمراه کننده حرام است، مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد؛ مثلاً برای پاسخ دادن به اشکال های آن.

مسئله ۴۱۵: فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، حرام است؛ مثلاً شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد

(این عمل را غش در معامله می گویند).

مسئله ۴۱۶: در معامله باید خصوصیات جنسی که مورد خرید و فروش واقع می شود معلوم باشد، ولی گفتن خصوصیتی که گفتن و نگفتن آنها تأثیری در میل و رغبت مردم نسبت به آن کالا ندارد، لازم نیست.

مسئله ۴۱۷: خرید و فروش دو کالای همجنس، که با وزن یا پیمانه می فروشند، به زیادت «ربا» و حرام است؛ مثلاً یک تن گندم بدهد و یک تن و ۲۰۰ کیلوگرم گندم بگیرد. یا یک من برنج بدهد و یک من برنج و صد تومان بگیرد.

مسئله ۴۱۸: مستحب است فروشنده در قیمت بین مشتری ها فرق نگذارد و در قیمت جنس سختگیری نکند و درخواست بهم زدن معامله را بپذیرد.

مسئله ۴۱۹: قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه و اگر دروغ باشد حرام است.

### بهم زدن معامله

مسئله ۴۲۰: در برخی موارد فروشنده یا خریدار می توانند معامله را بهم بزنند که از جمله آنهاست: \* خریدار یا فروشنده گول خورده باشد. \* در هنگام معامله توافق کرده اند که تا مدت معینی، هر دو یا یکی از آنها بتوانند معامله را بهم بزنند؛ مثلاً هنگام خرید و فروش بگویند: هر کس پشیمان شد تا سه روز دیگر می تواند پس بدهد.

ص: ۱۶۲

\* خریدار و فروشنده از محل معامله متفرق نشده باشند؛ مثلاً از صاحب مغازه کالایی را خریداری کرده، قبل از آنکه آن محل را ترک کند می تواند آن را پس دهد. \* کالایی که خریده است معیوب بوده و بعد از معامله بفهمد. \* فروشنده برای کالای خود که خریدار آن را ندیده، خصوصیات را بیان کرده و بعداً معلوم شود آن گونه نبوده است؛ مثلاً بگوید این دفتر ۲۰۰ برگ است بعداً معلوم شود کمتر است.

مسئله ۴۲۱: اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً آن را بهم نزنند بنا بر احتیاط واجب دیگر حق بهم زدن معامله را ندارد، مگر زمانی که حکم مسئله را نمی دانسته است.

## قرض

### اشاره

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در قرآن و روایات، راجع به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت.

### اقسام قرض

۱ - مدت دار: یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که قرض گیرنده چه موقع بدهی را بپردازد. ۲ - بدون مدت: قرضی که زمان پرداخت، در آن مشخص نشده است.

ص: ۱۶۳

## احکام قرض

مسئله ۴۲۲: اگر قرض مدت دار باشد طلبکار نمی تواند پیش از تمام شدن آن مدت، طلب خود را درخواست کند.

مسئله ۴۲۳: اگر قرض مدت دار نباشد، طلبکار هر وقت بخواهد می تواند طلب خود را درخواست کند.

مسئله ۴۲۴: اگر زمان پرداخت بدهی فرا رسیده یا قرض بدون مدت بوده و طلبکار نیز طلب خود را مطالبه نماید، واجب است که بدهکار در صورت توانایی بدهی خود را بپردازد و اگر به تأخیر اندازد، گناه کار است.

مسئله ۴۲۵: اگر قرض دهنده شرط کند که پس از مدتی، مثلاً یک سال دیگر، زیادتر بگیرد و یا کاری برای او انجام دهد، ربا و حرام است مثلاً یک صد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال یک صد و بیست هزار تومان بگیرد.

مسئله ۴۲۶: اگر قرض دهنده شرط نکرده باشد که زیادتر بگیرد ولی خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده پس بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.

## امانتداری

### اشاره

اگر انسان مال خود را به کسی بدهد و بگوید: نزد تو امانت باشد، و او هم قبول کند، باید به احکام امانتداری عمل کند.

## احکام امانتداری

مسئله ۴۲۷: کسی که نمی تواند از امانت نگهداری کند، بنا بر

ص: ۱۶۴

احتیاط واجب جایز نیست چیزی را به امانت قبول کند.

مسئله ۴۲۸: کسی که چیزی را امانت می گذارد، هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می کند، هر وقت بخواهد می تواند آن را به صاحبش برگرداند.

مسئله ۴۲۹: کسی که امانت را قبول می کند، اگر برای آن جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر امانت پول است و در خانه نمی تواند نگهداری کند، به بانک بسپارد.

مسئله ۴۳۰: امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند که مردم نگویند در امانت خیانت و یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است.

مسئله ۴۳۱: هرگاه امانت مردم از بین برود: الف: اگر امانتدار در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد؛ باید عوض آن را به صاحبش بدهد. ب: اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و بطور اتفاقی آن مال از بین رفته؛ مثلاً آن را سیل برده است، امانتدار ضامن نمی باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد.

مسئله ۴۳۲: امانتدار نمی تواند از امانت استفاده کند، مگر با اجازه صاحب آن.

## عاریه

عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی هم از او نگیرد؛ مثل آن که دوچرخه خود را به کسی می دهد تا با آن به منزلش برود و برگردد.

ص: ۱۶۵

مسئله ۴۳۳: کسی که چیزی عاریه داده، هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده، هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بدهد، البته در صورت اول اگر پس گرفتن عرفاً موجب خسارت عاریه گیرنده شود، بنا بر احتیاط واجب باید مهلت بدهد.

مسئله ۴۳۴: هرگاه مالی را که عاریه کرده از بین برود یا معیوب شود: اگر در نگهداری از آن کوتاهی ننموده یا در استفاده از آن زیاده روی نکرده است، ضامن نیست. ولی اگر در نگهداری آن کوتاهی کرده و یا در استفاده از آن زیاده روی کرده باشد، باید خسارت آن را بپردازد.

مسئله ۴۳۵: اگر قبلاً شرط کرده باشند که هرگونه خسارت بر آن مال وارد شود عاریه کننده ضامن است، باید آن خسارت را بپردازد.

### اشیاء پیدا شده یا گم شده

مسئله ۴۳۶: اگر شخصی چیزی پیدا کند ولی بر ندارد، وظیفه خاصی بر عهده اش نمی آید.

مسئله ۴۳۷: اگر چیزی پیدا کند و بر دارد، احکام خاصی دارد به این شرح: اگر قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار(۱) است و آن چیز نشانه داشته باشد و صاحب آن معلوم نباشد می تواند برای

ص: ۱۶۶

---

۱- (۱) قیمت ۱۲/۶ نخود نقره، هم اکنون در بازار در حدود ۳۱۰۰ ریال است (بهار ۱۳۸۱ هجری شمسی).

خودش بردارد، ولی هر وقت صاحبش پیدا شد، بنا بر احتیاط واجب باید عوض آن را به او بدهد. و اگر قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار نیست و نشانه ای دارد که می تواند با آن صاحبش را پیدا کند، باید تا یک هفته هر روز و بعد از آن هفته ای یک بار اعلام کند و چنانچه تا یک سال اعلام کرد و صاحبش پیدا نشد می تواند به قصد آنکه: «هرگاه صاحبش پیدا شد به او بدهد» برای خودش بردارد یا برای او نگهداری کند که هر وقت پیدا شد به او بدهد و یا از طرف صاحبش صدقه بدهد، ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش به فقیر غیر سید صدقه بدهد.

مسئله ۴۳۸: اگر می داند اعلام کردن فایده ندارد و یا از پیدا شدن صاحبش ناامید است، به نحوی که اعلام کردن بیهوده شمرده می شود، اعلام لازم نیست.

مسئله ۴۳۹: اگر کفش انسان را ببرند و کفش دیگری به جای آن مانده باشد، چنانچه می داند کفشی که مانده، مال کسی است که کفش او را برده، و بداند که عمداً برده است و راضی است که کفشش را در عوض آن بردارند و دسترسی هم به او ندارد، در صورتی که از پیدا شدن صاحبش مأیوس است یا برایش مشقت داشته باشد، می تواند آن را به جای کفش خودش بردارد، ولی اگر قیمت آن کفش بیشتر از قیمت کفش خودش باشد، باید هر وقت صاحب آن پیدا شد، زیادی قیمت را به او بدهد و چنانچه از پیدا شدن صاحبش ناامید شود، باید زیادی قیمت را از طرف او به فقیر غیر سید صدقه بدهد.

مسئله ۴۴۰: اگر کسی که کفش او را برده اند، احتمال دهد که عمداً کفش او را نبرده اند یا احتمال دهد کفشی که مانده، مال کسی نیست که کفش او را برده، و دسترسی به او نیست، باید صاحبش را جستجو کند و چنانچه از پیدا کردن وی ناامید شود، در صورتی که قیمت آن از ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار کمتر باشد می تواند برای خود بردارد و اگر بیشتر باشد باید تا یک سال اعلان کند و بعد از یک سال بنا بر احتیاط واجب با اجازه حاکم شرع از طرف صاحبش به فقیر غیر سید صدقه بدهد.

ص: ۱۶۸



«غصب» آن است که انسان، به ناحق و از روی ظلم و ستم، بر اموال دیگران یا حقوق آنان مسلط شود. غصب از گناهان بزرگ است و انجام دهنده آن در قیامت به عذاب سخت گرفتار می شود.

مسئله ۴۴۱: اگر انسان چیزی را غصب کند، علاوه بر آنکه کار حرامی کرده، باید آن را به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.

مسئله ۴۴۲: اگر چیزی را که غصب کرده، خراب کند، باید تفاوت قیمت آن را هم بدهد.

مسئله ۴۴۳: اگر چیزی را که غصب کرده، تغییری در آن داده که از اولش بهتر شده باشد؛ مثل اینکه دوچرخه غصب شده را تعمیر کرده، اگر صاحب مال بگوید: آن را به همین صورت بده، باید به او بدهد، و نمی تواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد، و حق ندارد آن را تغییر دهد که مثل اولش بشود.

خداوند بزرگ طبیعتِ زیبا و بعضی حیوانات و میوه ها و سبزیجات را در اختیار انسان ها قرار داده است، تا از آنها برای خوردن و آشامیدن و پوشاک و مسکن و سایر نیازهای خود استفاده کنند، ولی برای حفظ جان انسانها و سلامتی جسم و روح آنها و بقای نسل و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی قرار داده است که در این قسمت با برخی از آنچه که در رابطه با خوراکیها و آشامیدنی ها است، آشنا می شوید.

مسئله ۴۴۴: خوردن چیزی که موجب مرگ می شود یا برای انسان ضرر کلی دارد، حرام است.

مسئله ۴۴۵: خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

مسئله ۴۴۶: خوردن گِل حرام است.

مسئله ۴۴۷: خوردن کمی از تربت سید الشهداء علیه السلام برای شفا یافتن اشکال ندارد، ولی بهتر است که تربت را در مقداری آب حل نمایند تا مستهلک شود و بعد آن را بیاشامد.

مسئله ۴۴۸: بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را

که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، غذا و آب داده و از مرگ نجات دهد.

## آداب غذا خوردن

مسئله ۴۴۹: این کارها در رابطه با غذا خوردن مستحب است: ۱- دستها را قبل از غذا و پس از آن بشوید. ۲- در اول غذا «بِسْمِ اللّٰهِ» و در پایان «الْحَمْدُ لِلّٰهِ» بگویید. ۳- با دست راست غذا بخورد. ۴- لقمه را کوچک بردارد. ۵- غذا را خوب بجود. ۶- میوه ها و سبزیجات را پیش از خوردن با آب بشوید. ۷- اگر چند نفر سر سفره نشسته اند، هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد. ۸- میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد.

مسئله ۴۵۰: این کارها در رابطه با غذا خوردن مکروه است: ۱- در حال سیری غذا خوردن. ۲- پرخوری (زیاد غذا خوردن). ۳- نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن. ۴- خوردن غذای داغ. ۵- فوت کردن به غذایی که می خورد. ۶- پاره کردن نان با کارد.

ص: ۱۷۱

۷- گذاشتن نان زیر ظرف غذا و هر گونه بی احترامی به آن. ۸- دور انداختن میوه، پیش از آنکه کاملاً آن را بخورد.

### آداب آب نوشیدن

مسئله ۴۵۱: در نوشیدن آب این امور مستحب است: ۱- در روز، ایستاده آب بخورد. ۲- پیش از آشامیدن آب «بِسْمِ اللَّهِ» و بعد از آن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید. ۳- به سه نفس آب بیاشامد. ۴- پس از آشامیدن آب، حضرت امام حسین علیه السلام و خاندان و یاران او را یاد و قاتلان ایشان را لعن کند.

مسئله ۴۵۲: در نوشیدن آب این امور مکروه است: ۱- زیاد آشامیدن. ۲- آشامیدن آب بعد از غذای چرب. ۳- با دست چپ آب نوشیدن. ۴- در شب، ایستاده آب نوشیدن.

ص: ۱۷۲

### اشاره

مسئله ۴۵۳: دستور سر بریدن حیوان آن است که حلقوم (مجرای نفس) و مری (مجرای غذا) و دو شاهرگ را که در دو طرف حلقوم است و به آنها اوداج اربعه (چهار رگ) گفته می شود از پایین برآمدگی زیر گلو به طور کامل بپزند و اگر آنها را بشکافند، کافی نیست.

### شرایط سر بریدن حیوان

مسئله ۴۵۴: سر بریدن حیوان (ذبح) شش شرط دارد: ۱ - کسی که سر حیوان را می بُرد، مسلمان باشد. ۲ - سر حیوان را با ابزار آهنی ببرد. ۳ - هنگام بریدن، صورت، دست، پا و شکم حیوان رو به قبله باشد. ۴ - هنگام سر بریدن حیوان، نام خدا را ببرد و اگر تنها «بسم الله» را بگوید، کافی است. ۵ - حیوان پس از سر بریدن حرکتی نکند که معلوم شود

زنده بوده یا آنکه به اندازه معمول خون از بدنش بیرون آید، البته این حکم در صورتی است که زنده بودن آن حیوان در حال ذبح مشکوک باشد و در غیر این صورت لزومی ندارد. ۶ - کشتن حیوان از محل سر بریدن باشد و بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست کارد را پشت گردن فرو نموده و به طرف جلو بیاورد که گردن از پشت بریده شود.

### شکار با اسلحه

مسئله ۴۵۵: اگر حیوان حلال گوشت وحشی را با شرایطی که بیان می شود، با اسلحه شکار کنند و بمیرد پاک و حلال خواهد بود: \* اسلحه شکار، مثل کارد و شمشیر، برنده باشد یا مثل نیزه و تیر، تیز باشد که به سبب تیز بودن، بدن حیوان را پاره کند. \* کسی که حیوان را شکار می کند، مسلمان باشد. \* اسلحه را برای شکار به کار ببرد، پس اگر جای دیگر را نشانه بگیرد و بطور اتفاقی به حیوان بخورد، حلال نیست. \* هنگام بکار بردن اسلحه (مثلاً هنگام رها کردن تیر) نام خدا را ببرد. \* پس از زدن حیوان، با شتاب به سوی حیوان برود، و هنگامی به حیوان برسد، که مُرده باشد و یا به مقدار سر بریدن آن وقت نباشد. بنابراین اگر هنوز نمرده، و وقت برای سر بریدن آن باشد ولی سر آن را بُرد تا بمیرد، حرام است.

مسئله ۴۵۶: اگر ماهی پولک دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب بمیرد، پاک و خوردن آن حلال است. ولی اگر در آب بمیرد، گرچه بدنش پاک است ولی خوردن آن حرام می باشد، مگر اینکه در تور ماهیگیر در آب بمیرد که در آن صورت خوردن آن حلال است.

مسئله ۴۵۷: ماهیهایی که پولک ندارند، اگر چه زنده از آب بگیرند و بیرون آب بمیرد، حرام است.

مسئله ۴۵۸: کسی که ماهی را صید می کند، لازم نیست مسلمان باشد و لازم نیست نام خدا را ببرد، ولی مسلمان باید بداند که آن را زنده گرفته و در خارج آب مرده است.





یکی از نعمت های الهی، قدرت بینایی است. انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقی خود و هموعانش استفاده کند و آن را از نگاه به نامحرمان بازدارد، گرچه نگاه به طبیعت و زیبایی های آن، اگر تجاوز به حقوق دیگران نباشد اشکال ندارد، ولی حفظ دیده از نگاه به دیگران و حفظ خود از نگاه نامحرمان، احکام خاصی دارد که در این بخش به برخی از آنها می پردازیم:

### محرّم و نامحرّم

مسئله ۴۵۹: محرّم کسی است که در نگاه به او، محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست، نمی باشد و ازدواج با او نیز حرام است.

مسئله ۴۶۰: این افراد بر پسرها و مردان محرمند: \* مادر و مادر بزرگ.

\* دختر و دختر فرزند (نوه) و فرزندان او. \* خواهر. \* خواهرزاده (دختر خواهر) و فرزندان او. \* برادرزاده (دختر برادر) و فرزندان او. \* عمّه (عمّه خودش و عمّه پدر و مادرش). \* خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش). این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نسبی با هم محرمند. گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر پسرها و مردها محرم می شوند، از جمله آنهاست: \* همسر. \* مادر زن و مادر بزرگ او. \* زن پدر (نامادری). \* زن پسر (عروس). اما زن برادر و خواهر زن نامحرمند.

مسئله ۴۶۱: این افراد بر دخترها و زنان محرمند: \* پدر و پدر بزرگ. \* پسر و پسر فرزند (نوه) و فرزندان او. \* برادر. \* خواهرزاده (پسر خواهر) و فرزندان او. \* برادرزاده (پسر برادر) و فرزندان او. \* عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش). \* دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش). این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند.

گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر دخترها و بانوان محرم می شوند، از جمله آنهاست: \* شوهر. \* پدر شوهر و پدر بزرگ شوهر. \* شوهر دختر (داماد). اما شوهر خواهر و برادر شوهر محرم نیستند. بجز افرادی که بیان شد ممکن است کسان دیگری نیز به سبب ازدواج، با شرایط خاصی بر یکدیگر محرم شوند که در کتابهای مفصل فقهی آمده است.

مسئله ۴۶۲: اگر زنی با شرایطی که در کتابهای فقهی آمده است، بچه ای را شیر دهد، آن بچه بر آن زن و افراد دیگر محرم می شود که جهت آشنایی بیشتر می توانید به رساله توضیح المسائل، مراجعه کنید.

### احکام نگاه به دیگران

مسئله ۴۶۳: بجز زن و شوهر، نگاه کردن هر انسانی به فرد دیگر، اگر برای لذت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد؛ مانند نگاه مرد به مرد دیگر یا غیر همجنس؛ مانند نگاه مرد به زن و خواه از محارم باشد یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد، همین حکم را دارد.

مسئله ۴۶۴: پسرها و مردان می توانند به تمام بدن زنانی که بر آنها محرم هستند بجز عورت، بدون قصد لذت بردن نگاه کنند.

مسئله ۴۶۵: پسرها و مردان نمی توانند به بدن و موی زن نامحرم نگاه کنند ولی نگاه کردن به دستها تا میچ و صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود، اگر به قصد لذت بردن نباشد، اشکال ندارد.

مسئله ۴۶۶: دخترها و بانوان می توانند بدون قصد لذت بردن، به سر و صورت و گردن مرد نامحرم به مقداری که بطور متعارف نمی پوشانند، نگاه کنند.

### چند مسئله درباره ازدواج

مسئله ۴۶۷: کسی که به واسطه نداشتن همسر به حرام می افتد؛ مثلاً به نامحرم نگاه می کند، واجب است ازدواج کند.

مسئله ۴۶۸: در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد.

مسئله ۴۶۹: اگر یک حرف عقد ازدواج، غلط خوانده شود به طوری که معنای آن عوض شود، عقد باطل است.

مسئله ۴۷۰: با دختری که خواهر یا زن برادر انسان از شیر برادرش او را شیر کامل داده، نمی توان ازدواج کرد. همچنین است اگر خواهر زاده یا برادر زاده یا نوه خواهر یا نوه برادر انسان آن دختر را شیر داده باشد.

مسئله ۴۷۱: اگر شخص بالغی با پسر نابالغی لواط کند، مادر،

خواهر و دخترِ پسر بر او حرام می شود. ولی اگر هر دو بالغ باشند یا هر دو نابالغ باشند یا مفعول بالغ باشد یا شک کند بالغ بوده یا شک کند دخول شده یا نه، بر او حرام نمی شود.

مسئله ۴۷۲: اگر کسی با زنی غیر از عمه و خاله خود زنا کند، احتیاط واجب آن است که با دختر او ازدواج نکند. ولی اگر زنی را عقد نماید و با او نزدیکی کند بعد با مادر او زنا کند آن زن بر او حرام نمی شود و اگر پیش از آنکه با او نزدیکی کند با مادر او زنا نماید، احتیاط واجب آن است که از آن زن جدا شود.

## احکام سلام کردن

### اشاره

مسئله ۴۷۳: سلام کردن به دیگران مستحب، ولی جواب آن واجب است.

مسئله ۴۷۴: سلام کردن به کسی که در حال خواندن نماز می باشد، مکروه است.

مسئله ۴۷۵: اگر کسی به نماز گزار سلام کند، باید همانطور که او سلام کرده جواب دهد؛ مثلاً اگر گفته: «سلام علیکم» در جواب او بگوید: «سلام علیکم»، ولی در جواب «علیکم السلام» بگوید: «سلام علیکم».

مسئله ۴۷۶: کسی که نماز می خواند، جایز نیست به دیگران سلام کند.

مسئله ۴۷۷: سلام را باید فوراً جواب داد.

مسئله ۴۷۸: اگر دو نفر هم زمان به یکدیگر سلام کنند، بر هر یک واجب است که جواب سلام دیگری را بدهد.

مسئله ۴۷۹: سلام کردن به کافر مکروه است و اگر او به مسلمانی سلام کند، احتیاط واجب آن است که در جواب او بگوید: «علیک» و یا فقط بگوید: «سلام».

### آداب سلام کردن

مسئله ۴۸۰: مستحب است سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و گروه اندک به گروه زیاد و کوچک به بزرگ سلام کند.

مسئله ۴۸۱: مستحب است در غیر نماز جواب سلام را بهتر از آن بدهد، پس اگر کسی بگوید: «سلام علیکم» مستحب است در جوابش بگوید: «سلام علیکم و رحمه الله».

مسئله ۴۸۲: سلام کردن مرد به زن مکروه است، مخصوصاً به زن جوان.

### احکام قرآن

#### اشاره

مسئله ۴۸۳: قرآن همیشه باید پاک و تمیز باشد و نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.

مسئله ۴۸۴: اگر جلد قرآن نجس شود و بی احترامی به قرآن باشد، باید آن را آب بکشند.

ص: ۱۸۲

مسئله ۴۸۵: رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن برای کسی که وضو ندارد، حرام است.

مسئله ۴۸۶: در لمس نوشته قرآنی فرقی بین آیات و کلمات، بلکه حروف و حتی حرکات آن نیست.

مسئله ۴۸۷: در چیزی که قرآن بر آن نوشته شده است، بین کاغذ و زمین و دیوار و پارچه فرقی نیست.

مسئله ۴۸۸: در نوشته قرآنی فرقی نیست که با قلم نوشته شده باشد یا چاپ یا گچ یا چیز دیگر.

مسئله ۴۸۹: اگر نوشته قرآنی در قرآن هم نباشد، لمس آن حرام است. پس اگر آیه ای از قرآن در کتاب دیگری نوشته شده باشد، بلکه اگر کلمه ای از آن در کاغذی باشد، یا نصف کلمه ای از آن از برگ قرآن یا کتاب دیگری بریده شده باشد، باز هم لمس آن بدون وضو حرام است.

مسئله ۴۹۰: موارد زیر، لمس نوشته قرآن به حساب نمی آید و حرام نمی باشد: \* لمس آن از پشت شیشه یا پلاستیک. \* لمس ورق قرآن و جلد آن و اطراف نوشته ها. \* لمس ترجمه قرآن به هر لغتی باشد، (البته لمس اسم خداوند به هر لغتی که باشد، برای کسی که وضو ندارد حرام است، مانند کلمه خدا).

مسئله ۴۹۱: کلماتی که مشترک بین قرآن و غیر قرآن است، مانند «مؤمن»، «الذین» اگر نویسنده به قصد قرآن نوشته باشد

لمس آن بدون وضو حرام است.

مسئله ۴۹۲: لمس خطوط قرآن بر جنب، حرام است.

مسئله ۴۹۳: انسان جنب نباید سوره های سجده دار قرآن را بخواند (تفصیل آن در مسئله ۱۱۱ گذشت).

### قسم خوردن

مسئله ۴۹۴: اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم مانند «خدا» و «الله» قسم بخورد که کاری را انجام دهد، یا ترک کند؛ مثلاً سوگند بخورد که دو رکعت نماز بخواند، واجب است به آن عمل کند.

مسئله ۴۹۵: اگر عمداً به سوگندی که خورده است عمل نکند، باید کفاره بدهد و کفاره آن یکی از این سه چیز است: \* آزاد کردن یک برده. \* سیر کردن ده فقیر. \* پوشاندن ده فقیر. و اگر هیچ کدام از این ها را نتواند انجام دهد، باید سه روز پی در پی روزه بگیرد.

مسئله ۴۹۶: کسی که قسم می خورد، اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است.



مسئله ۴۹۷: اگر انسان به صورت کسی سیلی یا چیز دیگری بزند، به طوری که صورت او سرخ شود، باید ۱/۵ مثقال شرعی طلای سکه دار به او بدهد و اگر کبود شود ۳ مثقال، و اگر سیاه شود ۶ مثقال، و هر مثقال شرعی ۱۸ نخود است.

مسئله ۴۹۸: اگر جای دیگری از بدن کسی را (غیر از صورت) به واسطه زدن، سرخ یا کبود یا سیاه کند، باید نصف آنچه در مسئله قبل گفته شد، بدهد.

مسئله ۴۹۹: کشتن حیوانی که اذیت می رساند و مال کسی نیست؛ مانند مار و عقرب، اشکال ندارد.

مسئله ۵۰۰: اگر چیزی را به صنعتگری بدهند که درست کند و صاحبش نیاید آن را ببرد، چنانچه صنعتگر جستجو کند و از پیدا کردن صاحب آن ناامید شود، باید بنا بر احتیاط واجب آن را به نیت صاحبش به فقیر غیر سید صدقه بدهد.

مسئله ۵۰۱: دیواری که مال دو نفر است؛ مانند دیوار مشترک بین دو منزل، هیچ کدام از آنان حق ندارد بدون اجازه

شریک دیگر آن را بسازد، یا سر تیر آهن و مانند آن را بر دیوار بگذارد یا به دیوار میخ بکوبد، ولی کارهایی که معلوم است شریک راضی است؛ مانند تکیه دادن به دیوار و لباس انداختن روی آن اشکال ندارد، اما اگر شریک او بگوید: به این کارها راضی نیستم، انجام اینها هم جایز نیست.

مسئله ۵۰۲: اگر ریشه درخت همسایه در ملک [زمین، باغ، خانه و...] انسان بیاید، صاحب ملک می تواند از صاحب درخت بخواهد که ریشه درخت را برگرداند یا قطع کند و در صورتی که صاحب درخت این کار را نکرد، خودش می تواند از آن جلوگیری کند و چنانچه ضرری هم از ریشه درخت به او برسد، می تواند از صاحب درخت بگیرد.

مسئله ۵۰۳: درخت میوه ای که شاخه آن از دیوار باغ بیرون آمده، اگر انسان نداند صاحبش راضی است یا نه، نمی تواند از میوه آن بچیند و اگر میوه آن روی زمین هم ریخته باشد نمی تواند آن را بردارد.

مسئله ۵۰۴: جایزه ای را که بانک به بعضی از کسانی که در صندوق پس انداز پول می گذارند می دهد، در صورتی که شرط نکرده باشند که چیزی بدهد و بانک برای تشویق مردم از خودش بدهد و ضرر آن به کسی نرسد، حلال است.

مسئله ۵۰۵: تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد، بنا بر احتیاط واجب حرام است و در این حکم تمام مردم یکسان اند و حکم خدا به سبب مسخره مردم تغییر نمی کند، پس کسی هم که تازه بالغ شده یا اگر ریش خود را

نتراشد مردم او را مسخره می کنند، چنانچه ریش خود را بترشد یا طوری ماشین کند که مثل تراشیدن باشد، حرام است.

مسئله ۵۰۶: استمنا کردن حرام است؛ یعنی انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید.

مسئله ۵۰۷: آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازیگری است، غنا و حرام می باشد. و اگر نوحه یا روضه یا قرآن را هم با غنا بخوانند حرام است، ولی اگر آن را با صدای خوب بخوانند که غنا نباشد اشکال ندارد.

مسئله ۵۰۸: بازی با وسایلی که عرفاً وسیله قمار محسوب می شود، مثل قاب و تخته نرد حرام است، بلی وسیله ای مثل منچ و توپ که عرفاً وسیله قمار محسوب نمی شود، بازی با آن اشکال ندارد. شطرنج و پاسور هم اگر از وسائل قمار محسوب شود، بازی با آنها مطلقاً حرام است و الا اشکالی ندارد.

مسئله ۵۰۹: دست زدن و کف زدن در مجالس جشن و سخنرانی در غیر از مساجد و حسینیه ها و مشاهد، اگر برای تشویق امر مشروع (جایز) باشد و همراه با حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد.

## یادآوری

آنچه در این کتاب آمده تمام احکام نیست، بلکه بسیاری از قسمت های احکام که در درجه اول نیاز نوجوانان و جوانان بوده، در این رساله آورده شده است و برای توضیح بیشتر به رساله توضیح المسائل مراجعه شود.



## خلاصه ای از زندگینامه حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی

### اشاره

(دامت برکاته)

### ولادت

ایشان به سال ۱۳۱۰ شمسی در شهر مقدس قم دیده به جهان گشودند. پدر ایشان مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی «قدس سرّه» از اساتید و علمای بزرگ حوزه علمیه قم به شمار می آمد و مادرشان از فرزندان پاک سادات بزرگوار و معروف «میرقع» بود.

### تحصیلات

پس از تحصیلات ابتدایی در سن ۱۳ سالگی فراگیری دانش اسلامی را در حوزه علمیه قم آغاز کردند و به جهت برخورداری از هوش و استعداد سرشار دوره مقدمات و سطح را در مدت ۶ سال به پایان رساندند و در سن ۱۹ سالگی در درس خارج فقه و اصول استدلالی حضرت آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی رحمه الله شرکت نمودند و به سبب کمی سن، استعداد فراوان و فهم زیاد مورد توجه طلاب و استاد بزرگوارشان قرار داشتند. دوست و هم بحث صمیمی ایشان در

ص: ۱۸۹

دورهٔ تحصیل فرزند برومند بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران آیت الله شهید سید مصطفی خمینی رحمه الله بودند.

## اساتید

ایشان مدّت ۱۱ سال در درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله و ۹ سال در درس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رحمه الله شرکت فرموده و از این دو منبع سرشار علوم اسلامی بهره های فراوان بردند. سال ها در درس فلسفه و تفسیر حضرت آیه الله علامه طباطبایی رحمه الله حاضر شده و از این خرمن پربرکت نیز خوشه های فراوان چیدند. استعداد فراوان و تلاش پیگیر ایشان در درس سبب شد تا در سن ۲۵ سالگی به درجهٔ والای اجتهاد نایل آیند و این امر به تأیید استاد بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله رسید.

## تدریس

سالها در حوزهٔ علمیه قم دروس سطح را برای گروه بسیاری از طلاب تدریس نمودند و بیش از ۲۵ سال است که به تدریس خارج فقه و اصول مشغولند. برجستگی درس ایشان در حدّی است که بیش از صدها تن از فضلالی حوزهٔ علمیه در درس ایشان حاضر می شوند و چندین سال است که درس خارج فقه ایشان از صدای جمهوری اسلامی پخش می شود و افراد بسیاری در سراسر کشور و خارج کشور از آن بهره می برند.

ص: ۱۹۰

## مبارزات سیاسی علیه رژیم طاغوت

از زمانی که حضرت امام خمینی رحمه الله مبارزات سیاسی خود را علیه ظلم و فساد و حکومت طاغوتی پهلوی آغاز کردند، ایشان به عنوان یکی از یاران و همراهان امام خمینی بوده و قدم به قدم در صف مجاهدان و حامیان انقلاب اسلامی فعالیت داشتند و از جمله اعضای فعال جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به شمار می آمدند و اعلامیه های بسیاری را در راه پیشبرد انقلاب اسلامی و روشنگری امت اسلامی و حمایت از مرجعیت و رهبری امام خمینی رحمه الله صادر فرمودند که بارها از سوی مأموران حکومت پهلوی به بازجویی فراخوانده شده و به زندان افتادند و سرانجام به بندر لنگه تبعید شدند و پس از چهار ماه اقامت در آنجا به شهر یزد منتقل شدند و مدت دو سال و نیم به صورت تبعید در آنجا به سر بردند. پس از انقلاب اسلامی نیز همواره پشتمانه ای قوی برای بنیان گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی قدس سرّه و پس از ایشان برای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای - مد ظله العالی - بوده اند. ایشان در اولین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری از سوی امت اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای این مجلس انتخاب شدند و بیش از ده سال ریاست عالی شورای مدیریت حوزه علمیه قم را عهده دار بودند.

## محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام

از دیر زمان خاندان ایشان از ارادتمندان به اهل بیت

عصمت علیهم السلام به شمار می رفته و همیشه مجلس عزاداری در روزهای جمعه و سالروز وفات معصومین علیهم السلام و مجلس جشن در ایام تولد آن بزرگواران در بیت پدری ایشان برگزار بوده و این برنامه همچنان ادامه دارد.

## امامت جماعت

عشق به اهل بیت علیهم السلام سبب شده بود که ایشان سالها امامت جماعت مهم ترین پایگاه واعظان و مداحان شهر مقدس قم؛ یعنی «تکیه آقا سید حسن» را عهده دار باشند و پس از رحلت حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی رحمه الله، بنا به درخواست روحانیون و مردم شریف قم و تقاضای سرپرستی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام امامت جماعت آن مکان مقدس را عهده دار شدند که هزاران تن از علما و طلاب و زائران قبر دختر امام هفتم نماز جماعت را به امامت ایشان برگزار می کردند.

## مرجعیت

پس از رحلت حضرت امام خمینی قدس سره بسیاری از مؤمنان در مسئله تقلید به ایشان مراجعه کردند و بعد از رحلت حضرت آیت الله العظمی اراکی رحمه الله نیز از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان اولین نفر از مراجع بزرگ تقلید به امت مسلمان معرفی شدند.

ص: ۱۹۲



ایشان در کنار تدریس و تربیت طلاب علوم دینی کتابهای بسیاری نگاشته اند که به برخی از آثار ارزشمند ایشان اشاره می شود:

۱ - کتاب «تفصیل الشریعه» (عربی) که شرحی است استدلالی بر کتاب شریف «تحریر الوسیله» تألیف مرحوم امام خمینی و تاکنون بیست مجلد از آن به چاپ رسیده است.

۲ - حاشیه بر کتاب «العروه الوثقی» (عربی).

۳ - نهاییه التقرير، تقریرات درس مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در سه جلد (عربی).

۴ - جامع المسائل در دو جلد (فارسی).

۵ - حدود و تعزیرات در دو جلد (فارسی).

۶ - کتاب الطهاره (عربی).

۷ - کتاب الخمس (عربی).

۸ - المسائل المستحدثه (عربی).

۹ - ایضاح الکفایه، تقریرات یک دوره تدریس کتاب کفایه الاصول در شش جلد (فارسی).

۱۰ - رساله ای در خلل حج و عمره (عربی).

۱۱ - الأحکام الواضحه (فتاوی عربی).

۱۲ - أحكام الحج، حاشیه بر کتاب حج «تحریر الوسیله» (عربی).

- ۱۳ - القواعد الفقهیه (عربی).
- ۱۴ - تحریری نو از اصول فقه شیعه - تقریرات دروس اصول فقه معظم له در ده جلد (فارسی).
- ۱۵ - تبیان الأصول - تقریرات دروس اصول فقه معظم له (عربی).
- ۱۶ - معتمد الأصول - تقریرات دروس اصول فقه امام خمینی به قلم معظم له در دو جلد (عربی).
- ۱۷ - رساله ای در قاعده فراغ و تجاوز (عربی).
- ۱۸ - تقریرات درس خارج اصول ایشان در شانزده جلد (فارسی).
- ۱۹ - رساله توضیح المسائل (فارسی).
- ۲۰ - مناسک حج (فارسی).
- ۲۱ - مدخل التفسیر در علوم قرآن (عربی).
- ۲۲ - تفسیر سوره حمد (عربی).
- ۲۳ - تقیه مداراتی (فارسی).
- ۲۴ - آیین کشورداری از دیدگاه امام علی علیه السلام (فارسی).
- ۲۵ - عصمت انبیاء.
- ۲۶ - اهل البیت علیهم السلام یا چهره های درخشان در آیه التطهیر (به فارسی و به عربی).
- ۲۸ - ائمه اطهار علیهم السلام یا پاسداران وحی در قرآن کریم (این دو کتاب اخیر را به همراهی مرحوم آیه الله اشراقی نگاشته اند).
- ۲۹ - رساله احکام برای نوجوانان (فارسی).

۳۰ - استفتاءات حول الحج و العمرة (عربی).

۳۱ - مناسك الحج (عربی).

۳۲ - أحكام العمرة المفردة (فارسی).

البته حضرت آیه الله العظمی فاضل تألیفات ارزنده دیگری دارند که هنوز به چاپ نرسیده است.

ص: ۱۹۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

